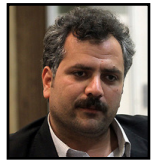




اکبر شوکت، رئیس انجمن صنفی کارگران ساختمانی کشور:
در تصمیم‌گیری‌های حوزه مسکن، قشر ضعیف کارگر دیده نمی‌شود



فاطمه راکعی، دبیر کل جمعیت زنان مسلمان نواندیش:
زنان مانند مردان از آزادی برخوردارند



هفته‌نامه غیربرخط اراده‌ملت شماره ۶۰ چهارشنبه ۲۳ فروردین ۱۴۰۲

پراکنده‌ویی منظور

حکایت‌ها و داستان‌ها تمثیلی از تفکرات ما هستند، آن چنان که می‌باید اتفاق می‌افتادند و نیفتادند تا مورد استفاده قرار بگیرند.
ما تجربه‌های بسیاری داریم از مباحث و مجادلاتی که در آنها نیاز به ابراز یک تجربه داریم تا آن تجربه، مقصود ما را بیان کند. وقتی ذهنمان در جستجوی چنین تجربی است، در هنگامی که در داستان‌ها یا قصص قدما، روایت‌های اساطیری یا حتی دینی به روایت گزارشی بر می‌خوریم که منظور ما را بیان می‌کنند، آن روایت را به عنوان یک ابزار اصلی بیان اندیشه‌مان، پیش روی عقلمان و در محضر حافظه مان نگه می‌داریم تا به وقت ضرورت از آن استمداد کنیم.

دموکراسی و اتنیک‌ها

جامعه امروز ایران علی‌رغم تمامی تلاش‌های بی‌حاصل و پرهزینه از نیمه دوم دولت قاجاری تاکنون و با توجه به فلسفه ایجاد دولت و ملت بعد از مشروطه بر اساس وحدت زبانی و فرهنگی و تاریخی همچنان سرسختانه در جهت حفظ هویت‌های متفاوت و چندگانه و موزائیکی خود مبارزه کرده و از نفس نيفتاده و به جرئت می‌توان گفت هویت چند هزار ساله این سرزمین بر مبنای این چندگانگی و وحدت در عین کثرت بنا نهاده شده و توانسته مجموعه بزرگی از اشتراکات را در بین ساکنان این سرزمین و سرزمین‌های اطراف که امروز منفک و در جغرافیای سیاسی جداگانه هستند را پدید بیاورد؛ ولی تمامی این اشتراکات بی‌شمار نمی‌تواند نافی تفاوت‌های فرهنگی و زبانی و تاریخی اتنیک‌ها و نادیده انگاری آنها باشد.

گزارشی از آنچه در ۱۴۰۱ اتفاق افتاد

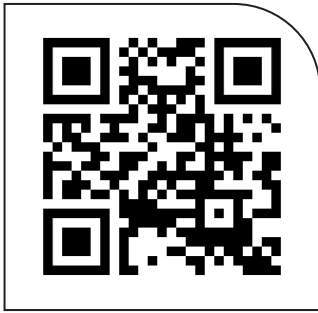
سال ۱۴۰۱ سال خاصی در عمر ۵ ساله نشریه اراده ملت بود. سال ۹۷ و زمانی که مجوز نشریه صادر شد، گمان بر این بود که حزب می‌تواند هر هفته شمارهای جدید را تقدیم اعضا، هواداران و مردم نماید. اما این امید به دلایل مختلف فنی، مالی و پشتیبانی خیلی سریع رنگ باخت. بعد از چندین شماره مشخص گردید که هم در تیم نویسندگان، هم در تیم فنی و هم در منابع مالی پشتیبان؛ خلل و فرج بسیاری وجود دارد و ناگزیر نشریه به صورت نامنظم منتشر شد

ثروت، دانایی و قدرت بیافرینیم

خودش را بدون توجه به نظر مردم زده است. در این شرایط قدرت و ثروت بجای جریان از طرف ملت به سمت حاکمیت، از طرف دولت به سمت مردم سرازیر می‌شده است و لاجرم به وابستگی ملت به حاکمیت می‌انجامیده است.

در خیزش‌های متعددی هم که از جانب مردم یا افراد برای تغییر این وضعیت صورت گرفته است —در صورت موفقیت— بعد از دوره کوتاهی از هرج و مرج و استقرار حاکمیت جدید، مجدداً همین مناسبات بازتولید شده است و گروه جدید خود را بی‌نیاز از توجه به نظرات و خواست مردم دیده است.

در سده‌های اخیر تاریخ ایران بسیاری از متفکرین بر شکاف ملت/حاکمیت انگشت نهاده‌اند و این شکاف را مشکل اصلی توسعه نیافتگی سیاسی ایران دانسته‌اند. بر اساس این نظریه، حاکمیت (دولت) ایران برخاسته از مردم نبوده است و مشروعیت و قدرت خودش را از منبعی غیر مردم کسب می‌کرده است. لذا ضرورتی واقعی به ارتباط و تعامل با مردم نمی‌دیده است و همواره حاکمیت (دولت) فراتر از طبقات و گروه‌های مختلف اجتماعی بوده است. حاکمیت (دولت) به دلیل این استقلال نسبی از مردم، در مسیر استبدادی و دیکتاتوری حرکت کرده است و حرف



هفته‌نامه غیر برخط اراده ملت

۲۳ فروردین ماه سال ۱۴۰۲ / شماره ۶۰



صاحب‌امتیاز:

حزب اراده ملت ایران

مدیرمسئول:

رحیم حمزه

زیر نظر شورای سردبیری

همکاران این شماره:

راضیه گمار / زهرا کرد / زهره رحیمی

رضوان سلماسی / فاطمه قدم / فائزه صدر

مہتاب قصابی / مهشید قاسمی

افشین فرهانچی / پیام فیض / حامد نامجو

حسن غلامی / داریوش محمدی / کاظم طیبی فرد

محمد بنی اسدی / محمد هادی خوش کلام

مرتضی صادقیان / مهدی تروهید / علی صابری

نشانی:

خیابان اسکندری جنوبی، نرسیده به خیابان آزادی، بن

بست خلیلی پلاک ۱ واحد ۱

تلفن:

۰۹۳۰۵۴۲۹۵۱۵ / ۰۲۱۶۶۵۶۲۳۰۶



این هفته نامه

ارگان رسمی حزب اراده ملت است

به جای مقدمه: و اینک در آغاز سال ۱۴۰۲

کلام مدیرمسئول: بهار بهانه‌ای برای گذر از مصرف به تولید اندیشه‌ها

سخن سردبیری: گزارشی از آنچه در ۱۴۰۱ اتفاق افتاد

سر مقاله: ثروت، دانایی و قدرت بیافرینیم

گفتگوی ویژه: احزاب می‌توانند نقش موثری در شکل‌دهی به مطالبات و اعتراضات ...

۱۲ نوشتار

ساخت شهرهای دوستدار کودک برای تحقق جوامع سالم‌تر، برابر‌تر و پایدار

پراکنده‌وی منظر

۱۸ گزارش

لهستان: آخرین تلاش‌های ژنرال

مروری گذرا بر تاریخچه جنبش‌های کارگری در نهضت ملی شدن نفت

۲۴ اندیشه

خوب زیستن و اخلاق

دموکراسی و اتنیک‌ها

۲۸ گفتگو

در تصمیم‌گیری‌های حوزه مسکن، قشر ضعیف کارگر دیده نمی‌شود

زنان مانند مردان از آزادی بر خور دارند

۳۳ معرفی و پیشنهاد

روایتی نوآورانه درباره قدرت آموزش و تحصیل

وقتی وزیر سابق اقتصاد برای دخترش از اقتصاد می‌گوید

آخرین و رساترین اعتراض

نگاهی بر اندیشه‌های سیدنی فینکلشتاین

بهداشت زیر بنای فعالیت‌های اقتصادی و پیشرفت‌های اجتماعی یک ملت

شعر و سیاست در نگاه محمود کیانوش

رستوران‌هایی که همزمان، معنویت هم سرو می‌کنند

من، اسبیم

توسعه پایدار یعنی چه

۴۳ تاریخ احزاب سیاسی ایران (۴): انقلاب مشروطه و مجلس اول

۴۹ نگاهی به رویدادهای اخیر جهان

۵۳ اخبار حزب

۵۶ صفحه آخر: استعفا، خدمت تحسین برانگیز آقای وزیر

(بعضی از مطالب این نشریه گردآوری می‌باشد و بسیاری از عکس‌ها از سایت‌های مختلف برداشته شده است. از

همه تهیه‌کنندگان اولیه تشکر مینمائیم)



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۶۰

۲۳ فروردین ماه سال ۱۴۰۲

به جای مقدمه

واینک در آغاز سال ۱۴۰۲

با ارائه مقالاتی چند، توجهی نیز به مسائل معلمان، کودکان و نوجوانان، اقوام، کارگران و جنبش‌های اعتراضی و مدنی نشان داده‌ایم. در این شماره به سبک همیشگی در بخش معرفی و پیشنهاد به موضوعات مرتبط با کتاب، فیلم، شعر، موسیقی، عکس و اینفوگراف پرداخته‌ایم. سال جدید را به همه خوانندگان عزیز مجدداً تبریک می‌گوییم و آرزو داریم که سالی خوب برای تمام ایرانیان در هر جایی که هستند باشد.

شصتمین شماره نشریه اراده ملت به سبک و سیاق قبل امروز خدمت شما عزیزان ارائه می‌گردد. تعطیلات نوروزی فرصتی بود که در مورد محتوا و شکل این نشریه تعمقی صورت گیرد که قرار شد نتیجه این تعمق از شماره بعدی نشریه به تدریج در ساختار و محتوای نشریه اعمال گردد. از مطالب دنباله‌دار نشریه در این شماره سه بحث تاریخ احزاب سیاسی ایران، داستان لاهستان در قرن بیستم و شیوه‌های خوب زیستن را دنبال کرده‌ایم و

بهار بهانه‌ای برای گذر از مصرف به تولید اندیشه‌ها



رحیم حمزه

rahimhamzeh@gmail.com

مصرف اندیشه‌های دیگران هستیم. یک مصرف گرایی تمام عیار. انگار از تولید خبری نیست. امیدوارم اشتباه کرده باشم و یکی پیدا شود و مرا از این اشتباه در بیاورد و به من گوشزد کند.

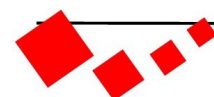
سابقه تاریخی جامعه ما مالا مال از تولید انبوه و متکثر اندیشه‌ها بوده است، به زیبایی بهار و به برکت تابستان. مانده تنهادر گذشته‌ای نه چندان دور به تولید انبوه رسیده بودیم بلکه علاوه بر آن در حوزه صادرات نیز به توفیقات خوبی دست یافته بودیم و این همه نشان از بالندگی و زایش و نوزایش و ... داشت که همواره به مثابه امر تاریخی بدان می‌بالیم و فخر می‌فروشیم، همین و بس.

از دیرباز، این مرزوبوم انواع حکومت‌ها را به خود دیده است، پس آن گذشته و این اکنون ربطی به نوع حکومت و ماهیت آن ندارد. به عبارت ساده‌تر این بار می‌خواهم توپ را در زمین مردمان بیندازم و شاید واقعیت هم و حقیقت هم غیر از این نباشد، اگر بپذیریم که این گونه است با توجه به گسترش فن آوری‌های ارتباطی متکثر بهانه‌ای برای هیچ توجیهی نمی‌ماند.

اکنون و اینجا جای هیچ گونه درنگ نیست، بهار را بهانه و فرصتی برای شروعی دوباره بدانیم البته امیدوارم زیاد دیر نشده باشد. یک جرئت ورزی کانتی می‌خواهد برای گشودن دروازه‌های اندیشه. بله دانایی جرأت می‌خواهد و نسل‌های جدید و بعد از این به درستی نشان دادند که بیشتر از آن هم دارند، شجاعت و دلیری. شما را نمی‌دانم من که امیدوارم زمستان سرد و تاریک با همه سختی‌هایش تمام شده و زیبایی بهار بیش از پیش رخ نمایان کند. پس آغوشمان را بگشاییم و در برگیریمش و به تعبیر شهریار ملک شعر و ادب اجازت بگیریم که به نرمی چین پیشانی افکار بلند این نسل را بنوازیم و به آن ابریشم اندیشه‌هایش شانه زنیم.

بهار یادآور نوزایی است. اندیشه آدمی و جامعه هم در سیر تکاملی خود فصول مختلف و متنوعی را پشت سر می‌گذارد. در این سیورورت، اما آنچه از اهمیت بالایی برخوردار است تداوم پویایی و استمرار نوزایی است. رخوت و کرختی زمانی حادث می‌شود که این فرایند متوقف شده و شاهد در جاذدن باشیم. زایش در دل خود تولید را هم به ارمغان می‌آورد این دو به یک معنی همزاد هم و به معنایی لازم و ملزوم هم هستند و از این فعل و انفعال زیبایی و خواستنی شدن طبیعت در فصل بهار رخ می‌نماید و تولید محصولات در فصول بعدی به دست می‌آید.

سابقه تاریخی جامعه ما مالا مال از تولید انبوه و متکثر اندیشه‌ها بوده است، به زیبایی بهار و به برکت تابستان



در این جا و اکنون آنچه قابل توجه و تفتن بسیار است این که جامعه ما انگار از زایش اندیشه‌ها بازمانده و فصول پاییز و زمستان که در آن به جای تولید، گرایش غالب بیشتر مصرف است جایگزین شده. دو گانه تولید و مصرف و ساختار اندیشه‌ورزی در جامعه ما حکایتی تلخ و غمناک را روایت می‌کند و در این میان اگر نگوییم امتناع، انسداد اندیشه راپه رأی العین می‌توان مشاهده کرد. در خوش بینانه‌ترین حالت ما صرفاً شاهد



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۶۰
۲۳ فروردین ماه سال ۱۴۰۲

گزارشی از آنچه در ۱۴۰۱ اتفاق افتاد

سال ۱۴۰۱ با همه امیدها و ناامیدی‌ها به پایان رسیده و بهاری دیگر آغاز شده است. سردبیری نشریه اراده ملت ضمن تبریک سال نو به همه ایرانیان، گزارشی از عملکرد نشریه و حزب در دو بخش تقدیم عزیزان می‌نماید.

بخش اول

سال ۱۴۰۱ سال خاصی در عمر ۵ ساله نشریه اراده ملت بود. سال ۹۷ و زمانی که مجوز نشریه صادر شد، گمان بر این بود که حزب می‌تواند هر هفته شماره‌ای جدید را تقدیم اعضا، هواداران و مردم نماید. اما این امید به دلایل مختلف فنی، مالی و پشتیبانی خیلی سریع رنگ باخت. بعد از چندین شماره مشخص گردید که هم در تیم نویسندگان، هم در تیم فنی و هم در منابع مالی پشتیبان؛ خلل و فرج بسیاری وجود دارد و ناگزیر نشریه به صورت نامنظم منتشر شد و در نهایت بعد از ۲۳ شماره به خاموشی گرائید. با تغییرات مدیریتی که در نشریه صورت گرفت و قبل از باطل شدن مجوز انتشار، مجدداً نشریه کار خود را شروع کرد اما این بار فقط به شکل الکترونیک عرضه گردید. این تغییر گرچه توانست مشکلات مالی را تا حدودی حل نماید اما برای دو مشکل دیگر راهگشا نبود و دیگر بار نشریه بعد از ۶ شماره، با سکون روبه‌رو شد.

بعد از کنگره دهم حزب و تغییرات گسترده در ارکان حزب، این بار هیأت اجرایی مصمم‌تر از پیش تصمیم به راه‌اندازی مجدد نشریه حزب گرفت. در این راستا هم شکل و هم ساختار نشریه تغییر کرد و تیم نویسندگان و مدیران آن نیز دستخوش تغییرات وسیعی شد.

گرچه شروع این فرایند در زمستان سال ۱۴۰۰ رقم خورد اما نتیجه آن در سال ۱۴۰۱ به بار نشست و ما شاهد انتشار ۲۵ شماره به صورت دوهفته نامه و منظم در این سال بودیم. طی این ۲۵ شماره بیش از ۶۰۰ مطلب توسط نویسندگان نشریه تهیه و منتشر گردید. تیم ثابت تحریریه به ۲۰ نفر رسید و حداقل ۴۰ نفر از اعضا حزب نیز هر چند شماره یک‌بار مطلبی برای نشریه ارسال کردند. تعداد مراجعه کنندگان روزانه به سایت نشریه به بیش از ۲۵۰ نفر رسید و رنکینگ سایت نشریه حزب در بین سایت نشریات حزبی کشور، رتبه سوم را بعد از روزنامه اعتماد و مردم سالاری به خود اختصاص داد.

رنکینگ سایت نشریه حزب در بین سایت نشریات حزبی کشور، رتبه سوم را بعد از روزنامه اعتماد و مردم سالاری به خود اختصاص داد.

این موفقیت مرهون زحمات گمنام ده‌ها نفر در بخش‌های مختلف حزب بود و امیدواریم که بتوانیم در سال جاری چه از نظر کیفی و چه از نظر کمی وضعیت نشریه را ارتقا دهیم و مجموعه‌ای پربارتر را به دست خوانندگان و هواداران خود برسانیم.



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۶۰

۲۳ فروردین ماه سال ۱۴۰۲





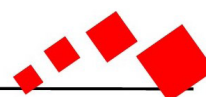
هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۶۰
۲۳ فروردین ماه سال ۱۴۰۲

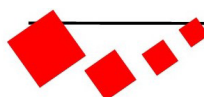
بخش دوم

در سال ۱۴۰۱ سرانجام کنگره دهم حزب تأیید شد گرچه کم لطفی های حاکمیت باعث شد که ۴ نفر از اعضا منتخب شورای مرکزی از حضور در این شورا باز بمانند، اما حزب توانست سال منظم و پرباری را در بخش های مختلف پشت سر بگذارد.

ارکان حزب اراده ملت ایران که شامل شورای مرکزی حزب، دبیرکل و مجموعه های تحت نظارت ایشان (هیات اجرایی و هیات دبیران حوزه ها) و دفتر سیاسی است مطابق با نظامنامه حزب مسئولیت های محوله را در حد مقدور انجام دادند و نگذاشتن که حتی در شرایط دشوار پاییز سال قبل و قطع راه های ارتباطی، کارها ناتمام بماند.



سایت رسمی حزب همواره به روز بود و کلیه مستندات حزبی، اخبار، مصاحبه ها و کتابهای حزبی را به علاقمندان عرضه می کرد.



شورای مرکزی ۴ جلسه در طول سال برگزار نمود و مصوبات متعددی داشت. هیات اجرایی نیز ۴ جلسه در طول سال برگزار کرد و یک جلسه هم اندیشی را نیز در آذرماه سال ۱۴۰۱ مدیریت و راهبری نمود. هیات دبیران حوزه ها علی رغم تنگناهای ارتباطی موجود ۲۲ جلسه در طول سال ۱۴۰۱ برگزار کرد و جلسات حوزه های زیر مجموعه اش به بیش از ۱۵۰ جلسه در سال رسید. دفتر سیاسی حزب نیز ۱۷ جلسه برگزار نمود و ۵ بیانیه منتشر کرد. دفتر حقوقی و کمیته انضباطی حزب نیز فعالانه موارد ارجاعی به واحدهای شان را پیگیری و حل و فصل کردند و مانع از این شدند

که به اعضا یا ساختارهای حزبی صدمات جبران ناپذیری وارد شود. سایت رسمی حزب همواره به روز بود و کلیه مستندات حزبی، اخبار، مصاحبه ها و کتابهای حزبی را به علاقمندان عرضه می کرد. حتی اختلال پیش آمده در عملکرد آن نیز با همت تیم پشتیبانی به سرعت حل و فصل شد تا خللی در اطلاع رسانی به وجود نیاید. کانال ها و گروه های حزبی در پیام رسانی های نظیر تلگرام، واتس آپ و اینستاگرام گرچه به علت سیاست های انحصارطلبانه حاکمیت به شدت دچار اختلال عملکرد شدند، اما سرپا ماندند و کانال های جدیدی نیز در پیام رسانی های داخلی نظیر ایتا، سروش، آی گپ و بله ایجاد شد.

در اعتراضات مردمی سال ۱۴۰۱ خصوصاً در فصل پاییز، هم اعضا حزب و هم خود حزب فعالانه نقش آفرینی کردند و تلاش نمودند که در چهارچوب های موجود، کنار مردم و صدای ایشان باشند. بیانیه های منتشره حزب مصداق و شاهد بارز این موضوع است.

واحد انتشارات حزب به عنوان تنها انتشارات حزبی کشور، سال بسیار پرباری را پشت سر گذاشت. انتشارات حاما در ابتدای سال با ۱۴ عنوان کتاب در نمایشگاه بین المللی تهران حضور یافت و به دنبال آن ۷ عنوان کتاب دیگر تا پایان سال منتشر کرد تا خود را با ۲۱ کتاب آماده حضور در نمایشگاه کتاب سال ۱۴۰۲ نماید. بیش از ۵ کتاب دیگر نیز در مراحل مختلف آماده سازی هستند که احتمالاً در شش ماه اول سال جاری به بازار ارائه خواهند شد. از تمام کتابهای انتشارات حاما نسخه الکترونیکی نیز تهیه گردید و به خوانندگان از طریق اپلیکیشن طاقچه عرضه شد.

طبعاً کاستی ها و نارسائی های بسیاری در عملکرد نشریه و حزب وجود داشته است و ما هنوز تا حداقل های مطلوب فاصله زیادی داریم اما امیدواریم بتوانیم این نهالی را که کاشته ایم و با زحمت زیاد آبیاری نموده ایم، سال به سال شکوفاتر و بارورتر ببینیم. در این میان دست خود را برای همکاری به سمت تمام کنشگران سیاسی و مدنی دراز می کنیم و از ایشان طلب همکاری و مساعدت داریم. باشد که بتوانیم عصری مفید برای کشور عزیزمان ایران باشیم.



ثروت، دانایی

و

قدرت بیافرینیم

به دلایل عدیده‌ای در تمام سده‌های اخیر این اتفاق رخ نداده است و حتی بسیاری از رخدادها باعث افزایش قدرت حاکمیت هم شده است. مثلاً اصلاحات ارضی با تقسیم زمین‌ها بین کشاورزان خرد، گرچه به این اقشار در بهبود شرایطشان یاری رسانید ولی در عمل قدرت زمین داران بزرگ را که می‌توانستند قدرت شاه و حاکمان ولایات را محدود کنند از بین برد و این قدرت را به واحدهای بسیار کوچک و قابل کنترل تقسیم کرد. یا ملی شدن صنعت نفت گرچه شرایط را برای زندگی بهتر میلیون‌ها ایرانی فراهم کرد اما منبعی بی‌بدیل در اختیار حاکمیت قرار داد تا بتواند برتری خود را بر مردم افزایش دهد. دولتی کردن کارخانه‌ها و... نیز چنین اثری را داشته است و گرچه به بهبود شرایط کارگران در بسیاری از موارد منجر شده است ولی در نگاهی کلان، قدرت حاکمیت را افزایش داده است. حال در عالم واقعیت چگونه میتوان در شرایط کنونی، این دانائی و ثروت را در نزد ملت انباشت کرد و بر اساس آن قدرت آفرید، بحثی مفصل و پیچیده است و به تدریج در مورد آن بحث و گفتگو خواهیم کرد. اما تشکیل و ایجاد نهادهای مستقل در تمام حوزه‌ها و بخش‌های مختلف قدم اول در این مسیر است. این اقدام بی‌شک با مقاومت یا کارشکنی حاکمیت (دولت) روبه‌رو خواهد شد و این ما هستیم که باید بتوانیم بر اساس تجربه و دانائی خویش این امر را به سامان برسانیم و فرایند توسعه سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ایران را سرعت ببخشیم. و در انتها توصیه‌ای خام به ایرانیان خارج از کشور داریم. اگر دل در گرو ایران دارید و می‌خواهید در مسیر توسعه و پیشرفت ایران کاری انجام دهید به افزایش ثروت و دانائی (به معنای عام) ملت ایران کمک کنید. آنچه اکنون مشاهده می‌شود بخشی خارج کردن ثروت و دانائی از ایران است که خواسته یا ناخواسته توسط شما رقم می‌خورد و بخشی نیز جدل بر سر کسب حاکمیت در ایران است که نهایتاً این چرخه را تغییر نخواهد داد.

اگر دل در گرو ایران دارید و می‌خواهید در مسیر توسعه و پیشرفت ایران کاری انجام دهید به افزایش ثروت و دانائی (به معنای عام) ملت ایران

در جوامعی که گروه‌های انبوهی از مهاجرین در خارج از وطن خویش حضور دارند، این مهاجرین به منبعی برای انتقال سرمایه و ثروت یا دانش و آگاهی به داخل کشور بدل شدند (مشابه هندوستان) و این باعث شده است که مسیر توسعه سیاسی در این کشورها تسهیل گردد. شیوه این انتقال دانش و ثروت در فرایندی تعاملی بین مردم سرزمین اصلی و مهاجرین مشخص خواهد گردید. طبعاً مشابه هر کار دیگری محدودیت‌ها و مشکلات بسیاری در این زمینه وجود دارد که باید به تدریج مورد مذاقه و موشکافی قرار گیرد و حل و فصل گردد.

در سده‌های اخیر تاریخ ایران، بسیاری از متفکرین بر شکاف ملت/حاکمیت انگشت نهاده‌اند و این شکاف را مشکل اصلی توسعه نیافتگی سیاسی ایران دانسته‌اند. بر اساس این نظریه، حاکمیت (دولت) ایران برخاسته از مردم نبوده است و مشروعیت و قدرت خودش را از منبعی غیر مردم کسب می‌کرده است. لذا ضرورتی واقعی به ارتباط و تعامل با مردم نمی‌دیده است و همواره حاکمیت (دولت) فراتر از طبقات و گروه‌های مختلف اجتماعی بوده است. حاکمیت (دولت) به دلیل این استقلال نسبی از مردم، در مسیر استبدادی و دیکتاتوری حرکت کرده است و حرف خودش را بدون توجه به نظر مردم زده است. در این شرایط قدرت و ثروت بجای اینکه در اختیار ملت باشد و به فراخور به سمت حاکمیت و دولت جریان یابد، در اختیار دولت و حاکمیت است و آنها جریان آنرا تعیین میکنند و لاجرم به وابستگی ملت به حاکمیت می‌انجامیده است. در خیزش‌های متعددی هم که از جانب مردم یا افراد برای تغییر این وضعیت صورت گرفته است - در صورت موفقیت - بعد از دوره کوتاهی از هرج و مرج و استقرار حاکمیت جدید، مجدداً همین مناسبات بازتولید شده است و گروه جدید خود را بی‌نیاز از توجه به نظرات و خواست مردم دیده است.

تنها وقتی که توان عمومی جامعه بیشتر از توان حاکمیت باشد، میتوان توجه حاکمیت نسبت به رأی و نظر توده ملت را مشاهده کرد

این پدیده (شکاف ملت/حاکمیت و دولت فرا طبقائی) مشابهی در تاریخ اروپا و غرب ندارد و همین موضوع باعث شده است که بسیاری از نظریات غربی در زمینه توسعه سیاسی، در فضای ایران یا کشورهای مشابه کارکرد نداشته باشند و نتوانند گره‌ای از مشکلات توسعه نیافتگی ما باز کنند.

تنها نهادی که در این دوران طولانی توانسته است در برابر قدرت دولت و حاکمیت قرار گیرد، نهاد روحانیت بوده که منبع ثروت، دانائی و قدرت مجزائی برای خود داشته است و لذا در حداقل ۵۰۰ سال اخیر توانسته است در برابر حاکمیت نقش آفرینی کند و در خیلی مواقع یا شریک در حاکمیت شده است و یا خود حاکمیت را به دست گرفته است.

اگر بر اساس این نظریه بخواهیم راه کاری را ارائه کنیم باید بگوییم تا زمانی که قاطبه مردم دارای ثروت، دانائی و در ادامه آن قدرت نباشند این شکاف پر نخواهد شد. تنها وقتی که توان عمومی جامعه بیشتر از توان حاکمیت باشد، میتوان توجه حاکمیت نسبت به رأی و نظر توده ملت را مشاهده کرد. پس لازم است مردم ثروت و دانائی را نزد خود انباشت کنند و با قدرت حاصل از آن حاکمیت‌ها را به تمکین وادار نمایند.



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۶۰

۲۳ فروردین ماه سال ۱۴۰۲

گفتگوی ویژه

در هفته آخر اسفندماه، نشریات و خبرگزاری‌های متعددی برای ویژه نامه‌های نوروزی خود به مصاحبه با فعالین سیاسی پرداختند. در این میان، خبرنگار واحد احزاب خبرگزاری ایلنا مصاحبه‌ای با افشین فرهانچی قائم مقام دبیر کل حزب اراده ملت ایران انجام دادند که در روز ۵ فروردین در صفحه اصلی این خبرگزاری کار شد. با توجه به سؤالات مطرح شده در این مصاحبه و اهمیت مواضع حزبی طرح شده در آن، مناسب دیدیم که این مصاحبه را در اولین شماره سال جدید نشریه اراده ملت، در بخش گفتگوی ویژه باز نشر نماییم. لینک مصاحبه اصلی نیز در آدرس <https://news-1340929/tiny/fa/www.ilna.ir/> قرار دارد.

احزاب می‌توانند نقش موثری در شکل دهی به مطالبات و اعتراضات مردمی و به نتیجه رساندن آنها داشته باشند



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۶۰

۲۳ فروردین ماه سال ۱۴۰۲

اقداماتی باید انجام داد. اگر چه به طور خود کار اگر همه سلاقی بتوانند در انتخابات حضور یابند بحث مشارکت بیشتر تضمین می شود ولی خیلی وقت ها نیز همه سلاقی حضور ندارد ولی میتوان به شیوه هایی خاص مشارکت را افزایش داد.

در مورد بحث اول، دیدگاه من این است که اگر می خواهیم جمهوری به معنای واقعی داشته باشیم و این مدل حکومت داری را الگوی برتر برای توسعه پایدار و کم هزینه می دانیم پس باید در مسیر بسط سازی برای حضور همه سلاقی و افکار گام برداریم. اتفاقی که دقیقاً در چهل سال اخیر به طور معکوس رخ داده است و به طور مداوم سلاقی و افکار مختلف را به شیوه های مختلف از حضور در

بازرود خدمت خوانندگان گرامی شما و تشکر از فرصتی که فراهم کردید تا من بتوانم دیدگاه های خودم را در مورد مسائل مهم سیاسی و بحث احزاب مطرح نمایم.

۱. سال آینده، سال انتخابات هست چه اقداماتی باید برای آشتی ملی و افزایش مشارکت مردم انجام شود، چقدر ضرورت دارد تا حاکمیت فرصت حضور همه سلاقی و افکار مختلف را در انتخابات فراهم کند و به معنای واقعی شاهد تبلور جمهوری نظام باشیم؟ شما اینجا دو بحث متفاوت را مطرح نموده اید. یکی این که آیا ضرورتی برای حضور همه سلاقی و افکار مختلف و آشتی ملی وجود دارد. و دوم این که برای افزایش مشارکت مردم در انتخابات چه



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۶۰

۲۳ فروردین ماه سال ۱۴۰۲

تاریخ معاصر ایران نگاه کنیم رد پای فعالین سیاسی حزبی را در ایجاد بسترسازی برای اکثریت وقایع حساس می بینیم. ولی به علت شناخته شده بودن تشکیلات حزبی در زمان بروز وقایع از اولین گروه هائی هستند که دچار محدودیت کار کردی می گردند و نمی توانند در آن زمان نقش خود را ایفا کنند. اگر فرایند هر رخداد بحرانی را به سه بخش قبل بحران، حین بحران و بعد بحران تقسیم کنیم. در ایران احزاب در مراحل قبل و بعد بحران بسیار مؤثر هستند. رخداد های سیاسی در خلأ رخ نمی دهند و نیاز به بستر مناسب و پیش نیاز هائی دارند. در ایران معمولاً این بسترها و پیش نیازها توسط احزاب ایجاد می شود گرچه در اکثر اوقات یا دیده نمی شوند یا نادیده انگاشته می شوند. بعد از واقعه نیز که جامعه بسته به نوع واقعه و نتیجه حاصل از آن، در خمودگی یا شعف ناشی از پیروزی غوطه ور می شود این احزاب هستند که مجدانه پیگیر تبعات داستان می شوند و تلاش می کنند نگذارند که شعله برافروخته شده به خاموشی گراید.

اما در حین وقایع چون کل جامعه و مردم -چه موافق و چه مخالف- به حرکت درآمده است معمولاً و خصوصاً در ایران احزاب کارکرد خود را از دست می دهند و ما هنوز در ایران به دلایل مختلف، نتوانسته ایم در این بخش توفیقی داشته باشیم. از همین رو کنترل بسیاری از خیزش ها و حرکات سیاسی از دست خارج می شود و منجر به نتیجه مطلوب و عینی نمی گردد.

در واقع همین احزاب سیاسی هستند که بسترساز وقایع بزرگ می شوند

اگر شرایط به گونه ای بود که احزاب به این سرعت محدود و منکوب نمی گردیدند مطمئناً شاهد کارکردهای مثبت تری از سوی این نهادهای مدرن مدنی در ایران نیز می بودیم. احزاب به علت کار حرفه ای تر، پایداری طولانی تر، شناخت دقیق تر از سیاست و تاریخ می توانند نقش موثری در شکل دهی به مطالبات و اعتراضات مردمی و به نتیجه رساندن آنها داشته باشند.

۴. در نبود احزاب قوی شاهد بودیم که سلبریتی ها به عنوان فعالان سیاسی وارد عرصه شدند و خود را به عنوان نماینده مردم معرفی کردند که این مساله به دلیل عدم اشراف این افراد به اصول سیاسی و منافع ملی، می تواند در نهایت آسیبزا باشد، ضرورت تقویت نقش احزاب برای پیشگیری از این آسیب ها چقدر اهمیت دارد؟

بسیار طبیعی است که در زمان بروز پدیده های بزرگ اجتماعی و سیاسی همه مردم به صحنه می آیند و در این میان افراد مشهور یا سلبریتی ها شانس بیشتری برای دیده شدن دارند. خصوصاً در ایران که فعالین حزبی تحت نظارت و مراقبت دائمی قرار دارند ناگزیر این سلبریتی ها هستند که در حین وقایع خودنمایی می نمایند. به هر حال این راه کاری است که جامعه ایران برای حل مشکل محدود کردن احزاب از سوی حاکمیت ابداع کرده است. طبیعی است که به عنوان یک راه حل ناگزیر آسیب هائی هم دارد. یک سلبریتی هم شناخت کمتری از تاریخ و سیاست دارد و هم زمان بسیار کمتری را

انتخابات ها منع کرده ایم. ظاهراً کسانی که متولی حاکمیت در ایران هستند به دلایل مختلف این الگور برای حکمرانی مطلوب نمی دانند و از تن دادن به الزامات آن خودداری می کنند.

اگر آقایان این الگور را قبول کنند، انجام دادن آن بسیار سهل است. کافی است که بحث تأیید صلاحیت نامزدها از مراحل انتخابات حذف شود. خود به خود تمام صاحبان سلاقی و افکار همراه با طرفدارانشان در انتخابات حضور میابند و این امر منجر به افزایش مشارکت و در ادامه آشتی ملی حول محور ایران برای همه ایرانیان می شود. پس از نظر من مشکل در عدم قبول این الگو یا استثنائات بسیار زدن بر آن است که کل الگور از حیز انتفاع ساقط می نماید.

۲. برای سال آینده چقدر ضرورت برنامه ریزی دقیق و عملیاتی برای شنیدن صدای اعتراضات و مطالبات مردم وجود دارد؟ در همین راستا چقدر احتمال دارد قانون برگزاری تجمعات در ابتدای سال آینده تعیین تکلیف بشود؟

مردم خودشان می دانند که چگونه صدای اعتراض یا مطالبه شان را به حاکمیت برسانند و این موضوع نیازی به برنامه ریزی و قانون گذاری ندارد. مشکل اینجا است که بعد از رسیدن این اعتراض به گوش متولیان امر چه اتفاقی خواهد افتاد. و گرنه الان ابزارهای بسیار متنوعی برای رساندن این صداها وجود دارد چه روش های سنتی نظیر بست نشینی و اعتصاب و تظاهرات و چه روشهای مدرنی نظیر کمپین و شعار نویسی و رفراندوم. مسأله ما پاسخ حاکمیت به این اعتراضات و مطالبات است. حاکمیت تقریباً تمامی این اعتراضات و مطالبات را با عناوینی چون غیرقانونی بودن، نامشروع بودن، مصلحت نبودن، ناشی از ناآگاهی، خط گرفته از دشمنان و بیگانگان، اولویت نداشتن و غیره رد می کند و در راستای منافع خودش عمل می نماید. داستان قانون گذاری در این مورد نیز کمکی به اصل قضیه نمی کند و فقط برای اتلاف وقت است. الان بخش وسیعی از جامعه مطالبه اینترنت آزاد دارند، بخشی دیگر دنبال پوشش اختیاری هستند، بخشی دنبال رابطه مسالمت جویانه با سایر کشورها هستند، شما به پاسخ حکومت به این خواسته ها بنگرید. پس صورت مسأله را بهتر است درست طرح کنیم. و گرنه من مطمئن هستم که الان حاکمیت صدای اعتراضات را به خوبی میشنود ولی مشکل اش این است که نمی خواهد به آنها وقعی بنهد.

اگر هم منظور کشف تعداد خواستاران یک مطالبه است که آن هم شیوه بسیار ساده و شناخته شده و قانونی دارد. طبق قانون اساسی میتوان برای دریافت نظرات مردم همه پرسشی برگزار کرد یا انتخابات را از وضعیت فعلی به یک انتخابات آزاد تغییر داد.

۳. به نظر شما احزاب سیاسی در وقایع و مناسبات اخیر، جایگاه و تأثیری داشتند؟

نقش احزاب سیاسی در وقایع اخیر بسیار کلیدی و بی بدیل بود. به طور کلی در ایران این احزاب و رسانه های شبه حزبی هستند که در تمام ماه ها و روزهای منتهی به یک واقعه، فضای نقد و مقاومت را شکل می دهند و بعد از یک واقعه نیز علی رغم خمودی و رختی که بر جامعه حاکم می شود این فضا را مشتعل و فروزان نگاه می دارند. متأسفانه در زمان خود وقایع، هم حاکمیت اجازه عرض اندام به احزاب نمی دهد و هم جامعه خود را بی نیاز از احزاب می بیند. از این رو در زمان وقایع نقش احزاب کم رنگ به نظر می آید. اما در واقع همین احزاب سیاسی هستند که بسترساز وقایع بزرگ می شوند. اگر به



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۶۰

۲۳ فروردین ماه سال ۱۴۰۲

می تواند به مسائل سیاسی تخصیص دهد و احتمال عملکرد اشتباه نیز برای وی نسبت به یک تیم تشکیلاتی بالاتر است. از طرفی پاسخ گوئی این افراد در بازه زمانی نیز وجود ندارد. و بعداً کسی نمی تواند ایشان را مورد بازخواست قرار دهد و یا حتی اگر این امر صورت بگیرد تأثیر چندانی در کلیت داستان نخواهد داشت. در حالیکه احزاب تالی ابد مجبور به پاسخگوئی هستند. مثلاً شما نگاه کنید که هنوز فعالین سیاسی چپ در ایران باید پاسخگوی وقایع ۲۴ ساعت منتهی به کودتای ۲۸ مرداد سال ۳۲ و انفعال حزب توده در آن زمان باشند ولی کسی با مواضع سلبریتی های آن زمان کاری

احزاب تالی ابد مجبور به پاسخگوئی هستند

ندارد. در سال های اخیر نیز بسیار شاهد این واقعه بوده ایم و در نهایت فقط این احزاب بوده اند که مجبور به پاسخگوئی برای عملکردشان به جامعه یا حکومت شده اند.

۵. برای افزایش اعتماد عمومی مشارکت مردم و پر کردن شکاف موجود میان مسئولان حاکمیت با مردم چه اقدامی باید از سوی مسئولان و دلسوزان کشور انجام شود؟

راهکارهای افزایش اعتماد عمومی مشخص است و باز مشابه یکی از سؤالات قبلی شما باید بگویم که مسأله نداشتن راهکار نیست بلکه عمل نکردن به این راهکار است. بسیاری از متولیان حکومت در ایران نگاهی ابزاری به مشارکت مردمی دارند. به این معنی که برای خواسته خویش به دنبال مشارکت مردم و اعتماد آفرینی هستند. ممکن است ما در زندگی شخصی اینگونه عمل کنیم و برای رسیدن به آرزوها یا پروژه های خود دیگران را به مشارکت بطلبیم. اما در جمهوری داستان به این صورت است که متولیان امر باید به دنبال خواست مردم باشند و با شیوه های مختلف این خواست را به دقیق ترین وجه شناسایی نمایند و سپس عملیاتی نمایند. اما الان اینگونه است که تعدادی در قالب حاکمیت - به نظر من در اقلیت - دنبال خواسته خود هستند و می خواهند به لطائف الحیل مردم را همراه خود کنند. حال در مقاطعی موفق بوده اند و در مقاطعی نه. و این امر روز به روز بالاتر رفتن سطح آگاهی مردم و تنوع مطالبات ایشان دشوار تر می گردد و منجر به بروز بحران مشروعیت در سطوح مختلف گردیده است. توصیه دلسوزان در این میان این است که به قواعد جمهوری پای بند باشید. اگر جمهوری یعنی نظر اکثریت مردم و حفظ حقوق اقلیت پس بگذارید همین مردم تصمیم گیرنده باشند و به شیوه های مختلف نظر خود را بر مردم تحمیل ننمایید.

۶. در اعتراضات اخیر بسیاری از مقامات و مسئولان از ضرورت گفت و گو صحبت کردند و همچنین آشتی ملی را مطرح کردند دولت در این راستا باید چه اقداماتی انجام دهد؟

در ابتدای وقایع و زمانی که گستره اعتراضات بسیار وسیع بود، بحث گفت و گو و آشتی ملی مطرح گردید. با کنترل نسبی اعتراضات این بحث مجدداً بلاموضوع گردید لذا ضرورت آن فقط در دوران عسر

و حرج احساس می شد و اینک مناسبتی ندارد. نمونه این پدیده را هم در تاریخ کشورمان و هم در سایر کشورها مکرر شاهد بوده ایم. بنابراین من عزم و برنامه ای در این رابطه از سوی دولت نمی بینم. اما با این حال و با توجه به این که سال آینده سال انتخابات است چند پیشنهاد می توانم ارائه کنم. اول این که فضای ارتباطی در کشور باز شود، چه در حالت مجازی و چه در حالت حقیقی. دوم این که محدودیت های فعالیتهای سیاسی و مدنی برداشته شود. سوم این که اجازه انتخابات آزاد، بدون بحث رد صلاحیت و نظارت استصوابی داده شود.

۷. در جریان اعتراضات اخیر اصلاح طلبان رایزنی ها را با برخی مسئولان کشور آغاز کردند که به نظر می رسد به جایی نرسیده است با توجه به این مسأله چقدر ضرورت دارد در حال حاضر چهره های مقبول تر و شاخص تر و وزین تر مانند سید حسن خمینی، حسن روحانی، علی لاریجانی، سید محمد خاتمی، ناطق نوری، عبدالله نوری و افرادی از این دست به میدان آمده و اراده و انسجام خود را برای یک آشتی ملی و گشایش در حاکمیت جمع کنند؟ چقدر می توان به ایجاد چنین جمعی امیدوار بود؟

جنس و طیف افرادی که شما نام بردید یکسان نیستند و لذا جمع ایشان با یکدیگر امکان پذیر نخواهد بود و فقط می توانند بعضی مواقع در قالب یک ائتلاف فراگیر انتخاباتی با یکدیگر همکاری نمایند.

در این میان جناب سید حسن خمینی یک چهره سیاسی نیستند و فقط با توجه به جایگاهی که دارند می توانند نقش یک میزبان یا متصل کننده را ایفا کنند. آقایان لاریجانی، روحانی و ناطق نوری اصولگرا هستند گرچه در طیف معتدل آن قرار دارند و فعلاً در حاشیه قرار گرفته اند. آقایان خاتمی و نوری نیز از طرف حاکمیت به شدت مطرود تلقی می گردند. بنابراین ترجیح می دهم بر اساس این دسته بندی، نقش و کارکرد این افراد را مورد توجه قرار دهم. طیف های اصولگرای معتدل لازم است که تعامل خود با حاکمیت فعلی را حفظ نمایند و با روشهای مختلف تذکرات، انتقادات و پیشنهادها خود را ارائه نمایند. ایشان در صورت رعایت قواعد بازی می توانند امیدوار باشند که یا بتوانند دولت فعلی را در مسیر اصلاح قرار دهند یا این که به عنوان جایگزین مجلس و دولت در آینده نزدیک نقش آفرینی نمایند. طبعاً ایشان حمایت بخشی از اصلاح طلبان را نیز به دنبال خویش خواهند داشت.

به قواعد جمهوری پای بند باشید

آقایان خاتمی و نوری در صورت تمایل و با توجه به جایگاهی که دارند شایسته تر است که به بازسازی جنبش دوم خرداد بپردازند و با مشخص تر کردن مرزهای ظریفشان با جنبش سبز و جنبش اخیر، جایگاه جنبش اصلاح طلبی به سبک دوم خرداد را ارتقا بخشند تا بتوانند نقش تاریخی خود در آینده را ایفا نمایند. طبیعی است که اگر حاکمیت با بن بست هایی در مدیریت کشور روبه رو شود ایشان



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۶۰

۲۳ فروردین ماه سال ۱۴۰۲

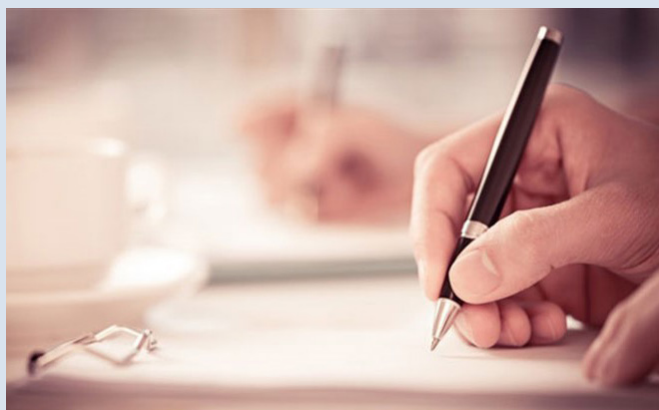
می توانند در فرایندهای مختلف کمک حال باشند و هزینه های مسیر رسیدن به تعادل و دموکراسی را کاهش دهند.
اما نکته اصلی این است که دولت و مجلس فعلی کماکان نیازی به حضور هیچکدام از این دو طیف احساس نمی کند و مسیر از پیش مشخص شده خود را طی می کند. در ادامه این مسیر اگر با مشکلات لاینحل روبه رو شود از این دو طیف کمک خواهد خواست ولی اگر

بتواند برنامه های خود را به هر شیوه ای پیش ببرد حتی فشار برای حذف این دو طیفی که ذکر کردم را بیشتر خواهد کرد.
آشتی ملی پیشنهادی است که بیشتر توسط این دو طیف حذف شده مطرح می شود و گروهی که فعلاً در قدرت قرار دارد، حتی نزدیک به بحث آشتی ملی هم نیست و اصلاً اعتقادی به این ندارد که شکاف، بحران یا مشکلی وجود دارد و آشتی لازم است.





نوشتار



ساخت شهرهای دوستدار کودک برای تحقق جوامع سالم‌تر، برابر‌تر و پایدار



رضوان سلماسی

r.salmasi@yahoo.com

کودک است. این به معنای کاهش آلودگی، ترویج گزینه‌های حمل و نقل فعال مانند پیاده روی و دوچرخه سواری و اطمینان از دسترسی کودکان به غذای سالم و آب تمیز است. شهرهای دوستدار کودک سلامت و رفاه جوان‌ترین شهروندان خود را در اولویت قرار می‌دهند، زیرا سلامت جسمی و روانی آنها برای رشد و توسعه شهرها ضروری است.

آموزش همچنین یکی دیگر از اجزای حیاتی شهرهای دوستدار کودک است. این شهرها دسترسی به منابع آموزشی با کیفیت بالا، از جمله آموزش در دوران کودکی، آموزش ابتدایی و متوسطه، و برنامه‌های بعد از مدرسه را فراهم می‌کنند. شهرهای دوستدار کودک، آموزش را در اولویت قرار می‌دهند، تا کودکان بتوانند به پتانسیل کامل خود دست یافته و در آینده موفق باشند.

علاوه بر این مؤلفه‌ها، شهرهای دوستدار کودک نیازهای خانواده و جامعه مانند مسکن مقرون به صرفه، دسترسی به مراقبت‌های بهداشتی، و سایر خدمات ضروری مورد نیاز خانواده‌ها را فراهم می‌کنند. آنها همچنین مشارکت اجتماعی و شمول اجتماعی را در اولویت قرار می‌دهند و اطمینان حاصل می‌کنند که همه اعضای جامعه در شکل دادن به آینده شهر نظر دارند. کودکان در مناطق شهری اغلب با چالش‌های اجتماعی و عاطفی منحصر به فردی روبرو هستند. آنها ممکن است در معرض خشونت، سوء مصرف مواد

با افزایش روزافزون شهرنشینی در دنیا، نیازها و رفاه کودکان در بسیاری از شهرهای دنیا به عنوان یک اولویت مهم مورد توجه قرار گرفته است. این شهرها به عنوان شهرهای دوستدار کودک شناخته می‌شوند. در این شهرها محیط‌های شهری برای پاسخگویی به نیازهای کودکان طراحی شده‌اند، به طوری که کودکان می‌توانند به مناطق بازی امن و جذاب، محیط‌های پاک و سالم و فرصت‌هایی برای آموزش و اجتماعی شدن دسترسی پیدا کنند. در حقیقت در طراحی شهرهای دوستدار کودک، هم نیازهای جوان‌ترین شهروندان برآورده می‌شود و هم در عین حال جوامعی سالم‌تر، عادلانه‌تر و پایدارتر ایجاد می‌شوند.

از مؤلفه‌های کلیدی شهر دوستدار کودک، دسترسی آسان به مناطق بازی امن و جذاب شامل پارک‌ها، زمین‌های بازی و سایر فضاهای بیرونی است که باتوجه به نیازهای کودکان طراحی شده‌اند. این مناطق امن، قابل دسترسی و برای تشویق بازی خلاق و فعالیت بدنی طراحی شده‌اند و شاخصه مهم آن این است که این زمین‌ها برای همه کودکان با توانایی‌های متفاوت طرح و برنامه داشته طوریکه حتی کودکان با نیازهای ویژه را هم شامل می‌شوند. تمرکز بر ایجاد محیط‌های پاک و سالم از مؤلفه‌های دیگر شهر دوستدار



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۶۰

۲۳ فروردین ماه سال ۱۴۰۲





هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۶۰

۲۳ فروردین ماه سال ۱۴۰۲

شده و قادر به رقابت با سایر کشورها در هیچ کدام از عرصه های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، زیست محیطی و... نخواهد بود.

متأسفانه مادر ایران شاهد این گونه نگرش ها برای کودکان این مرزوبوم هستیم. سیاست گذاری ها و برنامه ریزی ها برای کودکان به صورت مداوم با چالش های زیادی همراه است و سیاست ها عموماً یا به نتیجه نمی رسند و یا با تحمل مشقت فراوان توسط اندکی محدود مسئولین علاقه مند به حوزه کودک و نیز فعالین این حوزه به سرعت بسیار پایین به حرکت ادامه می دهند. متأسفانه چون پیگیری این سری از کارها عموماً قابل به شخص هم هست زمانی که این مسئولین در مسند دیگری به کار گمارده می شوند تمام سیاست های در نظر گرفته شده با شکست مواجه می شوند.

نمونه عینی این موارد در بسیاری از شهرهای کشور ما از جمله شهر همدان هم وجود دارد. به گل نشستن حداقل کشتی هایی که برای برنامه ریزی توانمندی های آینده این کودکان به حرکت واداشته شده بود. سیاست تبدیل شدن شهرهای ایران به شهر دوستدار کودک از سیاست های خوبی بود که شروع شد اما متأسفانه امروز با عدم اعتقاد واقعی مدیران دست و پنجه نرم می کند.

فارغ از اینکه هر شهری برای کودکان مناسب باشد برای همه مردم شهر هم مناسب است، اما شهرهای دوستدار کودک بالندگی و شادی و نشاط شهر را هم افزون می کنند.

ایجاد پارک های مهارت و خلاقیت، اتاق های بازی کودک، اتاق های مادر و کودک، تشکیل شوراهای کودکان برای شنیدن خواسته های نیازهای کودکان در خصوص برنامه ریزی های شهری، تدوین اطلس های شهری کودکان، ایجاد فضاهای خلاق حضور کودک و خانواده در شهر و ساختن فضاهایی برای تعامل کودک و خانواده با انجام بازی های لذت بخش، در نظر گرفتن طراحی شهری برای بهره مندی کودکان شهر بدون نیاز آنها به والدین مثل طراحی میلمان شهری، همه و همه متوانند در رشد کودک مؤثر باشند که لازم است مد نظر مدیران تصمیم گیر قرار گرفته و در سیاست گذاری ها لحاظ شود.

و سایر تأثیرات منفی در جوامع خود قرار بگیرند. شهرهای دوستدار کودک با سرمایه گذاری در برنامه هایی که حمایت از کودکان و خانواده ها را فراهم می کند، سعی در ایجاد جوامع قوی تر و انعطاف پذیرتر می کنند.

در نتیجه، ایجاد شهرهای دوستدار کودک برای ساختن محیط های شهری سالم، عادلانه و پایدار ضروری است. شهرهایی که در آن همه ساکنان از جوان ترین عضو جامعه تا ساینترین می توانند در آن رشد کرده و به تکامل برسند.

در آینده نه چندان دور شهرها و کشورهایی موفق خواهند بود که سرمایه گذاری خوبی برای آینده کودکان خود داشته باشند.

ایجاد شهرهای دوستدار کودک برای ساختن محیط های شهری سالم، عادلانه و پایدار ضروری است.

کشورهای توسعه یافته از زمان های گذشته به این درک رسیده اند که برنامه های سیاست گذاری خود را باید بر پایه رشد و تعالی فرزندان خود انتخاب کنند و به این ترتیب خواهند توانست با گذشت زمان و بارش همه جانبه کودکانشان آینده ای ارزشمند را برای همه مردمان خود فراهم کنند. این در حالی است که کشورهای جهان سوم به دلیل عدم درک موضوع به کودکان به عنوان اعضای از جامعه نگاه می کنند که به دلیل کوچک بودن از اهمیت چندانی برخوردار نبوده بنابراین برنامه ریزی برای کودکان از اولویت های سیاست آنها نیست و عموماً مسائل دیگری را در کشور خود دنبال می کنند. فارغ از آنکه کودکان امروز ساکنان دار آینده جوامع خود هستند و باضعیف نگه داشتن آنها و توانایی هایشان در حقیقت کشور تضعیف



زبان حال؛ وقتی حکایت ها، مَثَل ها و لطیفه ها ناگفتنی های ما را بهتر از خودمان می گویند

پراکنده و بی منظور!



کاظم طیبی فرد

k.tayyebifard@gmail.com

حال پاسخ چنان شیخ حق به جانبی چه می توانست باشد جز آنکه برآشوبد و به تحقیر و طعن فریاد برآورد؟! شیخ گفت: ”نادان! اگر نتواند فریاد کند پس چگونه بگوید که مرا از این مکان شریف خارج نکن؟“

ز عما و بزرگانی چون مولانا همین مطاع را بر ایمان مهیا ساخته اند

۲. استدلال هایی هم هست که جای طلبکار و بدهکار را عوض می کند. می گویند روزی شخصی نزد دوست متمولش رفت و از او صد سکه به عنوان قرض خواست. دوست متمول اما عذر خواست که پنجاه سکه بیشتر ندارد. وام گیرنده همان پنجاه سکه را گرفت و مهربانانه فرصت داد که بعداً پنجاه سکه دیگر تهیه کند، پنجاه سکه باشد طلب او!

حالا کدام طلبکار است، کدام بدهکار؟!

۳. از این دست استدلال ها کم نیست، پنهان هم نیست. پسر بچه ها با تجربه مادر دمپایی به دست و عصبانی خوب آشنا هستند. مادر خشمگین از شیطنت فرزندش، لنگه ای از دمپایی را به دست گرفته، در پی فرزند می دود و با همان غضب فریاد می زند: ”وایسا کاریت ندارم!“

همین اندک اشاره من، چه خاطره ها که در یاد ما پسران چند دهه پیش، پسر بچه های دهه ۶۰ و قبل از آن در یادها زنده می کند!

آن زمان که هنوز اسیر آپارتمان ها نشده بودیم، همان زمان که از انرژی و نشاط لبریز بودیم و مادرانمان توان آن را نداشتند که به گرد پای ما برسند و تنبیهمان کنند، زمانی بود که دمپایی های آبی موسوم به دمپایی ابری در خانه ها رواج داشت و مورد استفاده قرار می گرفت. دمپایی های پلاستیکی نرمی که از فرط نرمی و ارتعاش، لرزش بالایی داشت. بهترین وسیله برای تنبیه بود، درد داشت اما آسیبی نمی رساند. مادرها که دستشان به پسرک های شیطان نمی رسید، دمپایی ابری، این ابزار تعلیم و تربیت را به دست می گرفتند. سعی می کردند پسرکشان را به چنگ آورند و تنبیهش کنند. طفلکی مادرها چابکی رسیدن به آن شیطانک ها را نداشتند اما تلاششان را می کردند. خیلی هم امید نداشتند ما را به چنگ بیاورند و همه تنبیه هایی که باید می دیدیم و گریخته بودیم را یکجا به سرمان آورند.

اینها به کنار، آن صورت برافروخته، با دمپایی دردآور که در هوا تاب می خورد همراه با فریادهای ”بایست، بایست، کاری ندارم“، تناقض طنز آمیزی است که اینک برایمان از هر زمانی آشانتار است.

حکایت ها و داستان ها تمثیلی از تفکرات ما هستند، آن چنان که می باید اتفاق می افتادند و نیفتادند تا مورد استفاده قرار بگیرند.

ما تجربه های بسیاری داریم از مباحث و مجادلاتی که در آنها نیاز به ابراز یک تجربه داریم تا آن تجربه، مقصود ما را بیان کند. وقتی ذهنمان در جستجوی چنین تجاربی است، در هنگامی که در داستان ها یا قصص قدما، روایت های اساطیری یا حتی دینی به روایت گزارشی بر می خوریم که منظور ما را بیان می کنند، آن روایت را به عنوان یک ابزار اصلی بیان اندیشه-مان، پیش روی عقلمان و در محضر حافظه مان نگه می داریم تا به وقت ضرورت از آن استمداد کنیم.

ز عما و بزرگانی چون مولانا همین متاع را بر ایمان مهیا ساخته اند. بسیاری از داستان های روایت شده در مثنوی معنوی را می توان در برهه های مختلف زندگی، برای بیان مقصود به کار برد. گرچه مولانا آن قصه را از روایات تاریخی یا اساطیری بر گرفته و برای بیان مقصود خودش به کار بسته، اما اغلب، فحوای کلامش همان است که هر یک از ما، روزی و جایی به چنان روایتی برای بیان مقصودمان نیاز داشته ایم و نیافته ایم. هر کدام از ما، اگر وقتی را به کاویدن ذهنمان برای یافتن چنین ابزارهای بیانی ای اختصاص بدهیم، یک سری از داستان ها را می توانیم بیابیم و در کنار هم قرار دهیم که در مجموع بیانگر نگرش ما به جهان، وضع فردی و اجتماعی یا حتی وضعیت معنوی و روحی ما است. اینجا، من نیز چنین کرده ام. چنین روایت ها و حکایت هایی را در ذهنم دسته ام و اکنون به ترتیب بیانشان می کنم. بی منظور و بی مقصود می نویسم و روایت می کنم اما مقصود من عیان تر از آن است که بخواهم به زبان خودم بگویم. پس به زبان حکایت و مَثَل سخن می گویم چون به تجاربی نیاز دارم تا مقصود مرا در بر داشته باشند اما چنین تجاربی را نمی یابم. اگر هم بیابم، چون منوط به اکنون و امروزمان است، خود محل مناقشه اند. مانند همان که از تاریخ گفتیم و برداشت های متفاوت از آن. چه با غرض من همدل باشید و چه نباشید، خواندن چند حکایت نغز که از منابع ادبی و تاریخی اخذ شده اند خالی از لطف نیست.

۱. در سراسر تاریخ ادبیات فارسی که مشتمل بر افکار و اندیشه های اسلامی و ایرانی، توأمان، است، در مقاطع مختلف حملات گسترده ای به دین داران ظاهرین و خشک اندیش شده. مثال بارز آن، حضرت حافظ و طعن ها و کنایه های جا به جای اوست به ”زاهد ظاهرپرست“، ”واعظ“، ”قاضی“، ”محتسب“ و...

در یکی از این سنخ حکایات، از شیخی متعصب و ظاهرین حکایت شده که در مجلس درس خود، از سر تعصب و غلو، به روایت شان و منزلت مسجدالحرام مشغول بوده. شیخ بنا بر روایات مورد نظرش، مدعی بود که ریگ های داخل حیاط مسجدالحرام، هنگامی که در کفش و نعلین حاجیان و زوار گیر می کنند، فریاد می زنند و التماس می کنند که از فضای متبرک حرم امن الهی خارجشان نکنند. فریاد می زنند و زنهار می دهند که کفش خود بتکاند و آنها را مهجور نگرداند.

از شاگردان نشسته در پای درس و وعظ، یکی برخاست و اعتراض کرد. این چنین مریدان هر چند سرسپرده و وابسته، هرازگاهی از نهیب مواظب محبّرالعقول چنین واعظانی بر می آسوبند چون دچار تناقض می شوند. شاگرد اعتراض کرد که: ”یا شیخ! مگر ریگ هم فریاد می کشد، مگر می تواند که فریاد بکشد؟“



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

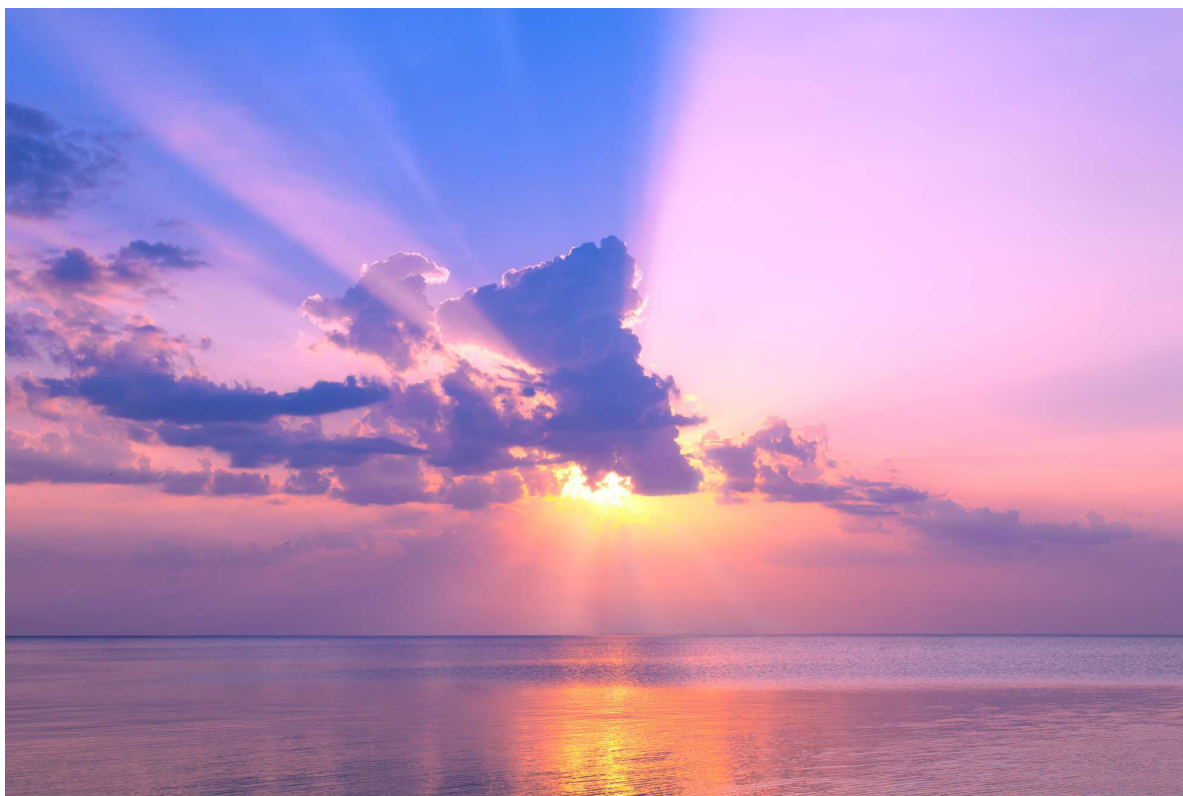
شماره ۶۰

۲۳ فروردین ماه سال ۱۴۰۲



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۶۰
۲۳ فروردین ماه سال ۱۴۰۲



رفته بود. از همان بالا، در باغ روبرویش نیمکتی به چشمش می خورد که کارگری در حال رنگ آمیزی آن بود. چند لحظه بعد، کمی دورتر، نوه اش را در حال بازی می بیند. به سرعت پیشکارش را احضار می کند و فرمان می دهد که سربازی را به نگهبانی آن نیمکت بگمارند تا عزیز دردانه امپراطور روی آن ننشیند و رنگی نشود.

ناپلئون آن شب را به دغدغه هایش، جهان گشایی و کشورداری اش می گذراند و دیگر هیچگاه به آن بالکن باز نمی گردد. روزهای بعد نیز خط سرنوشتش به انتها می رسد اما متصدی نگهبانان بدون اینکه دلیل آن را بدانند، فقط چون دستور گرفته بود که برای نیمکت نگهبانی بگمارد، در شیفت های مختلف و متناوب یک پست نگهبانی به آن نیمکت اختصاص می دهد و پس از او نیز، جانشینش همین رویه را در پیش می گیرد.

بیش از صد سال آن نیمکت در کاخ امپراطور با یک نگهبان مراقبت می شد بدون اینکه دلیلی داشته باشد و ضرورت و فایده ای در میان باشد.

۶. حتی بسیاری از رسوم و عادت ها را پی می گیریم بدون اینکه به ما کوچک ترین ربطی داشته باشند.

حکیمی در کنج خلوتش مشغول مطالعه بود. مریدی از در درآمد و با آب و تاب فراوان از پایکوبی و غوغای شادمانی مردمان شهر گفت. تا می گفت، حکیم سر از کتابش بر نداشت تا آن زمان که سخن مرید به پایان رسید، حکیم به آرامی سرش را بالا آورد و با لحنی آرام و متین فقط گفت: ”به من چه؟“

این بار مرید هیجان زده تر از قبل گزارشش را ادامه داد و گفت که آن غوغای بزرگ در محله ای است که حکیم در آن سکنی دارد. باز هم به همان روال، آرام و متین، حکیم سر از کتابش برداشت و همان ”به من چه“ را گفت و سر فرود آورده و به خواندن ادامه داد.

این بار مرید معترض شد که غوغا نه تنها در شهر، نه تنها در محله شما، در کوی شما برپاست. اما باز هم پاسخ حکیم همان بود: ”به من چه؟“

بار آخر مرید از شدت اعتراض فریاد کرد که کارناوال شادی و پایکوبی به سوی منزل تو می رود. این بار هم به همان سان حکیم از کتابش سر بیرون کشید اما گفت: ”به تو چه؟“

۷. همه این حکایت ها از جهل و بی خودی ما می گویند اما همیشه هم به خود بودن، ملتفت و آگاه بودن، تمام ماجرا نیست، باید مسئله را دریافت.

پاسبانی که بر گذری نگهبان بود، در میانه های شب مردی را می بیند که بر گاری همراهش باری حمل می کند. آن هنگام، مطابق وظیفه، پی جوی او می شود و کاری

۴. علاوه بر این حکایت ها، حکایت های دست اولی هم هستند که پدر امروزمان می خورند.

از آقای محمد کاظم موسوی بجنوردی، رئیس و بنیان گذار دایره المعارف بزرگ اسلامی که پسر آیت الله العظمی بجنوردی هم هست، در مجلسی خصوصی شنیدم که از خاطرات پدرش می گفت، از خردسالی اش در منزل پدر و در معیت او.

می گفت روزی که کتابی کودکانه درباره خشایار شاه می خوانده، هنگامی که به ماجرای پشت دریای طوفانی ماندن شاهنشاه ایران زمین رسیده، از اینکه خشایار شاه دریا را مخاطب قرار داده و بر دریا فرمان می دهد که آرام بگیرد تا سپاهیان ایران از آن بگذرند، چنان متعجب شده که فی الفور کتاب را بسته و سراغ پدر می رود.

پدر که مرجع و منبع مردمان روزگارش بوده در میان و در دایره اصحابش نشست و بوده، در همان حال خردسالش را روی پایش می نشاند تا به تعجب و پرسش او پاسخ دهد.

آن آیت عظام گویا چنان که حاضران هم به مصداق ”به در بگو تا دیوار بشنود“ پدر را چنین توجیه می کند که دیکتاتورها چنان در طول زمان تأیید و تکریم می بینند که از جایی و از روزگاری به بعد باورشان می شود که همه عالم تحت امر آنان است. دیکتاتورها، مستبدان و خود کامگان، سال ها و زمان های درازی در معرض تملق و چاپلوسی اند. هر چه می گویند بر چشم نهاده می شود و محقق می گردد. نه از شکست در کارهایشان خبری هست، نه از مسئولیت و نه حتی از تکلیف.

نتیجه هر آنچه به فرجام نیک می رسد از کیاست و تدبیر آنان است و هر آنچه به شکست و هزیمت می انجامد یا از توطئه دشمنان یا از نا اطاعتی فرمان بران، یا هر دو توأمان. استمرار چنین وضعیتی، چنان باوری را در خود کامه موجب می شود که از سفاحت سفیحان نیز نازل تر است.

چنان خشایار شاه بر امواج دریا هم حکم می کنند که سر فرود آورد و فرمان برد یا چونان آخرین سلطان صفوی از رسیدن مزدوران افغان به پشت درب کاخش متعجب می شود که کی و چگونه به اینجا رسیدند، در حالی که ما در اوج فر و شکوه و قدرت بودیم.

۵. بسیاری از مواقع نیز با رسوم و عاداتی مواجهیم که دلیل آن پیدا نیست، کسی هم پی جوی دلیلش نیست. معلوم نیست چرا باید یک عمل خاص سنتی را انجام دهیم یا باور خاصی را بپذیریم. بسیاری از هنجارهای پذیرفته شده، قانون های نانوشته ای شده اند که بی چون و چرا بدیهی می پنداریمشان.

نقل است که ناپلئون بناپارت روی بالکن جلوی دفتر کارش ایستاده بود و در فکر رو

داریم، وقتی مایه امروزم را هر کدامان به مذاق خودش می بیند، وقتی هیچ اتفاقی بیانگر این نیست که یکی از مواضع قبلی اشتباه بوده، چگونه می شود درباره آنچه نسل ها قبل به وقوع پیوسته بتوان قضاوت کرد.

واضح و بدیهی ترین ادله عقلی را نیز برای نقض اعتقاد کسی ارائه کنیم، همان می شود که در ماجرای شیخ ابله شد. پاسخ می -شنوی که اگر چنین نیست پس چرا چنین هست؟

حرفش را نمی پذیری، باید قدرتش را بپذیری. به سان مادر دمپایی به دست تعقیب می کند که "وایسا کاریت ندارم"، نه کاری با ما دارد و نه اهل خشونت است! اصلاً اعتراض و نقد حق ماست و او بزرگوارتر از آن است که بخواد دهان ما را ببندد. دمپایی دردناک در هوا می رقصد، رخسارش از غضب سرخ است، اما باید بایستیم چون کاری با ما ندارد!

قدرت را خودت با دستان خودت به او اعطا کرده ای اما بدهکار هم هستی، همان طور که حکایت قرض گیرنده چنین بود. فرمان از آن اوست چنان که از آن خشیار شاه بود. خود نیز نمی داند از چه تبعیت می کند و فرمانی که می برد برای چیست، از کجا آمده و چرا باید محقق شود، فقط فرمان است و عادت چنان که فرمان ناپلئون بود و اجرای مزدوران ناپی جویش.

حالا مشام هم تیز می کنی که دزد و طرار را در دام افکنی، خود کاری را می برند و تو می مانی با همه پندارهایی که از جهان داشتی و حقایقی که با خون دل فراچنگ آورده و در انبان اندوختی. فقط همین حکایت ها هستند که می گویند آنچه تو آموختی. روایت می کنند آنچه تو با گوشت و پوست و خونت آزمودی.

۹. جان کلام را در بسیاری از اوقات با لطیفه هم می توان گفت و به هدف زد. وقتی آگاهی از سنت و مطالعه متون قدیمی در بین ما از بین رفته و پشتوانه ادبی مان به هیچ رسیده، همه این حکایت ها در کتاب ها خاک می خورند اما منظور و نقد جامعه با لطیفه ها و جوک ها بیان می شوند.

مردی از طبقه ششم ساختمانی سقوط کرد، در همان حال که به سمت زمین فرود می آمد، وقتی به طبقه سوم رسید، با خودش گفت: "خدا را شکر، چشم دشمنان کور، تا اینجا به خیر گذشت".

هستند کسانی که در حال سقوط اند، طبقه سوم راه حتی طبقه دوم را هم رد کرده اند، عن قریب است که به زمین برسند. خدا را هم شاکر نیستند، لغز می خوانند که "دیدید نیفتادم!"

ران را به بازخواست می گیرد. بار گاری را واری می کند اما در گاری چیزی جز مقداری کاه و زباله نمی یابد.

هر چند گاری ران به غایت مشکوک عمل کرده اما دلیلی بر توبیخ او نیست. شب های پیاپی همین ماجرا تکرار می شود و بر سوء ظن پاسبان افزوده تر می گردد اما هیچگاه توشه ای جز نخاله در گاری نمی یابد و جرمی را کشف نمی کند.

مدت ها می گذرد و پاسبان از مأموریتش معاف شده و به دیار دیگری می کوچد. از قضا مرد، گاری ران شب رو را در همان شهر می بیند و بعد از آنکه به وی اطمینان می دهد که در آن دیار قدرت و مسئولیتی ندارد، علت نخاله بردن های نیمه شبانه او را جویا می شود: "چرا هر نیمه شب نخاله و زباله با خود می بردی، چه را پنهان می کردی؟ می دانم که چیزی می دزدیدی اما چرا زباله؟"

پاسخ اما ساده بود: "خود گاری را می دزدیدم، هر شب یک گاری"

منظور و نقد جامعه با لطیفه ها و جوک ها بیان می شوند.

۸. مخلص کلام اینکه ما چاره ای نداریم جز تفکر مدام و قضاوت و تصمیم گیری همواره. حالا هم که به طور نامعقولی زندگی هایمان سیاسی شده، از اقتصاد گرفته تا اعتقاد، بهداشت و حتی تفریح و خلوتمان، پس ناگزیریم از مطالبه دلیل. دلیل هایمان هم لزوماً با دیگران یک جنس و یکسان نیست. مدام به تقابل با اطرافیانمان مجبور می شویم چون آنان راه دیگری برگزیده اند. راهی که متداخل در سیل انتخابی ماست. نمی توان راه خود را پیش گرفت و راه دیگری را قطع نکرد.

حالا هزار دلیل و هزار قرینه فراهم کنیم چه شود؟! هر کسی رأی خود را دارد و گویا قرار نیست کسی بپذیرد که اشتباه کرده. اشتباه ترین ها هم حق به جانب، محکومت می کنند.

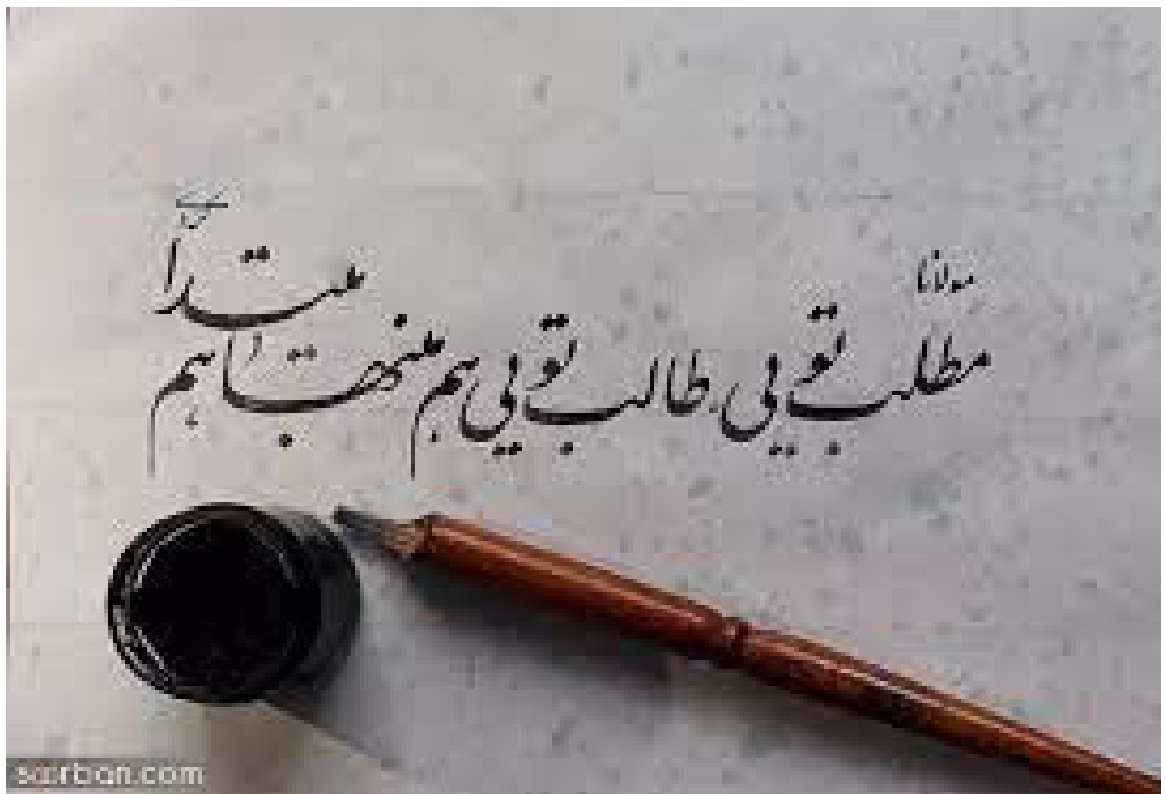
این بحث ها و مجادله ها را که می بینیم، خوب می فهمیم که چرا تاریخ گذشتگان برایمان روشن نیست. وقتی در برابر پدیده های یکسان، قضاوت و مواضع مختلف



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۶۰

۲۳ فروردین ماه سال ۱۴۰۲





گزارش



لهستان؛ آخرین تلاش های ژنرال



علی صابری

a.saberi1389@gmail.com

در شماره های قبلی، گزارشی مختصر از نحوه شکل گیری جمهوری خلق لهستان، دوران ذوب و اصلاحات گوملکا و سقوط اقتصادی دولت گیرک، تشکیل اتحادیه کارگری همبستگی و حکومت نظامی در سال ۱۹۸۱ بیان شد، حال به ادامه تاریخ مختصر جمهوری خلق لهستان تا سرنگونی و تشکیل جمهوری لهستان خواهیم پرداخت.

پس از اعلام حکومت نظامی، لخ والسا بازداشت و پس از پاسخ رد به پیشنهاد پذیرش رهبری همبستگی دولت ساخته به منطقه مرزی با شوروی در جنوب شرق لهستان زندانی شد، تو همین سال لخ والسا به عنوان شخص (اون زمان مرد) سال از سوی مجله تایم انتخاب شد. کمتر از یک سال بعد از روی کار آمدن حکومت نظامی، در ۱۰ نوامبر ۱۹۸۲، ۱۹ آذر ۱۳۶۱ خبر مرگ لوئونیید برژنف رهبر اتحاد جماهیر شوروی منتشر شد، کودتای درون حزبی برژنف در ۱۸ سال قبل عملاً باعث پایان عصر اصلاحات و ذوب در لهستان بود و خبر مرگ او، عاملی برای آغاز دوران گشایش های جدید در بلوک شرق شد.

مقامات دولتی لهستان که سعی دارند رابطه خودشان با کلیسارابه بود ببخشند با سفر پاپ ژان پل دوم به لهستان موافقت کردند، اما پاپ سفر خود را منوط به پایان حکومت نظامی در لهستان اعلام کرد، برای همین چند روز بعد از مرگ برژنف لخ والسا از زندان آزاد شد و به خانه خود بازگشت هر چند که همچنان در حصر خانگی باقی ماند. همین طور حکومت نظامی هم قبل از پایان سال ۱۹۸۲ میلادی به حالت تعلیق درآمد تا در ژانویه ۱۹۸۳ دومین سفر زیارتی پاپ ژان پل دوم به لهستان انجام بشه طی این سفر پاپ هم با ژنرال یاروزلسکی دیدار کرد و هم ملاقاتی با لخ والسا، رهبر همبستگی مهم ترین گروه مخالفین دولت داشت، شش ماه بعد در ۲۳ ژوئیه ۱۹۸۳، شورای دولتی حکومت نظامی حکم به پایان حکومت نظامی داد. دوازده روز قبل از پایان حکومت نظامی در ۳۰ تیر ۱۳۶۲، بیانیه عفو عمومی برای "بازگشت به مشارکت فعال در تداوم رشد کشور برای آن دسته از شهروندانی که به دلایل سیاسی یا ناخواسته مرتکب نقض نظم قانونی شده اند" صادر شد که ۱۸۹۸ نفر با بهره مندی از این عفو از زندان آزاد شدند. طی ماه های بعد اتحادیه های کارگری جدید اما وابسته به دولت تشکیل



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۶۰

۲۳ فروردین ماه سال ۱۴۰۲





هفته‌نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۶۰
۲۳ فروردین ماه سال ۱۴۰۲

شدند و در نوامبر ۱۹۸۴ اتحاد ملی اتحادیه‌های کارگری تأسیس شد که به دلیل وابستگی تحت کنترل دولت بودند و تبدیل به رقیبی جدی برای همبستگی و سایر گروه‌های مخالف شدند به طوریکه اعضای اتحاد ملی اتحادیه‌های کارگری حدود ۵ میلیون نفر بود در حالیکه تعداد مخالفان زیرزمینی، اعضای فعال و حامیان آن بیش از ۲۴ هزار نفر نبود.

با این وجود در اکتبر ۱۹۸۳، کمیته نوبل لئو والسا را برنده جایزه صلح نوبل آن سال اعلام کرد، او به علت فداکاری شخصی قابل ملاحظه برای دفاع از حقوق کارگران در تأسیس اتحادیه‌های ویژه خود و اراده پولادین برای حل مشکلات کشورش از طریق مذاکره و همکاری شایسته دریافت این جایزه شد. در بخشی از اعلامیه اعلام برنده صلح نوبل ۱۹۸۳ آمده بود: می‌خواهیم این جایزه نه تنها افتخاری باشد، بلکه ابراز قدردانی از شجاعت انتخاب مسیر صلح‌آمیز باشد.

ترس ممنوع ورود شدن به کشور و عدم امکان بازگشت به لهستان باعث شد که لئو والسا خود در مراسم اهدای جایزه نوبل شرکت نکند و همسرش به همراه پسر ۱۳ ساله‌شان بوگدان در اسلو به جای او جایزه را گرفتند. در مراسم دریافت جایزه همسر لئو والسا خواهان پایان تحریم‌های غرب علیه لهستان شد، تحریم‌هایی که در واکنش به تشکیل حکومت نظامی و برخورد و بازداشت مخالفین از سوی غرب به ویژه آمریکا تصویب شده بود. لئو والسا جایزه نقدی صلح نوبل به مبلغ ۱.۵ میلیون کرون سوئدی را به کنفرانس اسقفان لهستانی برای صندوقی برای ترویج کشاورزی خصوصی در لهستان اهدا کرد و از اعتبار دریافت این جایزه برای گسترش و تداوم مبارزات مسالمت‌آمیز خود استفاده کرد.

در اکتبر ۱۹۸۳، کمیته نوبل لئو والسا را برنده جایزه صلح نوبل آن سال اعلام کرد

طی سال‌های بعد، ژنرال یاروژلسکی برخی تغییرات در سیستم سیاسی عملکرد دولت ایجاد کرد، در سال ۱۹۸۲ دادگاه ایالتی، در سال ۱۹۸۵، دادگاه قانون اساسی و در سال ۱۹۸۷ دفتر بازرس تأسیس شد.

با وجود ضعف همبستگی در اکتبر ۱۹۸۴ رایبش و قتل کشیش یژی پوپیلوسکو توسط سه تن از افسران وزارت دفاع باعث موجی از خشم در میان مردم شد، کشیش جوانی که از همان نخستین روزهای تشکیل همبستگی با فعالان آن در ارتباط بود و نقشی پررنگ در توزیع کمک‌های بین‌المللی و حمایت از کارگران معترض داشت و در خطبه‌های آتشینش بارها به نقد تند و تیز از دولت پرداخته بود و شایعاتی مطرح بود که نویسنده خطبه‌های او، یکی از جوانان پر شور همبستگی به نام زیگنیو بوژاک بود.

در ۱۹ اکتبر ۱۹۸۴، کشیش پوپیلوسکو به همراه راننده‌اش در بازگشت از یک موعظه در بیدگوشچ به ورشو، در جاده تورون، در نزدیکی شهر گورسک، توسط افسران گروه مستقل "D" از بخش چهارم وزارت دفاع ربوده شدند. آنها در لباس افسران اداره ترافیک وزارت راه، کشیش را مجبور به پیاده شدن از ماشین، سپس بازداشت او با ضرب و شتم و به صندوق عقب خودرو "اس بی" انداختند. راننده کشیش موفق شد از خودروی پرشتاب بیرون بپرد و فرار کند. اما رابیندگان بیشتر به سمت تورون رفتند. و او را تا سر حد مرگ کتک زدند و او را که احتمالاً نیمه جان بوده حوالی نیمه شب پشت سردخانه ویستولا از ارتفاع چند متری به داخل آب انداختند. اگر چه سه افسر عامل قتل او بازداشت و محاکمه و محکوم شدند اما تلاش مخالفین

برای تعیین آمران این قتل‌ها به نتیجه نرسید.

در سه نوامبر ۱۹۸۴ تشییع جنازه باشکوهی از سوی مخالفین برگزار شد مخالفین جمعیت حاضرین در تشییع را بین ۶۰۰ هزار تا یک میلیون نفر اعلام کردند در حالی که منابع دولتی بین ده تا صد هزار نفر این جمعیت را تخمین زده بودند. در مراسم تشییع او بسیاری از رهبران مخالفین از جمله لئو والسا، یاکچ کورون، آدام میچنیک، آندری شیکوفسکی حضور داشتند، مراسمی که باعث تقویت مجدد همبستگی در میان مردم لهستان شد.

پس از مرگ برژنف در سال ۱۹۸۲، آندروپوف حدود یک سال و نیم رهبر اتحاد جماهیر شوروی شد و با مرگ او این وظیفه به چرنکور رسید، در ۱۱ مارس ۱۹۸۵، با مرگ چرنکو، میخائیل گورباچوف از جوانان حزب با ۵۴ سال سن رهبر اتحاد جماهیر شوروی شد (اختلاف سنی او با جوان‌ترین عضو دیگر کمیته مرکزی حزب حدود بیست سال بود) بحران اقتصادی اتحاد جماهیر شوروی باعث شد که مقامات شوروی مجبور به پذیرش انجام اصلاحات شدند، اصلاحاتی که به پرسترویکا معروف شد و باعث سست شدن سیاست داخلی در لهستان شد علاوه بر اینکه با کاهش و قطع کمک‌های شوروی به کشورهای امپراتوری پیرامونی شوروی سبب تشدید مشکلات اقتصادی در این کشورها از جمله لهستان شد.

در جولای ۱۹۸۶، تیر ۱۵،۱۳۶۵ نفر از زندانیان شامل ۴۱ محکوم به زندان و ۷۴ نفر که در بازداشت موقت بودند مشمول عفو شدند و رسیدگی پرونده حدود ۱۰۰ نفر دیگر متوقف شد، همچنین ژنرال برای کاهش فشارهای بین‌المللی تن به برخی گشایش‌های سیاسی دیگر داد و برای اولین بار مشاوران او شروع به تدوین مفهوم اصلاح عمومی دولت کردند تا فضایی برای کثرت‌گرایی اجتماعی و سیاسی محدود، اصلاح بازار و ایجاد بخش خصوصی نمودند.

در سپتامبر ۱۹۸۶ ساختار شورای موقت همبستگی توسط فعالین اتحادیه همبستگی تشکیل شد و در بیانیه تأسیس آن آمده بود "ما نمی‌خواهیم توطئه کنیم. ما باید روی یک مدل جدید فعالیت، باز و قانونی کار کنیم و به توافق برسیم".

در ۱۰ اکتبر ۱۹۸۶، لئو والسا از مقامات ایالات متحده درخواست کرد تا تحریم‌های اقتصادی اعمال شده علیه لهستان پس از اعمال حکومت نظامی را لغو کنند. یک هفته بعد دو تن از مشاوران ژنرال با سه تن از نمایندگان محافل کاتولیک، آندری سوویسکی، یژی تورویچ و آندری ویلوویسکی ملاقات و پیشنهاد پیوستن لئو والسا به شورای مشورتی ژنرال یاروژلسکی، رئیس شورای دولتی را ارائه دادند، پیشنهادی که از سوی مخالفین حکومت رد شد و دو ماه بعد در ۶ دسامبر ۱۹۸۶، شورای مشورتی با حضور برخی اعضای منتقد و لیبرال‌تر حزب متحد کارگران لهستان، برخی فعالین کاتولیک غیروابسته به کلیسا و برخی اهالی فرهنگ تشکیل شد.



منطقه‌ای شهر خود را از دست داده بود اما پس از اعلام حکومت نظامی به عنوان رئیس کمیته اعتصاب ادارات در فولادسازی باقی ماند اما پس از مدتی از همبستگی جدا شده بود و در مصاحبه با تلویزیون لهستان خواستار پایان خون ریزی‌ها و اعتراضات شده بود.

ولادیسلاو سیلانویکی، از کهنه سربازهای جنگ جهانی دوم بود که پس از حوادث ژوئن ۱۹۷۶، ریاست یک گروه حامی معترضین را داشت و سال‌ها سابقه مبارزه و فعالیت علیه حزب کارگران متحد لهستان در مقاطع مختلف تاریخی را داشت و به عنوان وکیل، مشاور اتحادیه همبستگی هم بود، او از معدود چهره‌های مستقل حاضر در این شورای مشورتی بود.

آندره سویسیکی فعال کاتولیکی بود که با سال‌ها سابقه مبارزه و مخالفت با دولت نیز عضو این شورای مشورتی شده بود، او از فعالان جنبش زنک و باشگاه روشنفکران کاتولیک بود و سال ۱۹۸۰ از سوی اسقف استفان ویسزینسکی در اعتصابات کشتی سازی گدانسک حضور داشت.

اما اقتصاد روبه زوال لهستان که زیر بار وام‌های خارجی کمر خم کرده بود، در نبود کمک‌های شوروی باعث شروع مجدد اعتصابات در لهستان از سال ۱۹۸۸ شد. اعتصابات که در نهایت منجر به پایان عمر جمهوری خلق لهستان شد.

در میان اعضای شورای مشورتی برخی اعضای سابق همبستگی مثل یان کولاج، رهبر سابق اتحادیه کشاورزان انفرادی همبستگی هم حضور داشتند، یان کولاج در دوران حکومت نظامی زندانی شده بود و بعد از مرگ برژنف، دو هفته بعد از آزادی لخ والساز زندان آزاد شد اما برخلاف لخ والسا در تلویزیون ظاهر شد و با اعتراف علیه خود به انتقاد از خود و گذشته خود پرداخت.

با مرگ چرنکو، میخائیل گورباچوف از جوانان حزب با ۵۴ سال سن رهبر اتحاد جماهیر شوروی شد

استانیسلاو زاوادا از دیگر رهبران سابق همبستگی بود که در این شورا حضور داشت، او قبل از کودتا در انتخابات با یک رای فاصله عضویت هیئت



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۶۰

۲۳ فروردین ماه سال ۱۴۰۲



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۶۰
۲۳ فروردین ماه سال ۱۴۰۲

مروری گذرا بر تاریخچه جنبش های کارگری در نهضت ملی شدن نفت



محمد بنی اسدی

(کارشناس ارشد مهندسی صنایع)

اعتصاب پرداخته، شرکت نفت را به اعمال تبعیض نژادی متهم کردند. شب نامه ای در این دوره با خطاب ((پدر تاج دار ما، رؤسای دولت و دربار)) پخش شد که در آن کارگران ایرانی ((فرزندان باشکوه و برجسته داریوش)) خوانده شدند که تحت تأثیر قیومیت بریتانیا و به ویژه کارکنان اداری و افراد میان پایه هندی قرار گرفته و در عذاب اند و این که ((همه چیز قربانی منافع شرکت نفت ایران و انگلیس می شود)). در این راستا با انعقاد قرارداد ۱۹۳۳ میان دولت و شرکت نفت ایران و انگلیس، امتیاز داری لغو و بر ایرانی سازی نیروی انسانی در شرکت تأکید شد.

پس از شهریور ۱۳۲۰، با ایجاد کمیته های ایالتی حزب توده و شورای متحده مرکزی اتحادیه کارگران، شرایطی فراهم شد تا جریان های قلمرو دایی شده در پیوند با یکدیگر نظام استثماراری حاکم بر کارخانه ها را به چالش بکشند.

خط گریز و تغییر نگرش از اجیر، به شهروند دارای منزلت اجتماعی، مبتنی بود بر مطالبه مناسبات عادلانه در نظم کارخانه ای. این خواسته در بهار ۱۳۲۳ با پیروزی کارگران در یک اعتصاب سراسری در اصفهان طی تلگرافی به مجلس این گونه مطرح شد: (نبودن قانون کار روز به روز بر مشکلات کارگر و بر تیرگی روابط کارگر و کارفرما می افزاید و انجام وظیفه مأمورین دولتی را نیز مشکل می سازد. این است که اتحادیه کارگران اصفهان امروز بیش از همیشه خواهان تصویب قانون کار و تعیین حدود اختیارات کارفرما و کارگر است. از طرف دیگر آن قانون کار بایستی چنان مترقی و به نفع کارگر باشد که دنیای قرن بیستم، ایران را به عقب ماندگی متهم نسازد.

اتحادیه کارگران خوزستان نیز در روز کارگر سال ۱۳۲۵ راهپیمایی باشکوهی ترتیب داد. سخنگویان این مراسم خواستار دستمزدهای بیشتر، مسکن مناسب، پرداخت دستمزد برای روزهای جمعه، هشت ساعت کار روزانه و قانون کار جامع شدند. یک سخنران زن، نفت را طلای ایران توصیف کرد و مسئولان انگلیسی شرکت نفت ایران و انگلیس را متهم ساخت که برای غذای سگ ها بیشتر از دستمزد کارگران خرج می کنند و خواستار خلع ید از شرکت نفت انگلیس شد. شاید این نخستین بار بود که در یک سخنرانی عمومی در آبادان، فریاد ملی کردن نفت شنیده می شد. جنبش قلمرو دایی توسط اتحادیه های کارگری در نیمه اول دهه ۱۳۲۰ منجر به سازمان دهی یک صد و سی اعتصاب بزرگ صنعتی در سراسر ایران گردید. مبارزات آزادی خواهانه در چارچوب همین جنبش، دولت قوام را واداشت تا در اردیبهشت ۱۳۲۵ پیشرفته ترین قانون کار خاورمیانه را به تصویب هیئت وزیران برساند.

حدود ۱۲۰ سال پیش اولین میدان های نفتی ایران در غرب و جنوب کشور کشف گردید و ویلیام ناکس داریسی به واسطه قرارداد با دولت قاجار امتیاز انحصاری اکتشاف و استخراج نفت قیر و اوزو گریت را به مدت ۶۰ سال دست آورد. شرکت نفت داریسی، پس از هفت سال سرانجام در ۲۶ مه ۱۹۰۸ میلادی در منطقه مسجد سلیمان به نفت رسید. از همان روزهای ابتدایی کشف نفت در مسجد سلیمان و با خرید ۵۱ درصد از سهام شرکت داریسی توسط دولت انگلستان، بر دولت و محافل داخلی کشور آشکار شد که قرارداد داریسی نمی تواند حقوق اقتصادی دولت ایران را تأمین نماید. با کشف نفت در ایران، صنعت نفت بزرگترین مراکز صنعتی را در

کارگران هندی پیش گامان اعتراضات کارگری در آبادان بودند

شهرهای نفت خیز جنوب پدید آورد که حجم عظیمی از کارگران را به خدمت گرفته بود. آبادان به مثابه شهری سه گانه بر مبنای دقیق سلسله مراتبی قومی - اداری - استعماری از سوی شرکت نفت ایران و انگلیس سامان یافته بود. شهر بین اروپایی ها (قسمت بالا) کارگران نیمه ماهر هندی (قسمت وسط) کارگران غیر ماهر بومی ایرانی (قسمت پایین) تقسیم شده بود که در آغاز در خانه های خشت و گلی و کپرهای موقت زندگی می کردند.

کارگران هندی پیش گامان اعتراضات کارگری در آبادان بودند که دو اعتصاب بزرگ در سال های ۱۲۹۹ و ۱۳۰۱ در راستای مطالبات کارگری به راه انداختند و کارگران ایرانی نیز پس از چند روز به آنها پیوستند. با ورود یک جنبش کارگری به حوزه عمومی و درگیری کارگران در فعالیتهای صنفی خطوط گریزی، فراهم آمد که تغییر نگرش آنها را نسبت به قبل نشان می داد. آنها نه تنها خواستار بهتر شدن شرایط کار و زندگی بودند، بلکه به عنوان شهروندان کشور و نه رعیت، خواهان به رسمیت شناخته شدن پایگاه مستقلی برای خوابیدن. در اعتصاب سال ۱۳۰۸ این مطالبات مطرح شد ولی نمونه آشکار غلبه بر احساسات ملی گرایانه مبنی بر برابری کامل کارگران ایرانی و هندی بود. در تهران مطبوعات به پشتیبانی

سرکوب کرده بودند، پدید آمد. بدین سان نیروی قلمروزدایی جان تازه ای گرفت و میزان اعتصابات کاری از ۱۰ اعتصاب در نیمه دوم دهه ۲۰ به ۷۲ اعتصاب تا پیش از کودتا افزایش یافت.

یکی از این اعتصابات با بدین شرح است: در شهریور ۱۳۳۱ با اعتصاب

یک سخنران زن، نفت را طلای ایران توصیف کرد

کارخانه چیت سازی ری ساعت کار از ۱۰ ساعت به ۸ ساعت کاهش یافت. پس از چندی با تلاش های مهتری گیل کیپور سرپرست آزمایشگاه و مریم خانم کارگر بافنده، محلی برای شیر دادن مادران دارای نوزاد شیرخوار به نام و مهدکودک اختصاص داده شد. این دستاورد که برای اولین بار در ایران توسط یک نماینده کارگر زن حاصل شد؛ در محل این کارخانه تأسیس و تا قبل از کودتای سال ۱۳۳۲ برقرار بود. پانزده سال بعد، دوباره این شیرخوارگاه و مهدکودک ها با مبارزات کارگران احیا و در تمامی ادارات و حتی ارتش نیز ایجاد شد.

در فروردین ماه ۱۳۳۰ کاهش حق فوق العاده مسکن توسط شرکت نفت به اعتراضاتی در بندر معشور (ماهشهر) انجامید که همسران کارگران بندرگاه پیش گام آن بودند. با گسترش اعتصاب به سایر مناطق نفتی در راهپیمایی ها علاوه بر دستمزد بیشتر و شرایط زندگی بهتر، موضوع ملی شدن نفت نیز مطرح شد. این اعتصاب خونین تا زمانی که مصدق قانون خلع ید از شرکت نفت را به مجلس برد، ادامه یافت. اعتصاب سراسری در خوزستان راه ملی شدن نفت و به قدرت رسیدن دولت مصدق را هموار نمود. در چنین فضایی در خرداد ماه ۱۳۳۰ طی مراسمی نمادین با حضور ۳۰ هزار تن از مردمی که با شور و هیجان گرد آمده بودند، پرچم ملی بر فراز پالایشگاه نفت آبادان بالا رفت و نشانه های شرکت پایین کشیده شد. با تشکیل مجلس هفدهم در اردیبهشت ماه ۱۳۳۱ کشمکش پارلمانی میان جبهه ملی و طرفداران دربار ادامه یافت. هنگامی که مصدق به دلیل مخالفت شاه با حق قانونی نخست وزیر در تعیین وزیر جنگ استعفا داد، کشمکش را به یک بحران ملی تبدیل نمود. قیام ۳۰ تیر با پیوند نیروهای چپ، ملی و مذهبی بزرگ ترین جنبش قلمروزدایی موسوم به نهضت ملی، را در این دوره تاریخی رقم می زند و به پشتوانه آن مصدق به قدرت باز می گردد. از این رو دوره دوم زمامداری مصدق را می توان دولت ملی نام نهاد؛ چرا که با قدرت مردم بر سر کار آمد، نه پیشنهاد مجلس یا به انتخاب شاه. با آغاز دهه ۳۰ مطالبات ملی و محلی در هم تنیده شد. در چنین بستری نهضت ملی، در ائتلاف نیروهای برابری خواه با اصلاح طلبان به شکلی ملی گرایانه علیه رابطه استثماری شرکت نفت و به شکلی سلبی علیه اقتدار گرایانی که مطالبات رهایی بخش آنان را در نیمه دوم دهه ۲۰



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۶۰

۲۳ فروردین ماه سال ۱۴۰۲





اندیشه



مدخل "خوب زیستن" در دانشنامه فلسفی استنفورد - بخش چهارم (آخر)

"خوب زیستن" و اخلاق

راجر کریسپ



کاظم طیبی فرد

k.tayyebifard@gmail.com

هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۶۰

۲۳ فروردین ماه سال ۱۴۰۲

"خوب زیستن" را به حداکثر برساند، ممکن است سعی کنند از منطق شهودی "بهزیستی باوری" برای حمایت از موقعیت خود استفاده کنند. اینان استدلال می کنند که هر گونه انحراف از حداکثر "خوب زیستن" باید بر اساس چیزی متمایز از "خوب زیستن"، مانند برابری یا حقوق باشد. اما کسانی که از برابری دفاع می کنند ممکن است استدلال کنند که خواهان در اولویت قرار دادن کسانی هستند که وضعیت بدتری دارند. ما در اینجا ارتباطی با نگرانی را برای "خوب زیستن" مشاهده می کنیم. به همین ترتیب، کسانی که به حقوق توجه دارند، ممکن است توجه داشته باشند که ما از حقوق خاصی مانند آزادی یا عدم وجود "بدی ها" (مانند رنج) برای مثال در مورد حق شکنجه نشدن) برخورداریم. به عبارت دیگر، تفسیر "بهزیستی باوری" خود محل اختلاف است. اما، به هر حال به نظر می رسد "بهزیستی باوری" برای کسانی که معتقدند اخلاق می تواند مستلزم اقداماتی باشد که به نفع هیچ کس نباشد و به برخی آسیب برساند، مانند مجازات هایی که برای افراد در نظر گرفته شده است، مشکل ایجاد می کند.

۲. خوب زیستن و فضیلت

به یک معنا، اخلاق قدیم بیشتر به "خوب زیستن" توجه داشت تا اخلاق مدرن. سؤال اصلی بسیاری از فیلسوفان اخلاق باستان این بود که "کدام زندگی برای یک فرد بهتر است؟". عقلانیت خودمداری (۲) که طبق این

در سه بخش پیشین این مقاله، مؤلف به معرفی مبحث "خوب زیستن" در فلسفه پرداخته و پس از آن نظریه های راجع و مربوط به این موضوع را، چنان که اقتضای یک مقاله دانشنامه ای است، به صورت مختصر مورد بررسی قرار داده است. در این بخش که واپسین بخش از مقاله کریسپ است، همین موضوع را در حوزه فلسفه اخلاق و به طور کلی در حوزه علم اخلاق مورد بررسی قرار داده است.

۱. بهزیستی باوری

بدیهی است که مسئله و پرسش "خوب زیستن" در هر نظریه اخلاقی نقشی محوری دارد و هر نظریه ای که این اهمیت را نفی کند، قطعاً خودش اهمیتی نخواهد داشت. در واقع، بسیار وسوسه انگیز است که فکر کنیم "خوب زیستن"، به معنای نهایی، تنها چیزی است که می تواند از نظر اخلاقی اهمیت داشته باشد. به عنوان مثال، "اصل انسان رایانه" جوزف راز را در نظر بگیرید که می گوید: "توضیح و توجیه خوبی یا بدی هر چیزی، در نهایت، از سهم آن در واقعی بودن یا ممکن بودنش در زندگی انسان، و از کیفیت آن ناشی می شود" (۱). اگر این اصل را برای "خوب زیستن" غیر انسانی گسترش دهیم، می توان ادعا کرد که در نهایت، نیروی توجیه هر دلیل اخلاقی بر "خوب زیستن" متکی است. این دیدگاه، همان "بهزیستی باوری" یا Welfarism است. فایده گرایان، که معتقدند اقدام درست آن اقدامی است که به طور کلی

مورد آنچه برای شخص خوب است و دیگر در مورد آنچه از نظر اخلاقی خوب است، در مقابل هم قرار می دهد و متضاد می داند.

من ممکن است موافق باشم که یک مثال برای مفهوم "خوب" در مورد بشریت، شخص فضیلت مند است اما منکر این هستم که چنین شخصی آنچه را که برای آنها بهترین است را انجام می دهد. در عوض، ممکن است من اصرار کنم که عقل مستلزم آن است که شخص به نفع خود پیش برود و این خیر، شامل، به عنوان مثال، لذت، قدرت یا افتخار است. اما حجم بسیاری از کتاب "اخلاق نیکوماخوس" ارسطو به پرتره هایی از زندگی افراد با فضیلت و شریر اختصاص داده شده است که مستقل از این ادعا که رفاه از طریق فضیلت به دست می آید، پشتیبانی مستقلی ارائه می کند. به طور خاص، تأکید ارسطو بر ارزش شخص "تجیب" (نسبت به کالون) شایان ذکر است. تأکید او بر یک ارزش شبه زیبایی شناختی است. البته ممکن است برای کسانی که به چنین ویژگی هایی حساس هستند بعید به نظر برسد که مؤلفه ای از "خوب زیستن" باشند. ارزشمندتر از بقیه، از این نظر، حسن فضیلت، به معنای کانتی است که "بی قید و شرط" است. با این حال، برای ارسطو، فضیلت یا "حسن نیت" نه تنها از نظر اخلاقی خوب است، بلکه برای فرد نیز مفید است.

مآخذ و پانوشت:

۱. برای مطالعه بیشتر نگاه کنید به:

Raz, J., 1986, The Morality of Freedom, Oxford: Clarendon Press. p194

۲. خود مداری یا خودمداری (egoism); نظریه ای مبنی بر اینکه تمام افعال انسان یا خودخواهانه اند و یا باید چنین باشند. در همین زمینه هابز (Hobbes) درباره طبیعت انسان نظریه ای داد که در آن هر فردی می توانست فقط تمایلات خود را و نه چیز دیگر را جستجو کند. از نظر مکس اشتیرنر (Max Stirner) خودخواهی غایت حیات است. به گمان وی همه چیز یک فرد بی اهمیت است و خانواده، دولت و جامعه همگی در مقابل فرد، به عنوان قدرت اساسی زندگی و حیات، از بین می رود. نک: فرهنگ فلسفه، انتشارات مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، تهران، ۱۳۹۹، ذیل egoism و Stirner، صص ۳۳۱ و ۱۱۲۶-۷

۳. برای دفاعی مدرن از این دیدگاه رک:

Bloomfield, P., 2014, The Virtues of Happiness: A Theory of the Good Life, New York: Oxford University Press

۴. برای دیدن ترجمه فارسی این مطلب نک: صص ۱۱۳۵ تا ۱۱۳۸ از جلد دوم مجموعه آثار افلاطون

Plato, Republic, G.M. Grube (trans.), revised C.D.C. Reeve, Indianapolis: Hackett, 1992, 519-20

دیدگاه، همیشه قوی ترین دلیل من این است که "خوب زیستن" خود را ارتقا دهم، تا حد زیادی مفروض گرفته می شد. ولی این موضوع مشکل ایجاد کرد؛ چون معمولاً تصور بر این است که اخلاق مربوط به منافع دیگران است؛ بنابراین اگر خود مداری نگاری درست است، چه دلیلی برای اخلاقی بودن دارم؟

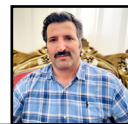
یکی از راهبردهای آشکاری که می توان در دفاع از اخلاق اتخاذ کرد این است که ادعا کنیم که رفاه افراد به نوعی از فضیلت یا اعمال فضیلت مدارانه آنها تشکیل شده است. این استراتژی توسط سه تن از بزرگ ترین فیلسوفان باستانی، سقراط، افلاطون و ارسطو به طرز کاملاً متفاوت اتخاذ شده است (۳). به نظر می رسد افلاطون در مقطعی از نوشته های خود، عقلانیت ایثار اخلاقی را مجاز دانسته است. از نظر اخلاقی، فیلسوفان در تمثیل معروف "غار" در کتاب جمهوری، ملزم هستند که از تفکر درباره خورشید در خارج از غار خودداری کنند (۴) و بار دیگر به غار فرود بیایند تا همشهریان خود را اداره کنند. در آثار حجیم ارسطو، توصیه ای برای قربانی شدن وجود ندارد. ارسطو معتقد بود که می تواند؛ مانند همیشه از انتخاب فضیلت به نفع فرد دفاع کند. با این حال، توجه داشته باشید که لازم نیست او را به عنوان یک خود مداری نگار به معنای قوی یعنی به عنوان فردی که معتقد است تنها دلایل ما برای عمل بر اساس رفاه خود ما است، توصیف کنید. از نظر او، فضیلت هم به پیشبرد منافع دیگران تمایل دارد و هم (حداقل در صورت عمل) خیر ما را پیش می برد. بنابراین ممکن است ارسطو اجازه داده باشد که رفاه دیگران دلایل عمل من باشد. اما این دلایل هرگز با دلایلی که بر اساس "خوب زیستن" شخصی من است، در تضاد نخواهد بود.

برای ارسطو، فضیلت یا "حسن نیت" نه تنها از نظر اخلاقی خوب است، بلکه برای فرد نیز مفید است.

استدلال اصلی او، "استدلال کارکرد"، استدلالی بدنام و کمال گرا است. بر اساس این دیدگاه، تشخیص خیر برای برخی از موجودات از طریق توجه به "عملکرد" یا فعالیت مشخصه آن موجود، ممکن است. فعالیت مشخصه انسان ها به کارگیری عقل و حسن نیت در خوب انجام دادن دستورات عقل، یعنی عمل مطابق با فضایل است. این استدلال که ارسطو آن را بسیار مختصر بیان کرده، بر مفروضات دیگری از فلسفه خود او و در واقع بر فلسفه افلاطون متکی است. به نظر می رسد ارسطو دو ایده را، یکی در



دموکراسی و اتنیک ها



داریوش محمدی

جامعه امروز ایران علی رغم تمامی تلاش های بی حاصل و پرهزینه از نیمه دوم دولت قاجاری تاکنون و با توجه به فلسفه ایجاد دولت و ملت بعد از مشروطه بر اساس وحدت زبانی و فرهنگی و تاریخی همچنان سرستانه در جهت حفظ هویت های متفاوت و چندگانه و موزائیکی خود مبارزه کرده و از نفس نیفتاده و به جرئت می توان گفت هویت چند هزار ساله این سرزمین بر مبنای این چندگانگی و وحدت در عین کثرت بنا نهاده شده و توانسته مجموعه بزرگی از اشتراکات را در بین ساکنان این سرزمین و سرزمین های اطراف که امروز منفک و در جغرافیای سیاسی جداگانه هستند را پدید بیاورد؛ ولی تمامی این اشتراکات بی شمار نمی تواند نافی تفاوت های فرهنگی و زبانی و تاریخی اتنیک ها و نادیده انگاری آنها باشد.

آیا تعریف این موضوع ذیل واژه های اقلیت و اقوام خود به این مسئله

دامن نمی زند

اگر در ورود به قرن بیستم ناسیونالیسم و ملی گرایی افراطی اصلی ترین سنگ زیربنای ایجاد دولت ملت های مدرن در کشورهای اروپایی و آمریکایی بود و این تفکر عامل بسیاری از مصیبت های بشری من جمله جنگ های خانمان سوز اول و دوم جهانی و ظهور و بروز دولت های فاشیستی چون آلمان نازی و غیره بود.

ولی بعد از این همه هزینه های گزاف دول غرب فهمیدند به جای حذف دیگری متفاوت باید به این تفاوت ها از حیث جنسیتی و نژادی و فرهنگی و مذهبی و زبانی احترام گذاشت و از آن حمایت کرد و به آن نه به عنوان تهدید بلکه یک فرصت نگاه کرد و فضای بودن و رشد را برای همه به صورت

عادلانه ایجاد کرد.

برای حل چندگانگی فرهنگی و زبانی و جنسیتی و مذهبی در کشور ایران؛ ابتدا باید یاد آور شد موضوعی که هزاران سال در این سرزمین امری طبیعی بوده چرا امروز به عنوان یک تابو و تهدید معرفی می شود؟ آیا این یک مسئله و مشکل واقعی است یا ساخته ذهن بعضی از افراد متعصب؟

در وهله دوم آیا تعریف این موضوع ذیل واژه های اقلیت و اقوام خود به این مسئله دامن نمی زند؟ آیا جز این است که این چندگانگی هویتی همان اجزاء تشکیل دهنده ملت و هویت اصلی ایران امروزی هستند و با تعریف اینها ذیل قومیت و اقلیت اولین گام ها را در حذف این اجزا از هویت و ملت ایرانی برداشته و آن ها را به حاشیه می رانیم.

تقریباً در این صد و اندی سال اخیر بعد از مشروطیت نگاه حکومت ها و روشنفکران و سیاسیون مرکزی به این موضوع منفی و حذفی و امنیتی و آمیخته با تهمت و افترا بوده و تمامی تلاش ها در راستای انکار و حذف تحریف بوده است. موضوعی که تقریباً دنیای غرب، بعد از جنگ جهانی دوم، فهمید دیگر جوابگو نیست و از نظر هزینه و فایده نیز به صرفه نیست و این نوع نگاه به جای حل موضوع حرکت به طرف بحران سازی و تنش بیشتر است.

برای رشد و توسعه پایدار و جهت ایجاد تمدن ایرانی؛ رعایت قواعد دموکراسی و تلاش در جهت استقرار آن بدون هیچ قید و شرطی و قبول واقعیت چندگانگی هویتی این سرزمین و تلاش برای تمرکز دایی و ایجاد سیستم های حکومتی فدرالی و غیر متمرکز و مبارزه با نژادپرستی و تدوین قوانین مدرن؛ و تمیز قائل شدن مابین وطن پرستی و نژادپرستی و راسیسم و ایجاد فرصت های آموزشی و سیاسی و فرهنگی و اقتصادی برای همه بدون توجه تفاوت ها الزامی است.

در پایان پیشنهاد می کنم که احزاب تحول گرا و پیشرو در زمینه رفرم اجتماعی و توسعه دموکراسی من جمله حزب اراده ملت ایران بخشی از امکانات و پتانسیل خود را صرف تحقیق و شناخت دقیق و عمیق و ارائه راه حل در این موضوع بسیار مهم نمایند.



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

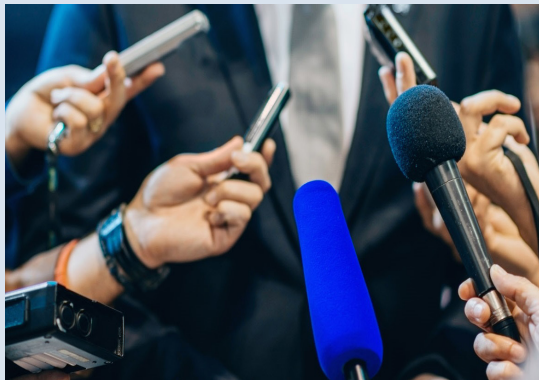
شماره ۶۰

۲۳ فروردین ماه سال ۱۴۰۲



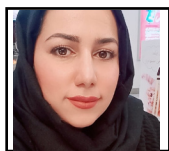


گفتگو



اکبر شوکت، رئیس انجمن صنفی کارگران ساختمانی کشور در گفت و گو با اراده ملت تشریح کرد:

در تصمیم گیری های حوزه مسکن، قشر ضعیف کارگر دیده نمی شود



فائزه صدر

Facehsadr7@gmail.com

هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۶۰

۲۳ فروردین ماه سال ۱۴۰۲

صنعت ساختمان کشور منتظر تحقق وعده دولت در خصوص مسکن اجتماعی بود تا این حوزه از رکود بیرون بیاید. البته نه به صورت افراطی که یکباره حجم بالایی از وعده مثل سالی یک میلیون مسکن به صورت حرف بر سر زبان ها بیفتد، باید از کاری حرف زد که شدنی باشد. نه چنین وعده های ناممکنی و نه مثل وضعیت فعلی که چند سالی است صنعت ساختمان در رکود کامل به سر می برد و دولت اقدامی برای ساخت مسکن انجام نمی دهد.

در چنین طرح هایی مبالغی از اقشار ضعیف جامعه گرفته می شود و خروجی اش این می شود که نمی توانند این مبالغ را پرداخت کنند. بزرگ ترین مشکل در مسکن اجتماعی که در طرح مسکن مهر هم شاهد آن بودیم این است که اقشار ضعیف قادر به پرداخت مبالغ اولیه نیستند، امتیازات خود را به قیمت های پایینی می فروشند. یعنی در نهایت مسکن در اختیار اقشار ضعیف قرار نمی گیرد.

دولت باید به جای طرح سالی یک میلیون مسکن فکر دیگری بکند. مثلاً سالی ۲۰۰ تا ۳۰۰ هزار واحد را استارت بزند ولی برای پایین ترین دهک های جامعه تسهیلاتی در نظر بگیرد و مبالغ را به طور اقساطی از این قشر بگیرد تا این قشر صاحبخانه شود.

ما در این صنف حضور داریم و ساخت و ساز این مسکن ها باید با مشارکت کارگزاران و استادکاران عضو در صنف ما انجام شود. با توجه به نقش این صنف در صنعت خواسته جامعه کارگری از دولت این است که بدون افراط و تفریط حوزه ساخت و ساز مسکن را فعال کند.

در بحث دلایل تورم بالای بازار مسکن، انگشت اتهام به سوی کدام بخش است؟

از سال ۹۷ تا امروز شاهد افزایش نجومی مصالح ساختمانی بودیم به ویژه در ۶ ماه گذشته تورم در صنعت ساختمان وحشتناک بود. در عرض ۴ ماه قیمت میل گرد ۱۵ هزار تومانی به کیلویی ۳۵ هزار تومان رسیده است. تا سال ۹۷ بنا با متری یک میلیون تومان ساخته می شد، امروز بنا با متری ۱۰ میلیون تومان ساخته می شود. البته این حداقل ها و کف قیمت است یعنی ظرف ۴ سال با افزایش ۱۰۰۰٪ در قیمت مصالح ساختمانی روبرو بودیم. ۸۰ تا ۸۵ درصد بهای تمام شده ساختمان هزینه مصالح است. افزایش ده برابری قیمت مصالح در عرض سه سال رکورد وحشتناکی در دنیا است. دلیل اصلی افزایش نرخ مسکن در این بازار رکودی، وجود تورم سنگین در بخش مصالح ساختمان است. این



اراده ملت، فائزه صدر: وعده ساخت سالانه یک میلیون مسکن در ایام انتخابات از زبان رئیس جمهور شنیده شد و مورد توجه قرار گرفت. اما دولت سیزدهم کم کم به نیمه راه خود نزدیک می شود و در کمال تعجب از زبان آقای مخبر، معاون اول رئیس جمهور می شنویم که: "مگر قرار است دولت مسکن بسازد؟ مسکن را مردم می سازند!" علی نیک زاد، نایب رئیس اول مجلس هم در تیر ماه از وعده ساخت ۴ میلیون مسکن شانه خالی کرد و در این رابطه گفت: "در رابطه با مسکن هیچ مشاوره ای در زمان انتخابات از جانب بنده به جناب رئیس جمهور انجام نشده است" پیش از این نیز رستم قاسمی، وزیر پیشین راه و شهرسازی دولت گفته بود: "قرار نیست سالی یک میلیون مسکن ساخته شود" مهرداد بذریاش، وزیر جدید دولت نیز موافق وعده چهار میلیون مسکن رئیس جمهور نبود و در جلسه رأی اعتماد در انتقاد به این طرح گفت: "هزینه ساخت چهار میلیون مسکن تقریباً دو برابر بودجه کل کشور در سال ۱۴۰۱ است" این سخنان از نگاه شنونده، نوعی عقب نشینی از وعده انتخاباتی رئیس جمهور، مبنی بر ساخت چهار میلیون مسکن قلمداد می شود. اما اگر از فضای شعار فاصله بگیریم، فعالین صنعت ساختمان بهتر از مسئولین حال و روز این صنعت را می دانند و راه های جان گرفتن آن را می شناسند. اراده ملت در گفت و گویی با اکبر شوکت، رئیس انجمن صنفی کارگران ساختمانی کشور به بررسی این موضوع پرداخته که در ادامه می خوانید:

به عنوان یکی از فعالین صنف ساختمان، در شرایط رکود و تورم بالا در حوزه مسکن، چه طرحی را مناسب ترین راهکار برای نجات این بخش از مشکلاتش می دانید؟

قوانین و آیین‌نامه‌ها بیشتر نقش مداخله‌ای دارند. در حوزه مسکن نقش پررنگ دلالان و واسطه‌ها به ساختار معیوب اقتصادی و مدیریتی اضافه شده است.

در این بین مردم و به ویژه اقشار ضعیف متضرر اصلی هستند. کارگران صنعت ساختمان و اعضای صنف ما هم زیان دیده این مسیر غلط هستند. زمانی افراط کردند و نیروی انسانی این حوزه را نادیده گرفتند و متوجه نشدند که آیا توانایی دو برابر کردن ساخت و ساز در این حوزه در بخش نیروی انسانی وجود دارد یا نه؟! همین باعث شد به یکباره حجم بالایی از اتباع بیگانه به صنعت ساختمان هجوم بیاورند و امنیت شغلی کارگران ساختمانی به خطر بیفتد. یا از سویی دیگر کار در حوزه ساختمان را برای چندین سال متوالی رها می‌کنیم. دولت نقش تسهیل‌گری‌اش را ایفا نمی‌کند و ساخت و ساز متوقف می‌شود و توجهی به سرنوشت کارگران ساختمانی نمی‌شود و ظرفیت نیروی انسانی موجود به شدت کاهش پیدا می‌کند. در تصمیم‌گیری‌های این حوزه قشر زحمتکش و ضعیف کارگر دیده نمی‌شود.

امنیت شغلی کارگران ساختمانی زمانی تأمین می‌شود این حوزه از افراط و تفریط دولت‌ها به دور باشد. نه شاهد هجوم اتباع بیگانه به این صنعت باشیم که موجب کاهش شدید دستمزد کارگران می‌شوند و نه رکود شدید که نیروی انسانی این بخش را فراری می‌دهد و کم‌کم دولت شعارها را تعدیل کند و سالیانه ۲۰۰ تا ۳۰۰ هزار مسکن را بر عهده بگیرد. یعنی در حدود ۳۰٪ از پروانه‌های صادر شده در کشور ساخته شود. این وضعیت می‌تواند ۲۰ تا ۳۰ درصد امنیت شغلی کارگران صنعت ساختمان را افزایش دهد.

مسئله ضمن این که نشان می‌دهد هیچ سیاست‌گذاری درستی در حوزه مسکن وجود ندارد. وزارتخانه با سندیکاها ارتباط نمی‌گیرد و از ظرفیت و نظرات آنها استفاده نمی‌شود.

نکته جالب و قابل توجه این است که تمام مصالح ساختمان با قیمت روز و قیمت جهانی برآورد می‌شود اما صفر تا صد چرخه تولید همین مصالح از مواد اولیه تا تولید و توزیع در داخل کشور قرار دارد. در این بین قشر کارگر و قشر ضعیف جامعه به ریال حقوق می‌گیرد ولی باید هزینه مسکن‌اش را به قیمت جهانی بپردازد. مسئله فقط خرید مسکن نیست فرمول اجاره هم از این تورم سنگین تبعیت می‌کند. پس انداز یک خانواده کارگری همان پول پیشی است که به صاحبخانه پرداخت کرده است. کل دریافتی یک خانواده کارگری در یک ماه ۶ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان است. این پول حتی کفاف هزینه زندگی این خانواده را نمی‌دهد. چطور باید برای تأمین مسکن هر سه ماه ۴۰ میلیون تومان بدهد؟! از این رو پیشنهاد صنف کارگری این است که هزینه ساخت مسکن برای اقشار کم‌توان به صورت تسهیلات کامل باشد و با نرخ سود پایین در اختیار این طیف قرار بگیرد.

اگر بخواهیم آسیب شناسی از عملکرد تیم اقتصادی دولت در حوزه مسکن داشته باشیم، چه مواردی برجسته است؟

متأسفانه ساختار اقتصادی کشور معیوب است. هم زمان اقتصاد از تحریم‌ها هم ضربه می‌خورد. تحریم‌ها هم در بحث افزایش قیمت‌ها در کشور نقش دارند. سیستم مدیریتی نیز کارآمد نیست و نمی‌تواند کنترلی داشته باشد و نقش نظارتی نیز به درستی ایفا نمی‌شود و متأسفانه



فاطمه راکعی، دبیر کل جمعیت زنان مسلمان نواندیش در گفتگو با اراده ملت تشریح کرد:

زنان مانند مردان از آزادی برخوردارند



فاطمه قدم

fatemehghadam56@gmail.com



بیشتر صوری بود تاریخهای و بنیادی، و آن قدر که به ظاهر و پوشش آنان و حضور ظاهری شان در جامعه پرداخته می شد، به ارتقای آگاهی های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و علمی آن ها توجه خاصی مبذول نمی شد، با انقلاب پنجاه و هفت که در واقع یک انقلاب فرهنگی بود، یک نوع شأن و جایگاه ویژه برای زنان از سوی رهبر انقلاب تأکید شد که تا آن زمان برای بسیاری از زنان ایرانی و اصولاً برای جامعه ما ناشناخته بود؛ و آن برابری زن و مرد در تمامی عرصه ها و تأکید این آیین بر آموزش در همه عرصه های علم و پژوهش بدون هیچ تبعیضی برای زن و مرد بود. رهبر انقلاب قبل از پیروزی در نوفل لوشاتو پیامی دادند که مبین آن بود که زنان مانند مردان از آزادی برخوردارند و می توانند در عرصه های مختلف علمی و اجتماعی تلاش کنند. ایشان بعد از ورود به ایران نیز به تأسی از پیامبر اسلام بیاناتی داشتند که حاکی از شأن و جایگاه والای زنان در اسلام بود. ایشان آن قدر از احترام و جایگاه والای زنان سخن گفتند که عده ای از اصطلاح تبعیض مثبت برای زنان در اسلام استفاده کردند و به این ترتیب خانواده های متدینی که بعضاً به خاطر حفظ اعتقادات دینی دخترانشان را از رفتن به مدرسه و مخصوصاً تحصیل در مدارج دانشگاهی باز می داشتند، مغایرتی بین علم و دین ندیدند و این گونه بود که زنان با همه استعداد و ظرفیتشان برای تلاش های علمی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی به میدان آمدند.

در صحبت های آنان یکی از دلایل نرسیدن جنبش مشروطه به خواست خود را نبود نهادهایی برای زنان به جهت ایجاد و تدوین حقوق زنان و رفع تبعیض جنسیتی دانستید. آیا این مهم بعد از انقلاب پنجاه و هفت تحقق یافت و تأثیر گذار بود؟

زنان از اول انقلاب تلاش بزرگی را شروع کردند و سازمان های مردم نهاد (N.G.O) مختلفی را شکل دادند. آن ها عاشقانه و آگاهانه تلاش های مستمری را برای پیشرفت خود در مسائل علمی و پژوهشی داشتند، که نتایج آن را در دهه اخیر با پذیرفته شدن بالای ۶۰ درصدی آن ها در رشته های مختلف دانشگاهی شاهد بودیم که این خود البته موفقیت چشمگیر و عظیمی است که نسبت به قبل از انقلاب داشتیم.

در همین سال های پس از انقلاب است که دانشمندی مانند مریم میرزاخانی در عرصه علوم نظری آن هم در عرصه ریاضی ظهور می کند. زنان بزرگ دیگری در عرصه علمی در سطح جهانی از ایران عزیز مطرح هستند.

از طرفی، در عرصه های سیاسی و اجتماعی زنان شاخصی داریم که

اراده ملت، فاطمه قدم: روز ۱۱ فوریه، روز جهانی زنان و دختران در علم است و زنان تلاش زیادی کردند تا شکاف جنسیتی قابل توجهی که در طول سال ها در تمامی سطوح علوم فناوری و مهندسی و رشته های ریاضی در سراسر جهان به ویژه ایران داشته اند را کم رنگ تر کنند و با تمامی چالش ها و تبعیض های جنسی مختلف پیشرفت های چشمگیری داشته اند. با وجود این، ما شاهد مهاجرت و موفقیت آنان در علوم مختلف در کشورهای دیگر هستیم. در این خصوص با فاطمه راکعی به گفت و گو نشستیم و از چالش ها و موانعی که بر سر راه زنان جهت رسیدن به آمل و آرزوهایشان در عرصه علوم قرار دارد و آن ها را وادار به مهاجرت جهت رسیدن به خواست مطلوب خود در کشورهای دیگر می کند، پرسیدیم و گفت و گو کردیم؛ که در ادامه می خوانید:

به عنوان یک کنشگر فعال در حوزه زنان، مسئله تبعیض جنسیتی را که موانع زیادی بر سر راه موفقیت زنان ایرانی در عرصه علوم مختلف قرار داده است، چگونه تبیین می کنید؟

مسئله تبعیض جنسیتی یک مسئله جهانی است و سالیان متمادی است که زنان برای رفع این تبعیض، مبارزات گسترده ای را آغاز کرده اند که در برخی کشورها نتیجه بهتری داشته. گرچه در بسیاری از کشورها راه زیادی مانده است تا به نتیجه مطلوب برسد.

اما از آن جا که در هر دو دوره سلطنت پهلوی برخورد با مسئله زنان



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۶۰

۲۳ فروردین ماه سال ۱۴۰۲

پست‌های مهمی را در سطوح اجتماعی و سیاسی در سایر کشورها کسب کردند. خوشبختانه از اول انقلاب در زمینه‌های مختلف فرهنگی، هنری، ادبی و ورزشی و همچنین در المپیادهای مختلف علمی و غیر آن، زنان و دختران ما خوش درخشیده‌اند.

راهکار شما در مواجهه با چالش‌ها و تهدیدهایی که بر سر راه زنان در ایران قرار دارد چیست؟

زنان صلح‌طلب و اهل آشتی هستند و با ظرفیت مادرانه‌ای که در آفرینش به آن‌ها اعطا شده است، همان‌طور که می‌توانند خانواده را به بهترین شکل اداره کنند، ظرفیت و پتانسیل آن را دارند که بتوانند جوامع را نیز اداره کنند، هرچه علم و تخصص در حوزه زنان بالاتر برود، آن‌ها موفق‌تر خواهند بود. این تخصص زنان در رشته‌هایی چون روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، علوم سیاسی، حقوق و به‌ویژه اقتصاد، هرچه بیشتر و عمیق‌تر شود، زنان دانشمند بیشتری خواهیم داشت که علاوه بر این که دانشمندند، از دانش خود برای مدیریت جامعه و بهبود وضعیت مردم استفاده می‌کنند.

زنان آگاه و دانش‌پژوه با جایگاه واقعی خود که در اسلام اصیل و فرهنگ

ایرانی دارند، هرگز نگران افکار و سخنان سخیف و مشمئزکننده‌ای که از سوی بعضی افراد ناآگاه و یا منحرف از مشی پیامبر اکرم در حوزه زنان نیستند که متأسفانه گاه حتی از پشت تریبون‌های رسمی مطرح می‌شود. گرچه این دیدگاه‌های انحرافی و بیمارگونه راجع به زنان، آن‌هم به نام اسلام که قطعاً مغایرت کامل با اسلام قرائت رهبر انقلاب در سال پنجاه و هفت دارد، واقعاً برای جامعه به‌ویژه جامعه زنان ایران تحمل‌ناپذیر و منجرکننده است.

با وجود سلب موقعیت‌های زیاد از زنان به‌خاطر برخی دیدگاه‌های غلط و انحرافی موجود، آن‌ها همواره در تلاش‌اند تا از همه ظرفیت‌ها و استعداد‌های وجودی خود که خداوند به آن‌ها اعطا کرده است، استفاده بهینه کنند.

و این مهر گسترده‌ای که در وجود زنان است و آن ویژگی مبرز آن‌ها که بیش از آنکه بخواهند دوست داشته شوند، تشنه دوست‌داشتن دیگران‌اند، چنانچه با رشد لازم و با تخصص‌های مختلف علمی توأم شود، ایشان را به‌عنوان هوشمندترین و دلسوزترین انسان‌ها در رشد و ارتقای جهان بشری نشان‌دار خواهد کرد و بی‌گمان در دنیایی بدون جنگ و خشونت، به‌سوی صلح جهانی پیش‌گام خواهند بود.



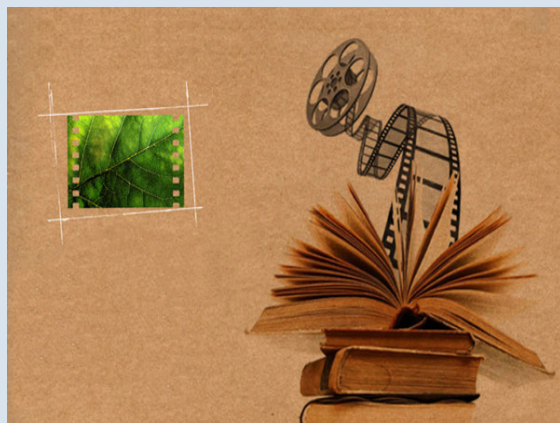
هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۶۰

۲۳ فروردین ماه سال ۱۴۰۲



معرفی و پیشنهاد



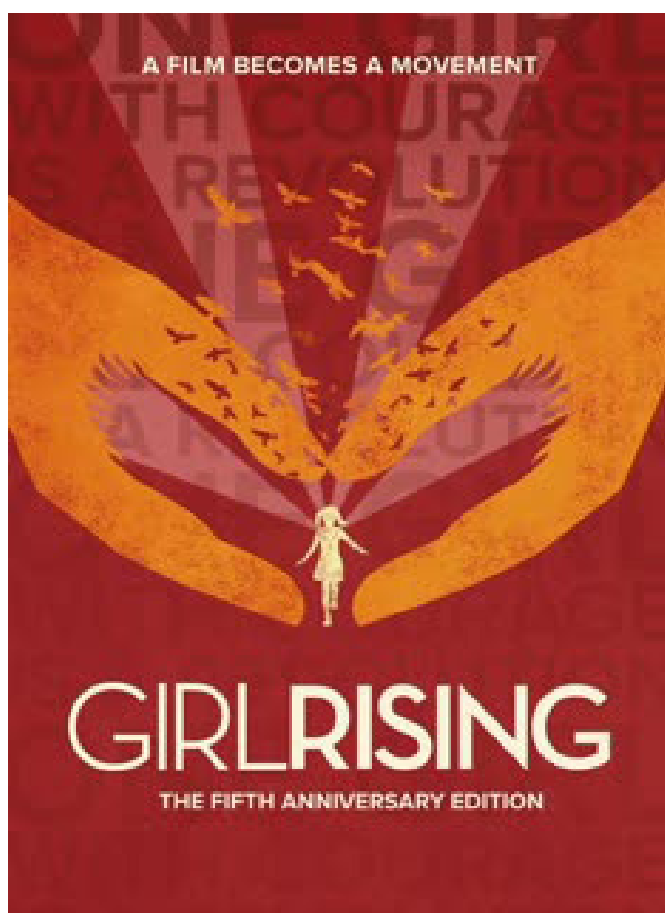
روایتی نوآورانه درباره قدرت آموزش و تحصیل



راضیه گمار

r.gomar901@gmail.com

نام اثر: خیزش دختران (Girl rising)
کارگردان: کیس فرید، تام یلین و هالی گوردون
ژانر: مستند
محصول آمریکا
سال ساخت: ۲۰۱۳
زمان: ۱۰۱ دقیقه



خیزش دختران، روایتی نوآورانه درباره قدرت آموزش و تحصیل برای تغییر یک زن و جهان پیرامون آن است. داستان ۹ دختر از ۹ کشور (سیرالئون، هائیتی، اتیوپی، افغانستان، پرو، مصر، نیال، هند و کامبوج) که هر کدام قصه خود را توسط نویسندگانی از کشورش نوشته و توسط بازیگران مشهور صداگذاری شده است. داستان‌های آنها منعکس کننده مبارزات آنها برای غلبه بر موانع اجتماعی و فرهنگی است.

این مستند، دختران فراموش نشدنی مانند سوخا را در کانون توجه قرار می‌دهد. یتیمی که از زباله‌های کامبوج برمی‌خیزد تا یک دانش آموز ستاره و یک رقصنده ماهر شود. سوم این که برای کمک به او برای تحمل بردگی اجباری در نیال و امروز جنگ‌های صلیبی برای آزادی دیگران، موسیقی می‌سازد و روسا، یک هندی «ساکن پیاده‌رو» که پدرش نیازهای اولیه‌اش را فدای رویاهای دخترش می‌کند و هر کدام از آنها داستان منحصر به فرد خود را دارند، اما موانعی که با آنها روبرو می‌شوند همه‌جا وجود دارد. در واقع همه آن‌ها روایت‌های باورنکردنی برای گفتن دارند که با سختی‌های غیرقابل تصور همراه است و همچنان با امید ادامه می‌دهند.

دخترانی از سراسر جهان که تحت تأثیر قدرت آموزش یا فقدان آن هستند. وضعیت اسفبار آنان وحشتناک است و هر اقدامی که بتواند شرایط اجتماعی را برای آنها بهبود ببخشد ارزشمند است. زنان اثری ماندگار در سراسر فیلم از خود به جای می‌گذارند، از تهیه کنندگان تا نویسندگان و بقیه راویان، که همگی زن هستند.

داستان‌های دختران گاهی دردناک است، اما همیشه به پایان‌های قدرتمند و پیروزمندانه منجر می‌شود. و حقایق قابل توجهی را در مورد مزایای آموزش دختران - مزایایی برای کشورهای شان و کل جهان - رایه نمایش می‌گذارد.



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۶۰۵

۲۳ فروردین ماه سال ۱۴۰۲

وقتی وزیر سابق اقتصاد برای دخترش از اقتصاد می گوید



علیر ضامالمیر

Malmira287@gmail.com

نام کتاب: حرف هایی با دخترم درباره اقتصاد

نویسنده: یانیس واروفاکیس

مترجم: فرهاد اکبرزاده

انتشارات: بان

تعداد صفحه: ۱۷۶

یکی از مشهورترین اقتصاددانان جهان، یانیس واروفاکیس، در این نامه خطاب به دختر نوجوان خود، از داستان های واضح برای توضیح اینکه اقتصاد چیست و چرا این قدر خطرناک است استفاده می کند. پول چیست و چرا بدهی وجود دارد؟ ثروت و نابرابری از کجا حاصل می شود؟ اقتصاد چگونه قدرت شکل دادن و از بین بردن زندگی ما را دارد؟ اقتصاد یک علم فنی نیست، یک درام حماسی است: میدان نبردی از ایده ها، جنگ بین قدرتمندان برای کسب وفاداری و بیعت ما. در کتاب حرف هایی با دخترم درباره اقتصاد، نویسنده نشان می دهد که این درام چگونه برای اولین بار ظاهر شد و از آن زمان تاکنون بر سرنوشت جوامع بشری در سراسر جهان حاکم است. وی در پاسخ به سوالات بزرگ درباره پول و بدهی، قدرت و نابرابری، نشان می دهد که اقتصاد چگونه به دنبال حل مشکلات جهان مابوده است اما در نهایت علت اصلی بسیاری از آنها بوده است. این کتاب صمیمی و الهام بخش با تکیه بر تاریخ و ادبیات، داستان های علمی و خاطرات شخصی، برای برخی از سوالات گیج کننده و چالش های مهمی که بشریت با آن روبرو است، برای خوانندگان در هر سنی چیزهای زیادی را روشن می کند.

یانیس واروفاکیس، وزیر سابق اقتصاد یونان در این کتاب با استفاده از زبانی واضح و مثالهایی مشخص، نامه هایی به دختر جوانش مینویسد تا در مورد اقتصاد به او توضیح دهد و بگوید اقتصاد چگونه عمل میکند، از کجا آمده و چگونه در خدمت منافع برخی و در صدد تضعیف برخی دیگر برمی آید. او در این کتاب پای بانکداران و سیاستمداران را به بحث باز میکند تا در مورد منشأ تاریخی نابرابری در بین ملتها توضیح دهد. او همچنین می خواهد در کتابش این عقیده فراگیر که «هر چیزی قیمتی دارد» را زیر سؤال ببرد و نشان دهد که چرا بی ثباتی اقتصادی می تواند یک خطر مزمن قلمداد شود.

نهایتاً واروفاکیس توضیح می دهد که چگونه سیاست های بازار محور در پرداختن به سلامت روبه زوال سیارهای که نسل دخترش وارث آن هستند، کاملاً ناتوان بوده و خواهد بود. ویژگی منحصر به فرد این کتاب این است که نویسنده در آن می کوشد؛ مانند پیری بنویسد که می خواهد به سؤال های اساسی دخترش در مورد عصر حاضر پاسخ دهد؛ پاسخی که دختر جوان بتواند با بصیرت موجود آنها در برابر شکست ها و تاریکی سیستم کنونی مجهز شده و راهی به سمت بدیل های دموکراتیک تر پیدا کند.

یانیس واروفاکیس سال هائیش از این که در ۲۰۱۵ به عنوان وزیر اقتصاد دولت چپ گرای یونان منسوب شود، در دانشگاه های انگلستان، استرالیا و آمریکا استاد اقتصاد بود. خاطرات او از تجربه ای حضورش در دولت، در کتابی به عنوان یزرگسالان در اتاق: نبرد من با دستگاه حاکم اروپا در صدر پر فروش ترین کتاب های سال ۲۰۱۷ قرار گرفت. کتاب قبلی او و آنچه بر سر ضعیفان می آید حقش است؟ اروپا، ریاضت و تهدید ثبات جهانی نیز در صدر جدول پر فروش ترین کتاب های سال ۲۰۱۶ قرار داشت. واروفاکیس در حال حاضر استاد اقتصاد دانشگاه آتن است.

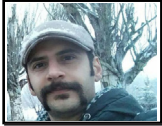


هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۶۰

۲۳ فروردین ماه سال ۱۴۰۲

آخرین و رساترین اعتراض



حامد نامجو

Hamed.namjoo@gmail.com

اجتماعی، مشارکت سیاسی داوطلبانه شهروندان در جوامعی که برای هویت مستقل انسانی، ارزش و اعتبار واقعی و به‌دوراز شعار قائل هستند، فعالیت آزادانه تشکلهای صنفی و مدنی، روابط سالم شهروندان با ساختار قدرت، ساختار قدرت پویا و انتخابی و پاک از فساد اداری و دولتی، توجه دولت‌ها به منافع عمومی ملت‌ها و برآورده کردن مطالبات عموم اقشار جامعه، کاهش تبعیض‌های طبقاتی، مذهبی و فرقه‌ای و آیینی، ایجاد رفاه و برابری برای تمام اقشار جامعه به‌نحوی که به کاهش فقر و ظلم طبقاتی منجر شود، تقویت هنجارها و ارزش‌های انسانی و غیر تحمیلی، برقراری دموکراسی در عرصه سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و احترام به حقوق شهروندی انسان‌ها، همگی در تقویت سرمایه اجتماعی یک جامعه تأثیر دارد که در نهایت به توسعه جامعه منجر خواهد شد و آمار مرگ‌های خودخواسته را به‌صورت قابل توجهی کاهش می‌دهد.

کیومرث پوراحمد در زندگی سیاسی خود نیز بی‌پروا بود و موضع خود را شفاف درباره اتفاقات سیاسی کشور بیان می‌کرد و این آخرین و رساترین اعتراض این کارگردان بزرگ بود.

کیومرث پوراحمد متولد ۲۵ آذر ۱۳۲۸ در نجف‌آباد اصفهان بود و در ۱۶ فروردین ۱۴۰۲ در یکی از واحدهای دهکده ساحلی انزلی به زندگی خود پایان داد. این فیلمساز متولد سال ۱۳۲۸ در نجف‌آباد استان اصفهان سال گذشته فیلم «پرونده باز است» را ساخت که در جشنواره فجر شرکت داشت. «تیغ و ترمه»، «کفش‌هایم کو؟»، «۵۰ قدم آخر»، «توبوس شب»، «نوک برج»، «گل یخ»، «خواهران غریب»، «به‌خاطر هانیه» و «بی‌بی چلچله» از فیلم‌های سینمایی این کارگردان هستند. او در تلویزیون هم سریال‌های ماندگار «قصه‌های مجید» و «سرنخ» را ساخته بود.

مرگ خودخواسته این هنرمند ارزشمند بررسی علل مختلف این پدیده را می‌طلبد. از نظر کارشناسان سطح و رتبه سرمایه اجتماعی در اجتماع محل زندگی افراد تأثیر قابل توجهی در آمار اقدام به خودکشی دارد.

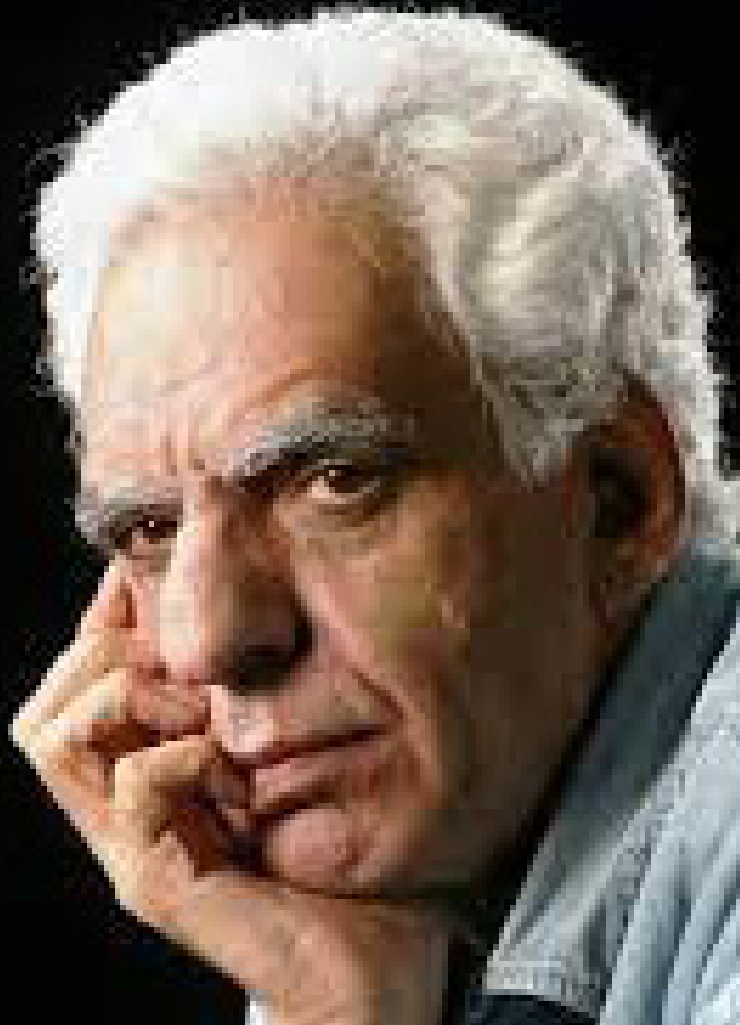
طبق تعریفی که جامعه‌شناسان از سرمایه اجتماعی می‌دهند، معنای کلی این اصطلاح به میزان همبستگی اجتماعی و سرمایه‌گذاری فردی در جامعه اشاره دارد. جامعه‌شناسان، سرمایه اجتماعی را زیربنای توسعه کشورها و جوامع و مؤثر در سلامت اجتماعی جامعه می‌دانند. آزادی‌های سیاسی و



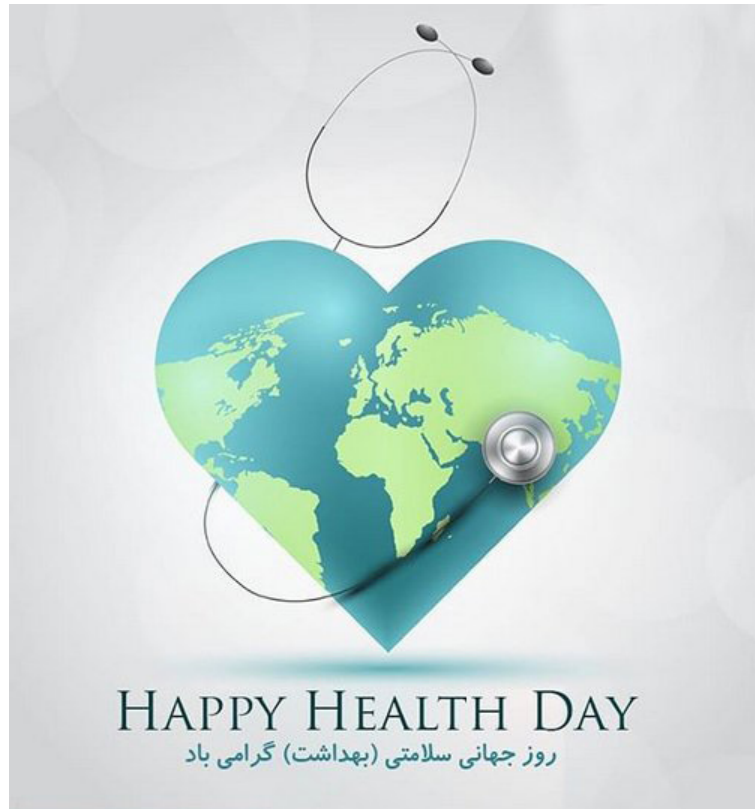
هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۶۰۵

۲۳ فروردین ماه سال ۱۴۰۲



بهداشت زیر بنای فعالیت های اقتصادی و پیشرفت های اجتماعی یک ملت



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۶۰

۲۳ فروردین ماه سال ۱۴۰۲

وبا، طاعون، آبله، بهداشت مادران و کودکان و تغذیه متمرکز می باشد و از جمله برنامه های عمده آن ریشه کنی مالاریا و آبله است. ایران در ۲۳ نوامبر ۱۹۴۶، به عضویت این سازمان درآمد و همه ساله در اجلاس سالیانه آن و در کمیته منطقه ای در گروه مدیترانه شرقی شرکت داشته است.

بهداشت زیر بنای فعالیت های اقتصادی و پیشرفت های اجتماعی یک ملت است و سلامت جامعه در گرو رعایت اصول بهداشتی است و جامعه سالم و تندرست می تواند از منافع خود دفاع، و حقوق خود را کسب کند.

بهداشت عبارت است از علم و هنر پیشگیری از بیماری ها، طولانی کردن عمر و بالا بردن سطح سلامت و توانایی بشر که اگر تکتک افراد جامعه سالم باشند، می توان در مجموع، یک جامعه سالم و توانا به وجود آورد. امروزه برخلاف گذشته سلامتی محدود به ابعاد فیزیکی و جسمانی نیست بلکه به ابعاد سلامت ذهن، سلامت هیجان و عاطفه، سلامت محیط زندگی، سلامت اجتماعی، سلامت معنوی، سلامت شغلی گسترش یافته است.

در آخر با توجه به ضرورت حفظ سلامتی تمام انسان ها امیدواریم، دیگر شاهد اتفاقات تلخی که سلامت جسمی، ذهنی و دیگر ابعاد سلامتی کودکان کشورمان را تحت تاثیر قرار دهند نباشیم.

روز جهانی سلامت و بهداشت هر ساله در هفت آوریل با حمایت سازمان بهداشت جهانی برگزار می شود. روز جهانی بهداشت، اولین بار در سال ۱۹۴۸ برگزار شد، در چنین روزی در سال ۱۹۴۸ میلادی در نیویورک، نخستین اساسنامه کنفرانس بین المللی بهداشت از سوی سازمان بهداشت جهانی تدوین گردید. همچنین در ژوئن همان سال، نخستین مجمع عمومی سازمان بهداشت جهانی در ژنو با حضور نمایندگان بیش از شصت و یک کشور جهان تشکیل شد.

از سال ۱۹۵۰ مقرر شد تا روز جهانی بهداشت، هر ساله برگزار شود، و هر سال شعار متفاوت انتخاب می کنند. شعار سال ۲۰۲۳ روز جهانی بهداشت، سلامتی برای همه: تقویت مراقبت های بهداشتی اولیه برای ایجاد سیستم های تاب آور است.

هدف این سازمان، فراهم کردن حداکثر امکانات بهداشتی و سلامتی برای کلیه انسان است، برای این هدف، سازمان، برنامه های زیادی را اجرا کرده است تا زمینه مساعدت کشورها را برای تقویت بهداشت عمومی خود فراهم کند. یکی از موانع بزرگ در بهبود وضع بهداشت در دنیا کمبود متخصصین است. سازمان برای رفع این مشکل، دوره های مطالعاتی و کارآموزی و تعلیم و تکمیلی در سرتاسر جهان تشکیل داده است.

بیشترین توجه سازمان مداوای تب های مناطق حاره، سل، جذام،

نگاهی بر اندیشه‌های سیدنی فینکلشتاین



محمد هادی خوشکلام

mohammadhadikhohkalam95@gmail.com

موسیقی فقط بر اثر آمدن یک صدا از پی صدای دیگر ساخته نمی‌شود؛ بلکه گونه‌ای از توالی صداهاست که گوش بتواند آنها را به صورت یک کل واحد در یابد، مانند عبارتی موزون یا نوای خوش که موجب پدید آمدن موسیقی می‌شود.

این واحدها همان چهره‌های انسانی هستند، زیرا حالت‌های ذهنی خاصی در آدمی برمی‌انگیزند. فرم‌های متشکل از زنجیره‌های ملودیک و تغییرات گوناگون نواها، برخورد هم‌زمان دو یا چند خط ملودی که آن را پلی فونی می‌خوانیم، تعدد گوناگون آکوردها یا گروه‌هایی از نت‌های متفاوت، آنگاه که با هم نواخته می‌شوند، همچون نتی واحد به صورت یک آهنگ هیجانی به گوش می‌رسند، و این هماهنگی منجر به پیدایش یک اثر موسیقایی می‌شود که در نهایت این فرم‌های پیچیده موجب پیدایش حالت‌های روانی متعددی می‌شوند که همانند چهره‌های انسانی‌اند.

حال می‌توان گفت که موسیقی به کمک چنین تصویرهای انسانی و چهره‌ها، اندیشه‌ها را مجسم می‌سازد. این اندیشه‌ها از نوع اندیشه‌هایی نیستند که در هر رساله علمی یافت می‌شوند؛ بلکه اظهار نظرها یا تفسیرهایی درباره جامعه هستند و نشان می‌دهند که زیستن در این جامعه چه معنایی دارد.

این اندیشه‌ها تغییرات قدرت حساسیت آگاهی انسان از توانایی‌های خویش و تغییراتی را که هم‌زمان با دگرگون شدن دنیای خارج در چگونگی آزادی درونی آدمی رخ می‌دهند در بر می‌گیرند، به این طریق موسیقی در آفریدن شعور اجتماعی و رشد آگاهی فرد از زندگی درونی مشترک‌کش با جامعه، و در پرده برداشتن از تاریخ درونی جامعه به هنرهای دیگر می‌پیوندد.

موسیقی گذشته‌از آنکه موجب رشد حساسیت و آزادی می‌شود، در آموزش و پرورش نسل حاضر نیز تأثیر می‌گذارد. برخی مدعی‌اند که موسیقی نوعی ارتباط صرفاً هیجانی است به این معنی که با ارتباط فکری یا پنداری تناقض دارد، اما سرچشمه احساس‌ها و هیجان‌های مردم چیزهایی است که خود مردم می‌بینند، منطقی‌ترین افکار و اعمال نیز موجب پیدایش هیجان می‌شود، در واقع گاهی کشفیات منطقی و علمی نیز الهام‌بخش پاسخ‌های شدیداً هیجانی می‌شوند.

اگر وظیفه موسیقی صرفاً برانگیختن هیجانی خصوصی می‌بود که تفاوتی با احساسات ملموس در زندگی واقعی ندارد، دیگر دلیلی برای ادامه حیات موسیقی در میان نمی‌بود، زیرا زندگی واقعی این کار را بهتر انجام می‌دهد. مثلاً هیچ موسیقی عاشقانه‌ای از دیدگاه قدرت به عشق واقعی نمی‌رسد و هیچ سوگواری یا تشییع جنازه‌ای به اندازه از دست رفتن آن که در نزد ما گرامی است غم‌انگیز نیست. هنرها ساخته‌های دست بشر و آفریده‌های آگاهانه جسم و روح انسان‌ها هستند و از مجراهایی می‌گذرند که جامعه برای مخاطب قرار دادن مردم ساخته و پرداخته است. هنرها موجب پیدایش حالاتی از زندگی درونی می‌شوند که با به کارگیری وسایل عینی یا زبان‌ها و شکل‌های آفریده اجتماع، حالات تازه‌ای در روابط میان انسان‌ها پدید می‌آورد. بنابراین کار هنری به عنوان موضوع یا شیئی نامیرا و جزء لاینفک جامعه به حیاتش ادامه می‌دهد، کیفیت ویژه هنر در مقام محصول ذهن بشر این است که اندیشه مربوط به زندگی را مجسم می‌کند و در همان حال به نظر می‌رسد که خود موجب پیدایش زندگی می‌شود.

در این قسمت از سلسله بحث‌های موسیقی برای همه قصد داریم ذهن خواننده گران قدر را با مفاهیم بیانی اندیشه و تفکر در موسیقی آشنا سازیم، البته این بحث بسیار گسترده است که ما تلاش خواهیم کرد به صورت اجمالی و آسان یاب آن را در اختیار مخاطب فرهیخته قرار دهیم، بسیاری از مردم موسیقی را خالص‌ترین هنر انتزاعی می‌دانند که چندان از دنیای خارج یعنی طبیعت، جامعه و تاریخ تأثیر نمی‌پذیرد. اما چنانچه قدری تحقیق نماییم در خواهیم یافت که تاریخ موسیقی با این گفته مغایرت دارد، موسیقی از دیدگاه سبک و شکل دستخوش تغییراتی شده است که اهمیت بسیاری برای آهنگسازان دارد.

که این تحولات و با تغییراتی مشابه در هنرهای دیگر قرین بوده است باید دانست که موسیقی تصویرهای تجسمی، به شیوه نقاشی و ادبیات از دنیای خارج فراهم نمی‌آورد؛ بلکه تصویرهای صوتی از دنیای خارج می‌آفریند که همانند تقلید از آوازهای پرندگان، صدای راه رفتن و صدای باد و باران هستند، ولی اینها جنبه ظاهری هنر موسیقی به شمار رفته و موسیقی از دیدگاه شیوه بیان با هنرهای دیگر تفاوت دارد. البته از دیدگاه ماهیت بنیادی به عنوان هنری که واکنش انسان به دنیای خارج یا درونی او را مجسم می‌کند تفاوتی با آنها ندارد.

نقاشی و ادبیات صرفاً با مجسم کردن گزارش‌های مستند یا عکس گونه از دنیای خارج به عنوان هنر به حیات خود ادامه نمی‌دهند؛ بلکه فعالیت این دو هنر آفریدن تصویرهایی است از دنیای خارج که موجب پیدایش پاره‌ای حالت‌های خاص درونی یا روانی در بیننده می‌شوند، کار هنری در اینجا نه فقط با بیننده بلکه از بیننده نیز سخن می‌گوید.



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۶۰

۲۳ فروردین ماه سال ۱۴۰۲



شعر و سیاست در نگاه محمود کیانوش

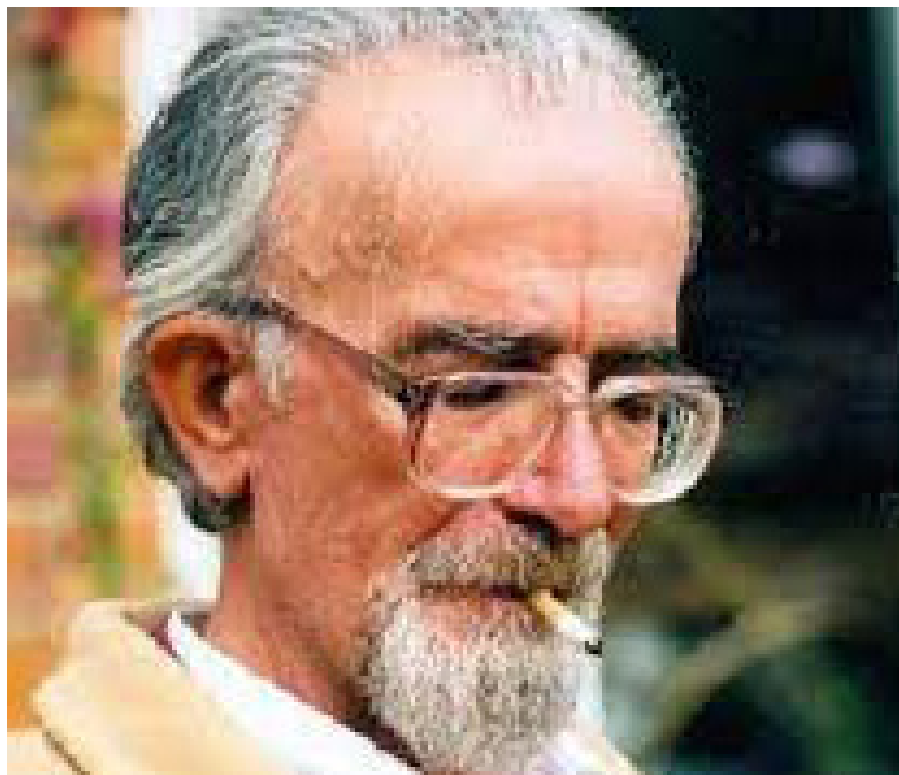


مرتضی صادقیان

محمود کیانوش می گفت که باید دید ما از شعر به معنای جهانی آن چه انتظاری داریم، شاید در ایران، مردم با شعر بیش از نوع‌های دیگر ادبی پیوند داشته‌اند و دارند و مخصوصاً از انقلاب مشروطیت تا به امروز، شعر وظیفه‌ای بیرون از حیطه هنر و ادبیات برعهده داشته و این خود یکی از مهم‌ترین عامل‌های آشفتگی موقعیت شعر در ایران بوده است. بسیاری از شاعران در چند دهه اخیر، از شعر، چهره‌هایی به مردم نشان داده‌اند و در مردم از شعر انتظاراتی پدید آورده‌اند که با فرهنگ شعر در مقام یک «هنر کلامی» هماهنگی ندارد و با بیان این که شعر نمی‌تواند در کنار وظیفه خود، وظیفه «ژورنالیسم متعهد» را هم برعهده بگیرد، «سیاست» هم مثل همه امور انسانی دیگر می‌تواند در حد خود و به جای خود در یک شعر نمودی داشته باشد، اما اگر چنین شعری نتواند به اندازه یک مقاله سیاسی که با هنر مایه‌های فنی و بیانی به یک «شبه شعر» تبدیل شده است، مخاطب پیدا کند، باید گفت که تقصیر از شعر نیست؛ از مخاطبان است که از شعر انتظاری دوگانه دارند، هم مقاله سیاسی می‌خواهند، هم شعر، و هر دو را با هم یک جا و در هم می‌خواهند.

شاعر باصالت از واقعیت محلی به واقعیت‌های جهانی، و از واقعیت‌های جهانی به واقعیت‌های انسان در تاریخ می‌رسد، و در این مقام به معنای خاص، نه جامعه‌شناس است، نه مصلح اجتماعی، نه روان‌شناس، نه فیلسوف، نه مورخ، نه سیاست‌شناس، نه سیاستمدار، نه معجزه‌گر و نه منجی. شاعر با این نگرش نسخه‌نویس دردهای جامعه نیست، خاطر نشان کرده بود: در واقع آنچه درباره بسیاری از شاعران، بی‌خبری آن‌ها از دغدغه‌های واقعی مردم انگاشته می‌شود، نشانه بی‌دردی نیست، نشانه بیماری است، و شاعران واقعی در دوره شیوع بیماری‌های اجتماعی، کسانی هستند که انسان شاعر خود را از انسان بیمار خود جدا نگاه می‌دارند، تا ناله‌های او در شعرشان طنین نیندازد. نمونه شعری از محمود کیانوش:

دامن، دامن فروردین
یک گل، ده گل، صد تا گل
اینجا، آنجا، هر جا گل
دامن، دامن، فروردین
می‌روید بر دل‌ها گل
باغ و دره پر گل شد
کوه و دشت و صحرا گل
لب‌ها را گل خندان کرد
شد از شادی لب‌ها گل



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۶۰

۲۳ فروردین ماه سال ۱۴۰۲



یک عکس و چند نکته



زهره رحیمی

RAHIMI_ZOZO2003@yahoo.com

رستوران هایی که همزمان، معنویت هم سرو می کنند.

آخرین شماره از سلسله مشاغل دور از نظر را به کسب و کاری اختصاص می دهیم که افراد کم توان یا دارای معلولیت به راه می اندازند. به کافه ها و رستوران هایی که افراد مبتلا به اختلالات رشد یا ناتوانی های ذهنی، جسمی و روانی چون مبتلایان به اوتیسم، سندرم داون یا کوتاه قامتان تأسیس و مدیریت می کنند.

دلایل مختلفی وجود دارد که موجب می گردد تا همه مشتریان از این واحدها استقبال نکنند. شاید مهم ترین دلیل این امتناع، عدم مهارت افراد دارای سلامت، در چگونگی برخورد و تعامل درست با افراد دارای معلولیت یا اختلال است. معمولاً مردم در چنین موقعیت هایی، رفتارهایی آمیخته با ترحم یا افسوس از خود نشان می دهند و یا درگیر رفتارهای غیر واقعی، غیر منتظره و سردرگمی در نوع برخورد خود می شوند. برخی هم با نادیده گرفتن و تحقیر یا دوری کردن و امتناع، واکنش نشان می دهند. همه این موارد، مدیریت کسب و کار را برای افراد دارای ناتوانی و اختلال دشوارتر می کنند؛ و همین واقعیت رفتاری جامعه، لزوم کسب و تقویت مهارت های ارتباطی را برای همه ما حیاتی و مهم می کند.

تعدادی از افراد پر تلاش و جدی از بین جامعه کم توانان، موفق به راه اندازی مشاغلی مثل کافه یا رستوران می شوند که بی تردید فرایند تأسیس و حفظ و ارتقای شغل آنها چندین برابر با موانع و مشکلات همراه است.

فراهم نبودن زیر ساخت، فقدان مناسب سازی محیطی، بروکراسی دست و پا گیر، ضعف های فرهنگی عموم جامعه، مشکلات مضاعف شخصی که این افراد با آنها دست به گریبان هستند، پیچیدگی بازار اقتصاد ایران، همه و همه مسیر راه را دشوارتر و پر چالش تر می کند. کافه داونتسیسم و کافه نانسیسم از جمله کافه هایی هستند که در ایران توسط این افراد راه اندازی شده اند. ممنون که طی سی شماره ما را همراهی کردید

مشاغل دور از نظر

تهیه شده توسط کمیته آموزش و توانمندسازی حزب اراده ملت ایران

ماطی سی شماره، با موضوع مشاغل دور از نظر در خدمت مخاطبان گرامی بودیم، چراکه پرداختن به پدیده‌های اجتماعی دور از نظر را رسالت خویش می‌دانیم و لازم به یادآوری است که همه مشاغل معرفی شده، لزوماً با وضعیت‌های نامناسب درآمدی همراه نبودند و گاهی تنها دشواری و پیچیدگی آنها در بین عموم مغفول بود. پرروشن است که به قدر شایستگی و وجاهت آن پدیده‌ها، مجال و بضاعت پرداخت نداشته‌ایم؛ اما به امید آنکه تلنگر ناچیزی باشد برای شناخت هر چه بیشتر، آن را محقق کردیم.

از این شماره به بعد، ما تحت عنوان "یک عکس، یک پیام" تمرکز خود را بر پیام‌های تصویری خواهیم گذاشت و پرسه در کوچه عکس را می‌آغازیم. ما در همین شماره، هم‌زمان با تودیع این محور با معرفی آخرین شغل دور از نظر، دست به معارفه‌ی محور عکس می‌زنیم و نخستین عکس از سلسله عکس‌هایی که از این پس به آنها خواهیم پرداخت را ارائه می‌کنیم.



زهره رحیمی

RAHIMI_ZOZO2003@yahoo.com

من، اسبم



آدم‌های یک‌لایبایی که از طفولیت، سواری دادن را تمرین می‌کنند و برای ورود به زیستنی مشقت‌بار، آماده می‌شوند!

سال ۱۹۵۴، اثر از خانم سابین وایس، عکاس سوئیسی فرانسوی که در محله‌ای در اسپانیا از کودکان در حال اسب‌بازی، گرفته شده است.



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۶۰

۲۳ فروردین ماه سال ۱۴۰۲

SUSTAINABLE DEVELOPMENT GOALS


مهشید قاسمی

gha3mg.m@gmail.com

هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۶۰۰

۲۳ فروردین ماه سال ۱۴۰۲

توسعه پایدار یعنی چه؟

در نیمه دوم قرن نوزدهم، جوامع غربی به این نتیجه رسیدند که فعالیت‌های اقتصادی و صنعتی بر محیط زیست تأثیر گذار می‌باشد که منجر به بحران‌های اکولوژیک و اجتماعی می‌شوند.

از این رو اتحادیه بین‌المللی حفاظت از محیط زیست و منابع طبیعی (IUCN)، راهبردهای جهانی از محیط زیست و منابع طبیعی با هدف کلی دستیابی به توسعه پایدار را از طریق حفاظت از منابع حیاتی (زنده) ارائه کرد، مورد توجه جدی و اساسی اندیشمندان و متفکران توسعه قرار گرفت. اصطلاح توسعه پایدار (Sustainable development) نخستین بار توسط باربارا وارد، در اعلامیه کوکویاک درباره محیط زیست و توسعه به کار رفت. اعلامیه کوکویاک (توسط مجمع مشهوری از دانشمندان بین‌المللی و سیاستمداران در سال ۱۹۷۴) جنوب را به توسعه انسانی و به خوداتکایی فراخواند.

توسعه پایدار توسعه‌ای است که نیازهای نسل حاضر را بدون به خطر انداختن توانایی نسل‌های آینده برای رفع نیازهای خود تأمین کند. این توسعه نیاز به رویکرد برنامه‌ریزی محیط زیستی دارد که در آن، در همه سطوح‌های مجاز از توسعه پایدار نگهداری شود.

اهداف توسعه پایدار که به عنوان اهداف جهانی شناخته می‌شوند، در سال ۲۰۱۵ توسط سازمان ملل متحد به عنوان یک فراخوان جهانی حفاظت از زمین، تصویب شد. اهداف توسعه پایدار سازمان ملل تلاشی چندجانبه است تا کره زمین را به سمت پایداری و تاب‌آوری سوق دهد. توسعه پایدار فرصت‌های جدیدی از قبیل توسعه فراگیر، توسعه جهانی، توسعه یکپارچه، توسعه محلی و توسعه فناوری را نیز فراهم می‌آورد. همه کشورهای عضو سازمان ملل باید تلاش کنند تا سال ۲۰۳۰ به اهداف و شاخص‌های توسعه پایدار در سه سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی دست یابند. کشورها باید برنامه‌های بلند مدت و کوتاه مدت خود را بر اساس اهداف توسعه پایدار تنظیم نمایند. این اهداف منجر به یک سری تغییرات اساسی جهانی خواهد شد.

هدفه هدف توسعه پایدار عبارت‌اند از:

۱- ریشه کن کردن فقر - ۲- ریشه کن کردن گرسنگی - ۳- سلامتی و تندرستی - ۴- آموزش با کیفیت - ۵- برابری جنسیتی - ۶- آب تمیز و سیستم تخلیه فاضلاب - ۷- انرژی مقرون به صرفه و پاک - ۸- کار شایسته و رشد اقتصادی - ۹- صنعت، نوآوری و زیرساخت - ۱۰- کاهش نابرابری - ۱۱- شهرها و جوامع پایدار - ۱۲- مصرف و تولید مسئولانه - ۱۳- اقدام برای جلوگیری از تغییرات آب و هوایی - ۱۴- زندگی زیر آب - ۱۵- زندگی در خشکی - ۱۶- صلح، عدالت و نهادهای قوی - ۱۷- مشارکت برای رسیدن به اهداف

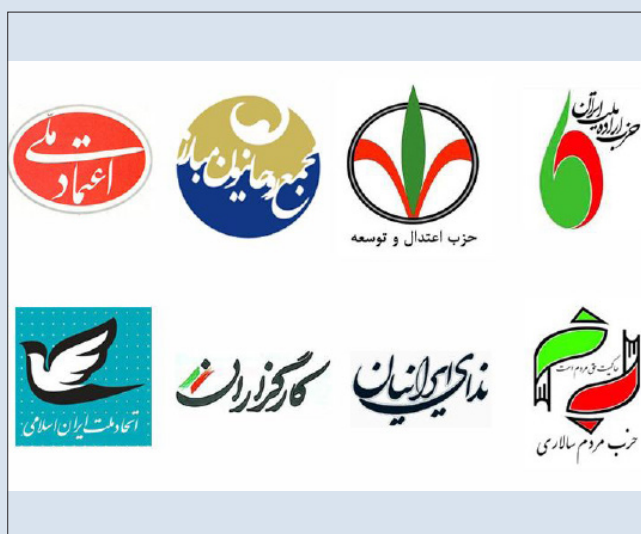
در ایران، شورای عالی حفاظت محیط زیست به عنوان مرجع اصلی پیگیری توسعه پایدار، فعالیت خود را آغاز کرد. اولین اقدام عملی در این ارتباط، تشکیل کمیته ملی توسعه پایدار با حضور نمایندگان دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط بود.

در همه کشورها برای رسیدن به شاخص توسعه پایدار چالش‌هایی وجود دارد، چالش‌هایی از قبیل وابستگی به درآمد نفت، نا آگاهی اقبال مختلف نسبت به این اهداف و همچنین مشکلات محیط زیستی از قبیل از بین رفتن جنگل‌ها، نمونه‌هایی از معضلات پیش رو برای رسیدن به این اهداف در کشور ما هستند. برنامه ریزی در حوزه محیط زیست برای رسیدن به توسعه پایدار یک نیاز اساسی در ایران است که متأسفانه همیشه مغفول مانده است.

در برنامه‌ریزی‌های صورت گرفته در ایران و اصول توسعه پایدار تفاوت‌های چشمگیری وجود دارد که نشان می‌دهد بیشتر فرایندهای برنامه‌ریزی در چارچوب شاخص‌های توسعه پایدار نیست. اگر چه در برخی از شاخص‌ها مانند کشاورزی و ریشه کن کردن بی‌سوادی رشد داشته است اما در برخی شاخص‌ها مانند برابری جنسیتی و توانمندسازی زنان و دختران در همه سطوح، دسترسی به فناوری انرژی پاک، رشد بسیار اندک و ناچیزی داشته است.



تاریخ احزاب سیاسی ایران



تاریخ احزاب سیاسی ایران (۴)

انقلاب مشروطه و مجلس اول

به عنوان ریشه‌های انقلاب مشروطیت مطرح شده‌اند. در این میان عواملی نیز بودند که سبب تسریع روند انقلاب شدند و در مسیر نهضت به منزله عامل محرک ایفای نقش کردند. این عوامل را که در پیش برد اهداف جنبش مشروطه سهم بسزایی داشتند می‌توان چنین برشمرد: افزایش ارتباط مردم ایران با کشورهای خارج به ویژه با ممالکی که حکومت‌های آنها ناشی از آرای مردم بوده و براساس قانون اداره می‌شدند، تاسیس دارالفنون و توسعه مدارس جدید، ایجاد پست و تلگراف در کشور به عنوان راهی برای انتقال افکار جدید در میان مردم، انتشار روزنامه‌های دولتی و غیردولتی و نشر اخبار ایران و جهان در میان مردم، گسترش اطلاعات مردم درباره انقلاب‌های فرانسه و آمریکا و دیگر کشورهای جهان، توسعه صنعت چاپ و انتشار آثار بعضی نویسندگان آزادیخواه، بیدار شدن اذهان مردم نسبت به اعمال ناشایست دولت به وسیله وعاظ و علمای مذهبی.

آن ریشه‌های بنیادین و این عوامل محرک سبب شکل‌گیری هسته‌ها و انجمن‌های ضد حکومتی در کشور و سرآغاز نهضت مشروطه شد. در این میان انقلاب ۱۹۰۵ روسیه که همزمان با شکل‌گیری نهضت مشروطه به وقوع پیوست و به تاسیس مجلس «دوما» منجر شد و ورود انقلابیون قفقازی به ایران در اشاعه تفکر انقلابی در کشور بی‌نقش نبود.

آنچه در تاریخ مبنای شکل‌گیری مشروطه شناخته شده، صدور فرمان تاسیس مجلس در مرداد ۱۲۸۵ هجری شمسی است. تحصن مشروطه‌خواهان در تیرماه این سال ابعاد گسترده‌یی یافت. آنچنان که مظفرالدین شاه قاجار در ۱۴ مرداد، فرمان برقراری حکومت مشروطه را صادر کرد.



متن فرمان مشروطیت مظفرالدین شاه:

فرمان مشروطیت

مورخ ۱۴ جمادی الثانیه ۱۳۳۴

السلطان مظفرالدین شاه قاجار

جناب اشرف صدراعظم از آنجا که حضرت باری تعالی جل شانه سر رشته ترقی و سعادت ممالک محروسه ایران را به کف کفایت ما سپرده و شخص

ابتدای سال ۱۴۰۱ و بعد از پیشنهاد یکی از جوانان حزبی مبنی بر تهیه یادکست‌هایی در رابطه با احزاب سیاسی، این ایده در واحد انتشارات حزب اراده ملت ایران شکل گرفت که با توجه به منابع موجود، جای کتابی ساده و موجز اما کامل در حوزه تاریخ احزاب سیاسی ایران خالی است. لذا جلساتی با اساتید صاحب نظر برگزار شد تا شاید بتوانیم این نقیصه را جبران نماییم. بعد از ساعتها تفکر و تعمق و بررسی الگوهای موجود، تصمیم نهایی بر این شد که کتابی در چهار جلد مجزا و براساس روند تاریخی به این موضوع اختصاص یابد. الگوی کار نیز نمونه کتابهای تاریخ برای جوانان و نوجوانان نشر ققنوس قرار داده شد که نثری روان همراه با توضیحات ساده و موجز داشتند.

برای اینکار گروهی پنج نفره از جوانان حزبی در قالب کارگروه تاریخ احزاب سیاسی ایران در حزب شکل گرفت و ایشان تحت نظارت یک استاد شناخته شده تاریخ، کار بررسی منابع و مآخذ را برای تدوین این مجموعه چهار جلدی آغاز کردند.

با توجه به کثرت منابع و مآخذ و سواس‌هایی که معمولاً در اینگونه کارها وجود دارد، فرایند تدوین این مجموعه چهار جلدی به طول انجامید. لذا بر آن شدیم با استفاده از فضایی که نشریه حزب در اختیار ما قرار میداد، بخش‌هایی از این کتاب را بتدریج برای خوانندگان محترم منتشر کنیم تا زمانی که متن کامل کتاب‌ها آماده شود.

(در بخش‌های قبلی این نوشتار به بحث تعاریف و اصطلاحات مرتبط با احزاب سیاسی؛ وضعیت احزاب در قفقاز و عثمانی؛ و جوانه زدن احزاب در ایران پرداختیم. اینک بخش چهارم این نوشتار تقدیم می‌گردد.)

بخش چهارم: انقلاب مشروطه و مجلس اول

انقلاب مشروطیت ایران و صدور فرمان مشروطیت (۱۹۰۵-۱۲۸۵) در روز چهاردهم مردادماه سال ۱۲۸۵ خورشیدی مظفرالدین شاه قاجار ۷ ماه پس از دستور تاسیس «عدالتخانه» فرمان مشروطیت را صادر کرد. نارضایتی عمیق جامعه ایران از حکومت قاجار ریشه اصلی اعتراضات علیه دولت قاجار و زمینه‌ساز شکل‌گیری جنبش مشروطیت دانسته شده است. هرج و مرج و فساد در دستگاه اداری، تهی شدن خزانه کشور بر اثر اسراف و ولخرجی‌های شاهان و درباریان، انجام مسافرت‌های مکرر و غیر ضروری شاهان به فرنگ از طریق دریافت وام با شرایط سنگین از دول خارجی و تحمیل مالیات‌های کمر شکن بر مردم، قحطی فزاینده در تهران و شهرستان‌ها، تسلط روزافزون بیگانگان بر کشور، افزایش بهای ارزاق عمومی، ظلم و تعدی مأموران قاجاری نسبت به مردم، بی‌حرمتی به علما و زیر پا نهادن احکام اسلامی، بحران مالی و سقوط اقتصادی کشور و اعطای امتیازات گوناگون به قدرت‌های استعماری، همه و همه مواردی هستند که



هفته‌نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۶۰

۲۳ فروردین ماه سال ۱۴۰۲

- ۲- روحانیان و طلبه‌ها
- ۳- اعیان و اشراف
- ۴- تاجران
- ۵- مالکان و فلاحان
- ۶- اصناف

بر این اساس زنان، کارگران، شاگردان اصناف، و دهقانان روستایی حق رای نداشتند. در این دوره انتخابات حزبی نیز نبود و پس از تشکیل مجلس بود که احزابی داخل مجلس شکل گرفتند. ۲۶٪ از نمایندگان مجلس دوره یکم را بزرگان اصناف، ۲۰٪ را روحانیت، و ۱۵٪ را بازرگانان تشکیل می‌دادند. جناح‌های سیاسی داخل مجلس را می‌توان به سه طیف تقسیم کرد: هواداران استبداد، اعضای حزب اعتدالیون، و اعضای حزب دموکرات. مستبدین از میان شاهزاده، زمین‌دار یا اعیان برگزیده شده بودند. کم‌تعداد بودند و در مذاکرات مجلس مشارکت چندانی نشان ندادند. دموکرات‌ها را می‌توان طیف روشنفکران چپ‌گرا به رهبری سیدحسن تقی‌زاده و میرزایحیی اسکندری دانست که از اصلاحات گسترده‌ی اجتماعی، سیاسی، و اقتصادی حمایت می‌کردند. آنان در مجلس در اقلیت بودند. هرچند شخصیت‌های به‌نام تاثیرگذاری از سه تشکل کمیته انقلابی، مجمع آدمیت و گنج فنون در میان‌شان به چشم می‌خورد. اکثریت مجلس یکم را معتدلین با رهبری محمدعلی شالفرش و حاج امین‌الضرب تشکیل می‌دادند که از سوی سید محمد طباطبایی و سید عبدالله بهبهانی پشتیبانی می‌شدند.



کارنامه مجلس اول

مصوبات نخستین مجلس قانون‌گذاری کشور در مدت فعالیت آن به این قرار است:

- نظام‌نامه داخلی دارالشورای ایران در ۹۰ ماده (۲۵ مهرماه ۱۲۸۵)
- نظام‌نامه اساسی مشتمل بر ۵۱ ماده (۲۸ آذرماه ۱۲۸۵)
- متمم قانون اساسی در ۱۰۷ ماده (۱۴ مهرماه ۱۲۸۶)
- قانون انجمن‌های ایالتی و ولایتی در ۱۲۲ ماده (خرده‌ماه ۱۲۸۶)
- قانون بلدیة در ۱۰۸ ماده (۱۱ خردماه ۱۲۸۶)
- قانون مطبوعات در ۵۲ ماده (۱۸ بهمن‌ماه ۱۲۸۶)
- قوانین وزارت داخله (تشکیل ایالات و ولایات و دستورالعمل حکام) در ۴۳۲ ماده (۱۷ آذرماه ۱۲۸۶)
- قانون وظایف یا مستمریات شامل ۱۰ ماده (۱ اردیبهشت‌ماه ۱۲۸۷)
- قانون ممیزی علمی و اجرای آن (۱۲۸۶)
- قانون انجمن‌های تجارتنی (۱۲۸۷)
- قانون رشوه و مجازات آن
- قانون تعیین مقرری دربار سلطنتی
- قانون عدلیه که ناتمام ماند
- ترتیب بودجه و تعیین مخارج ادارات
- مهم‌ترین موضوعاتی که در مجلس یکم مورد مذاکره قرار گرفته است:
- رسیدگی به موضوع دختران قوچان و بازپرسی از عبدالوهاب آصف‌الدوله

همایون مارا حافظ حقوق قاطبه اهالی ایران و رعایای صدیق خودمان قرار داده لہذا در این موقع که رای و اراده همایون ما بدان تعلق گرفت که برای رفاهیت و امنیت قاطبه اهالی ایران و تشدید و تأیید مبانی دولت اصلاحات مقتضیه به مرور در دوایر دولتی و مملکتی به موقع اجرا گذارده شود چنان مصمم شدیم که مجلس شورای ملی از منتخبین شاهزادگان و علما و قاجاریه و اعیان و اشراف و ملاکین و تجار و اصناف به انتخاب طبقات مرقومه در دارالخلافت طهران تشکیل و تنظیم شود که در مهم امور دولتی و مملکتی و مصالح عامه مشاوره و مذاقه لازمه را به عمل آورده و به هیئت وزرای دولتنخواه ما در اصلاحاتی که برای سعادت و خوشبختی ایران خواهد شد اعانت و کمک لازم را بنماید و در کمال امنیت و اطمینان عقاید خود را در خیر دولت و ملت و مصالح عامه و احتیاجات قاطبه اهالی مملکت به توسط شخص اول دولت به عرض برساند که به صحنه همایونی موشح و به موقع اجرا گذارده شود بدیهی است که به موجب این دستخط مبارک نظام نامه و ترتیبات این مجلس و اسباب و لوازم تشکیل آن را موافق تصویب و امضای منتخبین از این تاریخ مرتب و مهیا خواهد نمود که به صحنه ملوکانه رسیده و بعون الله تعالی مجلس شورای مرقوم که نگهبان عدل ماست افتتاح و به اصلاحات لازمه امور مملکت و اجرا قوانین شرع مقدس شروع نماید و نیز مقرر می‌داریم که سواد دستخط مبارک را اعلان و منتشر نمایم تا قاطبه اهالی از نیات حسنه ما که تماماً راجع به ترقی دولت و ملت ایران است کما ینبغی مطلع و مرفه الحال مشغول دعاگویی دوام این دولت و این نعمت بی‌زوال باشند

در قصر صاحبقرانیه به تاریخ ۱۴ شهر جمادی الثانی ۱۳۳۴ هجری در سال یازدهم سلطنت ما



انتخابات دوره‌ی یکم مجلس شورای ملی

دوره نخست مجلس شورای ملی ایران از روز ۱۴ مهر ۱۲۸۵ خورشیدی گشایش یافت و تا روز به توپ بسته شدن آن توسط نیروهای روس در دوم تیرماه ۱۲۸۷ ادامه یافت.

بنابر نظام‌نامه انتخابات یکمین دوره مجلس شورای ملی، انتخابات به صورت تقسیم بندی کشور در قالب حوزه‌های انتخابیه، بلکه بر اساس جایگاه‌های اجتماعی-طبقاتی انجام شد. به این ترتیب شش گروه حق انتخاب شدن داشتند:

- ۱- شاهزادگان و درباریان
 - ۲- روحانیان و طلبه‌ها
 - ۳- اشراف و اعیان
 - ۴- تاجران که مکان مشخصی برای کسب داشته باشند
 - ۵- زمین‌داران و ملاکینی که زمین‌های آنان دست کم ۱۰۰۰ تومان بیارزد
 - ۶- استادکاران مغازه‌دار (اصناف)
- همچنین همه‌ی مردم هم حق رای دادن نداشتند. و شش گروه نیز حق انتخاب کردن داشتند:
- ۱- شاهزادگان و درباریان



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۶۰

۲۳ فروردین ماه سال ۱۴۰۲



هفته‌نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۶۰

۲۳ فروردین ماه سال ۱۴۰۲

— برکناری مسعود میرزا ظل السلطان از حکمرانی اصفهان
— تأسیس کمیسیون اصلاح بودجه دولت جهت برطرف شدن کسری بودجه دولت
— واریز «تفاوت عمل» (اختلاف بین مالیات وصول شده و مالیات قانونی) به خزانه دولت به جای درآمد حکمران
— برانداختن «تبیل» و واریز همه مالیات‌ها به حساب دولت
— برانداختن تسعیر (اصطلاحی در فقه اسلامی به معنای معین کردن نرخ بر کالا و الزام فروشنده به رعایت آن. بدیهی است که این تعیین نرخ باید از سوی کسی انجام گیرد که دارای اختیارات حکومتی است. فقیهان همه مذاهب اسلامی با استناد به ادله لزوم رضایت داشتن در معاملات و قاعده تسلیط و ادله حرمت ظلم و نیز روایات بازدارنده از تسعیر، آن را حرام دانسته‌اند.)

مجلس فواید عامه همدان

معرفی و شناسایی اولین ها، به سبب ماندگاری در تاریخ اهمیت بسیار زیادی دارد. اگر اولین شهرداری را به نام تبریز بدانیم، بی شک اولین شورای شهر متعلق به همدان است. همدانی که به واسطه حضور علی خان ظهیرالدوله از خاندان سرشناس قاجار و فرزند ناصر خان ظهیرالدوله به جریان مشروطه خواهی ایرانیان پیوست. این مجلس که همزمان با صدور فرمان مشروطیت توسط مظفرالدین شاه در ۱۳۲۴ قمری تأسیس شد، متشکل از ۵۳ نفر از نمایندگان اصناف، تجار، ارامنه و یهودیان همدان بود که در آن به بیان مشکلات شهری و ارائه راهکار جهت حل آن می پرداختند. در همین راستا اولین صندوق شکایات هم توسط این حاکم آزادخواه در مجلس فواید عامه همدان راه اندازی شد. علی خان ظهیرالدوله در زمره معدود حکمرانان خوش نام همدان بوده که در طول دوران تصدی گری خویش بر این شهر تاریخی آثار درخشانی در مدیریت شهری و ترویج مشی آزادخواهی در شهر داشته است. این حاکم خوش ذوق که خود نوازنده پیانو، تار و ویلون بود و در سفر مظفرالدین شاه به فرانسه وی را همراهی کرده و به اجرای موسیقی پرداخته بود، در ابتدا از مریدان صفی علیشاه و سپس جانشین ایشان شد و همین روحیه درویشی گری را در حکمرانی اش جاری کرد. به گونه ای که مورد احترام مردمان همدان و حتی شخص ناصرالدین شاه بود؛ تا حدی که دختر ایشان، تومان الدوله ملقب به فروغ السلطنه را به همسری علی خان برگزید. این سیاستمدار رفورمیست به تأسیس انجمن اخوت پرداخت. انجمنی که تلفیقی از فرماسونری و صوفی گری بود. اخوت در دوران مشروطه و پسا مشروطه نقش مهمی در جذب سیاستمداران مختلف و هنرمندان نامی داشت. به گونه ای که در برگزاری بسیاری از رویدادهای هنری همواره نانی از انجمن اخوت بود. مشی آزادخواهی حاکم همدان به قدری محرز بود که در قضیه به توپ بستن مجلس، منزل شخصی ایشان نیز مورد حمله توپ مظفرالدین شاه قرار گرفت. پس از مرگ صفاعلی ظهیرالدوله که پس از مرگ صفی علیشاه با این لقب خطاب می شد، به خواست ایشان در باغ خوش آب و هوایی در شمیرانات به خاک سپرده شد که بعدها به گورستان ظهیرالدوله موسوم شد. به دلیل علاقه هنرمندان و از طرفی معروفیت حاکم آزادی خواه، این گورستان به یکی از معروفترین آرامگاه های ابدی هنرمندانی چون قمرالملوک وزیری، فروغ فرخزاد، داریوش رفیعی، ملک الشعرای بهار، رهی معیری و تبدیل شد.



دختران قوچان

حکایت دختران قوچان بخشی از خاطرات از یاد رفته انقلاب مشروطه می باشد. فروش دختران قوچانی به ترکمانان و ارامنه عشق آباد در بهار ۱۳۲۳ ه.ق در دوران حکومت آصف الدوله رخ داد. در حالی که فقر بر رعیت و ظلم حکومت و حتی دختر فروشی بی سابقه نبود اما شرایط سیاسی زمان وقوع، این حادثه را به داستان های مهم تظلم ملت علیه دولت تبدیل کرد. این داستان به طرق گوناگون در محافل مختلف از جمله: منبرها، شبنامه ها، رساله های «سوال و جواب» و مناظرات و کاریکاتورها و تصنیف های سیاسی به صورت شعر و طنز و طرح بازگو شد. اهمیت ملی این داستان چنان بود که از نخستین ماه های تشکیل مجلس اول، رسیدگی به ماجرای دختران قوچان یکی از موارد تظلم خواهی ملت علیه استبداد کهن و یکی از راه های آفرینش قدرت ملی است.



بحث دو حزب اصلی شکل گرفته در مجلس اول، در شماره های بعدی این نوشتار بطور مفصل بررسی خواهد شد. اما قبل از آن بهتر است نگاهی بیاندازیم به مشهورترین نشریه زمان انقلاب مشروطه.

کمیته انقلابی و روزنامه صور اسرافیل

یکی از مؤثرترین نشریه های دوره قاجاریه و عصر مشروطه هفته نامه صور اسرافیل بود، این نشریه، ابتدا با مدیریت میرزا جهانگیرخان شیرازی و سرمایه میرزا قاسم خان تبریزی و سردبیری میرزا علی اکبرخان قزوینی (دهخدا) تهیه و منتشر می شد. هفته نامه صور اسرافیل مشروعه خواهی و مشروعه خواهان از مخالفان مشروعه خواهی و مشروعه خواهان بود. بی پروایی و نقد اعتقادات عامه از زبان سرخ صور اسرافیل، سر سبز را بر باد داد و دهخدا را به خارج از کشور فراری داد. پس از کشته شدن میرزا جهانگیرخان، نشر سه شماره آخر نشریه بر دوش دهخدا افتاد و به همت وی در خارج از کشور منتشر شد. دهخدا نویسنده اصلی صور اسرافیل بوده است. صور اسرافیل مخالف مشروعه خواهی و مشروعه خواهان بود و در مقابل مورد توجه اغلب مشروطه طلبان بود.

میرزا جهانگیرخان شیرازی پسر آقا جبعلی، مدیر روزنامه «صور اسرافیل» به خاطر نام روزنامه اش به صور اسرافیل معروف شد. وی در سال ۱۳۹۲ قمری، در خانواده فقیری در شهر شیراز زاده شد. در اوان کودکی، پدرش در گذشت و عمه وی سرپرستی او را بر عهده گرفت. پنج ساله بود که با عمه و جده خود به تهران آمد. چهارده ساله بود که به شیراز بازگشت و در آنجا به تحصیل پرداخت. مقدمات ادبیات و منطق و ریاضی را نزد اساتید زمان فرا گرفت. و در سال ۱۳۱۱ ق، با عمه خود به تهران رفت و در دارالفنون و دیگر مدارس عالییه تهران به تحصیل علوم و فنون جدید پرداخت. در این هنگام بود که نهضت مشروطه خواهی آغاز شده بود. در انجمن های سری و مجامع خفایی ایرانیان راه یافت. میرزا جهانگیرخان به همداستانی دهخدا و قاسم خان روزنامه ای موسوم به صور اسرافیل ایجاد کرد. روزنامه صور اسرافیل به مشکلاتی دچار شد؛ چندین بار نویسنده او را تکفیر کردند و چند بار



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۶۰

۲۳ فروردین ماه سال ۱۴۰۲

نقدهای اجتماعی صوراسرافیل مخالفان بسیاری یافت و تلاش می شد تا با ضد مذهب و ضد دین دانستن نشریه جلوی انتقادات از سلطنت نیز گرفته شود. از آن جمله عین السلطنه می نویسد:

این میرزا جهانگیر شیرازی یکی از آن لامذهب ها... یا از مذهب بد می نویسد و یا از علما یا از شاه و محترمین... بعد از هزار و سیصد سال دنبال مذهب افتاده و می خواهند مذهب تازه ای برای مادرست کنند.

علی اکبر دخو، معروف به دهخدا فرزند خان باباخان در ۱۲۵۸ ش متولد شد. وی تحصیلاتش را در مدرسه سیاسی تهران تمام کرد و مدتی نزد میرزا ابراهیم خان معاون الدوله کاشی به سر برد و به همراه او عازم بالکان شد و گویا و از آنجا به عنوان منشی گری معاون الدوله به رم و سپس به بادکوبه رفت. بعد از چند ماه به رشت مسافرت کرد. چون این مسافرت او (سال ۱۳۲۳ ق) مصادف با نهضت مشروطه و به تعبیر درست تر، مقارن با نهضت عدالتخانه گردید، او نیز به تهران آمد و در سال ۱۳۲۵ ق به کمک میرزا جهانگیرخان صوراسرافیل و خویش او، میرزا قاسم خان صوراسرافیل، روزنامه صوراسرافیل را تأسیس کرد. پس از انحلال مجلس، دهخدا و جمعی دیگر از دوستانش به سفارت انگلیس رفتند و جان سلامت به در بردند و روانه اروپا شدند. وی در ایوردون سوئیس، مدتی به نشر همان روزنامه پیش گفته پرداخت، به گونه ای که برون انگلیسی از او تمجید کرد. درباره دهخدا گفته اند که «از جمله نجات یافتگان سفارت انگلیس بود. پس از فتح تهران در سال ۱۳۲۷ ق به تهران آمد و در دوره دوم، وکیل کرمان شد. دهخدا در هشتم اسفند ۱۳۳۶ در ۷۶ سالگی در تهران، در گذشت. پس از کشته شدن میرزا جهانگیرخان، مجدداً انتشار این نشریه به وسیله علی اکبر دهخدا در شهر ایوردون از بلاد سوئیس ادامه یافت. ابراهیم صفایی ذیل عنوان «تندروی مخالفان» می نویسد: دهخدا با امضاهای مستعار در روزنامه صوراسرافیل، حملات زنده و ناروایی به شاه می نمود.

دهخدا در نخستین شماره روزنامه اش از ایوردون در ستون «چرند پرند» می نویسد: الان در دست پنجاه و پنج روز و پنج ساعت و پنج دقیقه بود که من [به جهت] بعضی ملاحظات چرند پرند ننوشته بودم؛ یعنی این عادت یکسال و نیم خود را ترک کرده بودم و چنان که همه ایرانی ها می دانند ترک عادت هم موجب مرض است. یعنی همان طور که یکصد و هشتاد هزار نفر اهل رشت اگر همیشه زیر دست چهارده پانزده نفر فراش و پیشخدمت و مش و مال چی و آفتابه لگن گذار حکومت نباشند، ناخوش می شوند... همان طور که خاقان مغفور فتحعلی شاه روزی دو ساعت... ناخوش می شد و همان طور که اگر مهد علیا مادر ناصرالدین شاه شب ها... ناخوش می شد. و همان طور که ام خاقان زن حاج نصیر السلطنه اگر شب ها با محمدعلیشاه ملاقات نمی کرد ناخوش می شد و همان طور که محمدعلی میرزا اگر در سال اول سلطنت هر روز عمه [!؟] خود تاج السلطنه را نمی دید ناخوش می شد و همان طور که اعلی حضرت... و همان طور... نزدیک بود من هم ناخوش بشوم... و من بعد از پنج ماه و پنج روز و پنج ساعت و پنج دقیقه انتظار داغ دلی از چرند پرند بگیرم... همان طور که گاو وزیر داخله، وزیر داخله گاو هاست.

صفایی همچنین می نویسد: دهخدا در طهران سردبیر و نویسنده مقالات اساسی صوراسرافیل بود و بی پروایی های او، میرزا جهانگیرخان را به کشتن داد و خود از معر که گریخت. دهخدا نوشته است:

من آن وقت ها همین حرف ها را می خواندم و بهمان اعتقاد قدیمی ها که خیال می کردند هر چه توی کتاب نوشته صحیح است، من هم گمان می کردم این حرف هم صحیح است، اما الان که کمی چشم و گوشم وا شده، حالا که سر و گوشم قدری می جنب و حالا که سری توی سرها داخل کرده ام می بینم که بیشتر از آن حرف هایی که توی کتاب نوشته اند پر پای قرصی ندارد. بیشتر

بساط روزنامه نویسی اش را فرو پیچیدند. سپس آنان را به باغ شاه بردند و روز چهارشنبه ۳ تیر ۲۴ جمادی الاولی ۱۳۲۶ او را خفه کردند.

میرزا جهانگیرخان شیرازی و فامیل او، میرزا قاسم خان صوراسرافیل و چند نفر دیگر، عضو کمیته انقلاب و از اعضای اجتماعین عامیون و عضو هیئت مدهشه بودند که سه جوقه چهار نفری برای ترور تشکیل داده و زیر نظر حیدر عموغلی کار می کردند. صوراسرافیل بنا به قول ملک زاده، عضو کمیته انقلاب (ترور) به تعبیر خود حیدرخان، «حزب اجتماعین عامیون تهران» بود. از ترورهای میرزا جهانگیرخان صوراسرافیل می توان به ترور نافر جام امین السلطان اشاره کرد.

نویسندگان صوراسرافیل چندین بار تکفیر شدند. برای مثال آیت الله طباطبایی به آیت الله بهبهانی می گوید: «آقا شما مقاله صوراسرافیل را خوانده اید؟ بهبهانی با خونسردی جواب می دهد: بلی. طباطبایی با عصبانیت می گوید: نویسندگان این مقاله کافرند و به اسلام توهین کرده اند و واجب القتل اند». بعد از تنبیه آن روزنامه نگار و توقیف روزنامه اش، وزیر علوم در ۲۰ جمادی الثانی توپخ آنان را به عموم مطبعه ها اعلام کرد.

عین السلطنه، برادر زاده ناصرالدین شاه - در مورد میرزا جهانگیرخان صوراسرافیل و نشریه اش نوشته است:

نشریه صور، دست از یقه شریعت بر نمی دارد... این میرزا جهانگیری شیرازی یکی از آن لامذهب ها است، لاشی محض. تا به حال دو بار روزنامه اش توقیف، سه مرتبه محاکمه شده. این توقیف و محاکمه هم مثل چوب خوردن و تبعید کردن های سابق باعث ترقی او شده... بالاخره موقوف یا توقیف ابدی خواهد شد. یا از مذهب بد می نویسد و یا از علما یا از شاه و محترمین... از جمعی شنیدم که میرزا جهانگیر گفته: پنج - شش نسخه روزنامه آنچه میل دارم، دلم می خواهد و آرزوی خودم هست نوشته، یک مرتبه چاپ و نشر می کنم و خودم هم مخفی می شوم. حالا هم باید منتظر آنها بود. اول کاری که روزنامه ها کردند بعد از هزار و سیصد سال، دنبال مذهب افتاده و می خواهند مذهب تازه برای ما درست کنند. مثل اینکه همه چیز درست شده، فقط این یک کار ناقص مانده است.

عین السلطنه در سال ۱۳۲۶ ق نیز می نویسد: چهارشنبه ۲۴ جمادی الاولی، صبح به اتفاق حاجی افخم الدوله باغ شاه رفتیم. لدی الورود مسموم شد که ملک المتکلمین بهشتی و میرزا جهانگیر مدیر صوراسرافیل را طناب انداختند. آن یکی واصل به جهنم، دیگری هم بی او انتظار نفخ صور را باید بکشد. این است سزا و جزای کسی که از خدا گرفته تا تمام انبیا و رسل را بد بگوید و هزارها بیت در کهنه پرستی و دین و مذهب و تربت حضرت سیدالشهدا مضمون و ناسزا کتابت کند. خدا منتقم حقیقی است و دست بردار نیست. برای سی و دو عدد روزنامه خودش را به کشتن داد. اما ملک پولی جمع کرد، افسوس که لذتی از آن نبرد. این دو نفر اگر چه بابی ازلی بودند؛ اما عقیده بیشتر مردم در لامذهبی آنهاست... خداوند، همه را از سوء اعمال خود حفظ فرماید.

فریدون آدمیت صوراسرافیل را متأثر از تألیفات میرزا آقاخان کرمانی می داند و می نویسد:

شاید عنوان این جزوه بار رساله در تکالیف ملت نوشته میرزا آقاخان کرمانی بی ارتباط ندانست. می دانیم که میرزا جهانگیرخان نویسنده صوراسرافیل با آثار میرزا آقاخان خوب آشنا بوده و متأثر از او است. مقدمه ای هم بر رساله مورد بحث نگاشته شده، رنگ تفکر میرزا آقاخان را دارد، گرچه مقدمه از متن اصل رساله جداست. از سوی دیگر، مضمون رساله میرزا آقاخان به اعتراف خودش انقلابی بوده، حال آنکه رساله حقوق و وظایف ملت، آهنگ انقلابی ندارد... به نظر ما موضوع رساله با سلسله مقالاتی که به امضای «م.ا.د» (علی اکبر دهخدا) در روزنامه صوراسرافیل منتشر شده دقیقاً جور می آید.



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۶۰

۲۳ فروردین ماه سال ۱۴۰۲

آن مطالب هم که ما قدیمی‌ها محض همین که توی کتاب نوشته شده ثابت و مدلل می‌دانستیم پاش به جایی بند نیست.

میرزا قاسم خان صور اسرافیل پسر میرزا حسن خان، معروف به تبریزی (گویا اصالتاً از فارس) بوده است. در ابتدا در دوره مظفرالدین شاه، پیشکار امین حضرت تبریزی در امورات بناخانه بود. در دوره مشروطیت به سرمایه او روزنامه صور اسرافیل تأسیس و او جزء مشروطه طلبان گردید و وکیل و وزیر گشت و مدافع رضاخان و مخالف مدرس شد.

اسماعیل راین در باره دست داشتن میرزا قاسم خان در کمیته ترور و تأسیس گروه ضربت می‌نویسد:

یکی از مأموریت‌های مأمور اعزامی (از مرکز حزب در بادکوبه) این بود که او بتواند تصمیمات مهم کمیته مرکزی را از بادکوبه به تهران برساند و به شعبه حزب در تهران تسلیم کند و راه‌های اجرای خط مشی اصلی را در وضع پیدا شده به آنان بفهماند... برای انتخاب چنین مأموریت مهم و خطرناک، من به ابتکار خود پدرم، میرزا علی اکبر افشار را پیشنهاد کردم. پیرمرد با کمال میل و داوطلبانه، آن مسافرت خطرناک را پذیرفت. علاوه بر آن، او موفق شد همراه انقلابی معروف ایران، میرزا قاسم خان صور اسرافیل که از اعضای کمیته حزب سوسیال دموکرات بود، گروه ضربت را تشکیل دهد. این گروه برای محمدعلی شاه آماده می‌شد. برای اینکه کار گروه ضربت سریع و مطمئن به نتیجه برسد، پدرم با کمک کمیته انقلاب یک کالسکه مجلل و دو رأس اسب قشنگ یورگه به رنگ خاکستری خالدار خریداری کرد و... متأسفانه در سازمان سری گروه ضربت، خائنی به نام نورالدین مانع اجرای فکر ترور شد.

نشریه صور اسرافیل به شکل هفته نامه در ۳۵ شماره منتشر شد که ۳۲ شماره آن در تهران پخش شد. شماره نخست در ۱۷ ربیع الاول ۱۳۲۵ و آخرین شماره‌اش در شنبه ۲۰ جمادی الاولی ۱۳۲۶، یعنی سه روز قبل از کشته شدن میرزا جهانگیر خان توزیع شد. سه شماره دیگر نشریه نیز در شهر ایوردون سوئیس از اول محرم ۱۳۲۷ تا ۱۵ صفر همان سال انتشار یافت. تنها به کوشش علی اکبر دخو (دهخدا) و سرمایه مالی معاضد السلطنه پیرنیا تهیه شد و انتشار یافت. لوگوی معروف هفته نامه نقاشی از فرشته‌ای است که به شکل آدمی با دو بال شیپوری بر دهان دارد که در آن دمیده و بر روی امواج صدای آن، شعارهای گردانندگان هفته نامه، نقش بسته است؛ یعنی «حریت»، «مساوات» و «اخوت». بر صدر صفحه آن آیه ۵۱ سوره یس نقش بسته که کلمه صور در آن است. و ذیل تصویرها و آغاز نوشتارش، بخشی از آیه ۱۰۱ مؤمنون که باز کلمه صور در آن هست. تمامی ۳۵ شماره نشریه فرمت ثابت هر کدام هشت برگ پشت و رو و شانزده صفحه دارد.

در پی حکم تکفیر آیت الله طباطبایی، میرزا قاسم خان صور اسرافیل بعد از توقیف و رفع آن، نامه‌ای به مرحوم طباطبایی نوشت تا خود و همکارانش را تبرئه کند. سید عبدالله بهبهانی در ۲۶ جمادی الاولی ۱۳۲۵ ق طی نامه‌ای به مخبر السلطنه، وزیر علوم، خواستار توقیف روزنامه و تنبیه مدیر آن گردید:

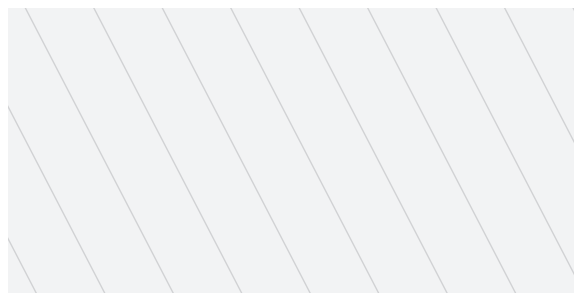
امروز جمعی از اهل علم و غیره، جریده صور اسرافیل را ارائه به داعی کرده و بعضی امور غیر لایقه در آن درج بود، دیدم. علاوه بر اینکه حقیقتاً درج این گونه مطالب در روزنامه و نشر آن، با لوازم اسلامیت سازش ندارد. گمان دارم این مطالب به همین زودی موجب فساد عظیمی در دارالخلافه و سایر بلاد شود. آخر خودتان ملاحظه بفرمایید که اگر بنا باشد در روزنامه [ای] که در پایتخت اسلام طبع می‌شود، صریحاً نوشته شود که هزار و سیصد سال کسی پیدا نشده است که در مقابل نصارا سخن

حسابی بگویند... دیگر برای اسلام چه باقی می‌ماند؟! و این چنین تعرض به علمای اعلام به طوری که موجب توهین [به] نوع است و به تمام اهل علم بر می‌خورد...؛ جدا از جناب اجل عالی می‌خواهم که فوراً این روزنامه توقیف، و مدیر آن را هر کس است به سیاست لازم، تنبیه بفرمایید. خیلی فوری این اقدام را فرموده و داعی را مستحضر دارید.



جمعیت اجتماعیون اتحادیون ایران

میرزا علی اکبر خان دهخدا روزنامه نگاری به سبک صور اسرافیل را پی نگرفت، حتی ناسزاها را که در روزنامه‌ها علیه او نوشته می‌شد پاسخ نمی‌داد. او در دوره مشروطه دوم به حزب اعتدالیون پیوست، ولی پس از مدتی از آن منشعب شد و جمعیتی به نام اجتماعیون اتحادیون ایران که به نام سوسیالیست اونیقه نیز گفته می‌شد را بنا گذاشت. همان طور که از عنوان جمعیت مشخص است مرام سیاسی این حزب کوچک سوسیالیسم بود و به زودی منحل شد.





رویدادهای منتخب جهان



جهان در هفته‌ای که گذشت

روسیه: به استقرار تسلیحات هسته‌ای آمریکا در اروپا پاسخ مناسب خواهیم داد



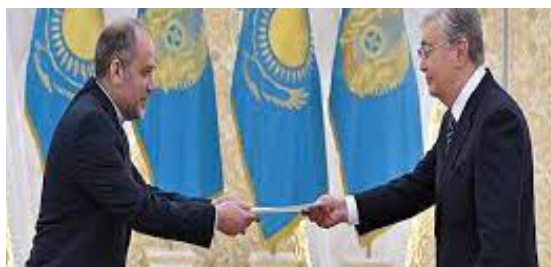
دمیتری پسکوف سخنگوی کرملین، نگرانی مسکو را در مورد تسلیحات هسته‌ای آمریکا در اروپا ابراز کرد و گفت که روسیه به هر گونه استقرار بیشتر این سلاح‌ها در اروپا واکنش مناسب نشان خواهد داد. پسکوف طی یک مصاحبه مطبوعاتی به این سؤال که آیا مسکو نگران استقرار تسلیحات هسته‌ای واشنگتن در پایگاه‌های اروپا است، پاسخ مثبت داد: بله، این درست است. وی در پاسخ به سؤال دیگری در مورد ماهیت واکنش روسیه گفت: به شیوه‌ای مناسب.

رایزنی پادشاه بحرین با مدیر سیا



حمد بن عیسی آل خلیفه، پادشاه بحرین با ویلیام برنز، مدیر سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا) دیدار و درباره روابط بین دو کشور و سطح همکاری در زمینه‌های مختلف رایزنی کرد. به گزارش الخلیج آنلاین، دو طرف روابط بحرین و آمریکا و راه‌های همکاری موجود را بررسی کردند. پادشاه بحرین نسبت به سطح روابط تاریخی و همکاری امنیتی مشترک بین دو کشور ابراز افتخار کرد. حمد بن عیسی، نقش محوری مؤثر دولت امریکادر تثبیت پایه‌های امنیت وثبات و تقویت صلح منطقه‌ای و بین‌المللی را تحسین کرد. بحرین و آمریکا روابط مستحکمی دارند و منامه میزبان ناوگان پنجم آمریکا در سواحل بحرین است. ارتش دو کشور رزمایش‌ها و تمرین‌های مشترکی را همواره برگزار می‌کنند.

تسلیم استوارنامه سفیر ایران به رئیس جمهور قزاقستان



به گزارش ایلنا به نقل از سفارت کشورمان در قزاقستان، در این مراسم که با تشریفات ویژه برگزار شد، رئیس جمهور قزاقستان، آغاز مأموریت رسمی در قزاقستان را به دیپلمات‌ها تبریک گفت و بر حمایت دولت قزاقستان در انجام وظایف رسمی از سفرای جدید تأکید کرد. رئیس جمهور قزاقستان تأکید کرد که قزاقستان شریک استراتژیک کشورهایشان در همه زمینه‌ها از جمله تعاملات سیاسی و اقتصادی است. او گفت: قزاقستان برای همکاری‌های بین‌المللی آمادگی دارد. توکایف در خاتمه برای سفر در آینده آرزوی موفقیت کرد و درودهای صمیمانه را به سران کشورهایشان ابلاغ کرد. علاوه بر سفیر کشورمان، سفرای کشورهای ترکیه، مالزی و عربستان نیز در این مراسم استوارنامه خود را به رئیس جمهور قزاقستان تقدیم کردند.

حملات جدید رژیم صهیونیستی به غزه



به گزارش ایسنا، به نقل از الجزیره، در پی حملات موشکی پنجشنبه به شمال سرزمین‌های اشغالی که از لبنان صورت گرفت، کابینه امنیتی رژیم صهیونیستی تشکیل جلسه داد و بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی اعلام کرد این رژیم به حملات صورت گرفته پاسخ می‌دهد. در پی این رویدادها گزارش شده این رژیم حملات تازه‌ای را علیه مراکز حماس در نوار غزه آغاز کرده که مسئول شلیک راکت‌ها به شمال فلسطین اشغالی در روز پنجشنبه معرفی شده است. به گزارش رسانه‌ها شمال تا جنوب نوار غزه آماج حملات هوایی صهیونیست‌ها قرار گرفته است و گروه‌های فلسطینی نیز به شلیک موشک‌های ضد هوایی پرداخته‌اند.



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۶۰

۲۳ فروردین ماه سال ۱۴۰۲

اعلام کرد که عبدالفتاح سیسی، رئیس جمهوری مصر با محمد بن سلمان، ولیعهد عربستان سعودی دیدار کرد. طبق این گزارش، این دیدار هنگام سحر و با حضور عباس کامل، رئیس دستگاه اطلاعات مصر انجام شد. واس گزارش داد که سیسی و بن سلمان در این دیدار درباره روابط دوجانبه و توسعه آن در زمینه‌های مختلف رایزنی کردند. طبق این گزارش، دو طرف همچنین اوضاع و آخرین تحولات منطقه و جهان را مورد بررسی قرار دادند. سفر سیسی به عربستان چند ساعته بود.

سعد حریری به تجاوز جنسی به دو مهماندار هواپیما متهم شد



دو مهماندار هواپیما اعلام کردند که در معرض تجاوزات جنسی مکرر از سوی نخست وزیر سابق لبنان در هواپیمای خصوصی‌اش قرار گرفتند. طبق شکایتی که ۲۰ مارس در دادگاه فدرال نیویورک ارائه شد، سعد حریری که دارای خالص اودر سال ۲۰۱۸ توسط مجله فوربس ۱.۷ میلیارد دلار گزارش شده بود، این دو زن را مورد آزار و اذیت فیزیکی قرار داده و به زور به یکی از آن‌ها چندین بار در طول پرواز تجاوز کرد. در آن زمان حریری و همراهانش تحت تأثیر الکل و مواد مخدر بودند.

آمریکا خواستار آزادی یک روزنامه نگار زندانی در روسیه شد



وزیر امور خارجه آمریکا، آنتونی بلینکن در توییت خود اعلام کرد: «با سرگئی لاوروف صحبت کرده و نگرانی شدید خود را نسبت به بازداشت غیرقابل قبول یک روزنامه‌نگار شهروند آمریکایی از سوی روسیه ابراز کرده است.» او گفت: «همچنین خواستار آزادی یک آمریکایی زندانی دیگر به نام پل ویلان شده است. وزارت خارجه روسیه نیز در بیانیه‌ای اعلام داشت که وزیر امور خارجه ایالات متحده آمریکا این تماس تلفنی را آغاز کرده است. (یکشنبه) در یک تماس تلفنی نادر با همتای روسی خود خواستار آزادی «ایوان گرشکویچ» خبرنگار دستگیر شده‌وال استریت ژورنال در مسکو شد.

انفجار بمب در مسیر یک خودروی غیرنظامی در شمال اربیل



یک منبع محلی از انفجار یک بمب در مسیر یک خودروی غیرنظامی در ناحیه سیدکان در منطقه مستقل سوران در شمال اربیل خبر داد. به گزارش شفق نیوز، این حادثه منجر به مجروح شدن دو زن علاوه بر یک مرد شد که به بیمارستان منتقل شدند. بر اساس اطلاعات دریافتی، این بمب توسط عناصر حزب کارگران کردستان (پ.ک.ک) که در آن منطقه فعالیت می‌کنند، کار گذاشته شده بود.

ورود خودروهای زرهی پیشرفته آمریکا به سوریه



به گزارش سانا خبرگزاری رسمی سوریه اعلام کرد، اشغالگران آمریکایی ده‌ها دستگاه خودروی نظامی و کامیون‌های کانتینری را از شمال عراق از طریق گذرگاه الولید در حومه حسکه وارد پایگاه‌های غیرقانونی در الجزیره سوریه کردند. به گزارش این رسانه رسمی سوریه، آنها یک ستون متشکل از ۶۰ دستگاه خودرو از جمله چند کامیون کانتینربر حامل سلاح و مهمات، چندین خودروی زرهی پیشرفته و ۴۰ تانکر برای سرقت نفت وارد خاک سوریه کردند. منابع آگاه به سانا خبر دادند: برخی از این سلاح‌ها و تجهیزات قرار است در اختیار نیروهای سوریه دموکراتیک (قسد) قرار بگیرد.

دیدار بن سلمان با رئیس جمهور مصر در جده



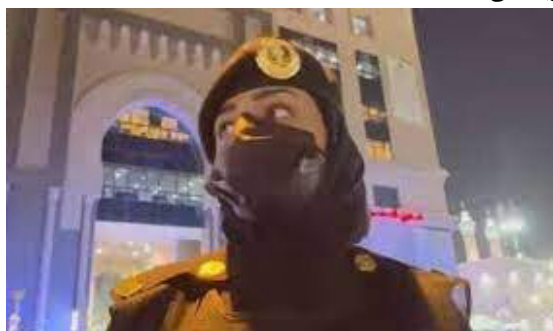
منابع رسانه‌ای از دیدار و گفت‌وگوی رئیس جمهوری مصر و ولیعهد عربستان سعودی در شهر جده خبر دادند. خبرگزاری واس در این باره

۲.۵ میلیارد دلار مازاد بودجه کویت



کویت به درآمدهای بی سابقه‌ای در ماه مارس گذشته دست یافته که منجر به ثبت مازاد بالایی در بودجه این کشور شده است. به گزارش «الخلیج آنلاین» روزنامه‌الرأی کویت اعلام کرد که این کشور به درآمدهای بی سابقه‌ای در ماه مارس گذشته دست یافته که منجر به ثبت مازاد بالایی در بودجه پایانی سالانه در مقایسه با ماه‌های دیگر سال گذشته شده است. این روزنامه به نقل از منابعی اعلام کرد که درآمدهای کویت در ماه مارس از ۱۰ میلیارد دلار عبور کرده و هزینه‌های این کشور نیز حدود ۷۵۵ میلیارد دلار بوده که با این حساب مازاد بودجه کویت به حدود ۲۵۵ میلیارد دلار رسیده است. این منابع افزودند که درآمدهای مالی دیگری نیز در بودجه کویت وجود دارد که مربوط به منابع غیرنفتی است. این مازاد بودجه کویت در ماه مارس، پس از ۵ ماه کسری یا برابری درآمدهای این کشور با هزینه‌های عمومی آن است. منابع مذکور تصریح کردند میانگین بیشترین مازادی که بودجه کویت در سال گذشته مالی ثبت کرده، بین ۶۵۰ تا ۹۸۰ میلیون دلار در گردش بوده، به عبارت دیگر مازاد بودجه ماه مارس ۳ برابر ماه‌های دیگر است.

حضور نیروهای امنیتی زن در مناسک حج برای اولین بار در عربستان



به گزارش ایلنا به نقل از الحره، بر اساس ویدئوی منتشر شده از سوی امنیت عمومی عربستان، گشت‌های امنیتی زنان برای اولین بار در عربستان سعودی در برگزاری موسم عمره در ماه رمضان شرکت کردند. در این ویدئو، نیروهای امنیتی زنان در حال همکاری با بقیه همکاران خود از بخش‌های وزارت کشور عربستان و سازماندهی صفوف زائران و نمازگزاران بودند. یکی از نیروهای امنیتی زنان به نام «حنان محمد» با ابراز احساس غرور و افتخار نسبت به این موضوع درباره نقش خود در برگزاری مراسم عمره

گفت که پیگیر وضعیت امنیتی و امور منفی است. اداره امنیت عمومی عربستان اعلام کرد که حضور نیروهای زن در ادامه یک سیستم امنیتی یکپارچه باهدف آسایش و امنیت زائران مسجدالحرام صورت گرفت.

شکست سخت نخست وزیر فنلاند در انتخابات پارلمانی



حزب سنا مارین، نخست وزیر فنلاند در انتخابات پارلمانی اخیر این کشور شکست سختی را تجربه کرده و حزب محافظه کار ائتلاف ملی به رهبری «پتری اورپو» پیروز این انتخابات شد. به گزارش گروه بین الملل خبرگزاری تسنیم، حزب محافظه کار ائتلاف ملی در انتخابات پارلمانی فنلاند برای اولین بار در دوازده سال گذشته به برتری رسید. علیرغم دستاوردهای سوسیال دموکرات ها تحت نخست وزیری سنا مارین، حزب وی در این انتخابات تنها پس از محافظه کاران و حزب راستگرای پوپولیست فنلاندی ها در رتبه سوم قرار گرفتند. در انتخابات پارلمانی روز یکشنبه در کشور فنلاند ائتلاف ملی با کسب ۲۰.۸ درصد آرای ۴۸ کرسی، حزب راست افراطی «فنلاندی‌ها» با کسب ۲۰.۱ درصد آرا ۴۶ کرسی و حزب چپ میانه سوسیال دموکرات وابسته به مارین با کسب ۱۹.۹ درصد آرا ۴۳ کرسی بدست آوردند. پارلمان فنلاند ۲۰۰ کرسی دارد که بیش از ۲۴۰۰ نامزد از ۲۲ حزب برای ورود به پارلمان در این انتخابات رقابت کردند. مارین شکست انتخاباتی را پذیرفت. او در سخنرانی خود در جمع هواداران گفت: به برنده انتخابات تبریک می گویم. دموکراسی صحبت کرده است. با توجه به نتیجه این انتخابات حالا پتری اورپو، رهبر حزب ائتلاف ملی، بیشترین شانس را دارد که نخست وزیر جدید فنلاند و در نتیجه جانشین مارین شود که از پایان سال ۲۰۱۹ در قدرت بوده است. با این حال، حداقل سه حزب برای اکثریت در پارلمان ۲۰۰ کرسی مورد نیاز است. مارین با یک ائتلاف پنج حزبی چپ میانه حکومت کرده است. به این ترتیب از آنجایی که هیچ یک از احزاب ۵۰ درصد آرا برای تشکیل دولت کسب نکرده اند حزب ائتلاف ملی باید با سایر احزاب ائتلاف کند. اورپو ۵۳ ساله پس از پیروزی حزبهش گفت: این یک پیروزی بزرگ است. ما مذاکره برای تشکیل دولت فنلاند را آغاز خواهیم کرد. وی می تواند برای تشکیل دولت با حزب فنلاندی ها یا سوسیال دموکرات ها وارد مذاکره شود اما با هر دو حزب اختلافات جدی دارد. مذاکرات ائتلاف احتمالا برای اورپو دشوار خواهد بود. حزب او در سیاست بودجه و بدهی ملی با سوسیال دموکرات ها و در نگرش آنها نسبت به مهاجرت و اتحادیه اروپا با پوپولیست های دست راستی اختلاف نظر دارد.



اخبار حزبی



اولین جلسه دفتر سیاسی در سال نوبر گزار شد



صد و هفتاد و پنجمین جلسه دفتر سیاسی با بررسی تحلیل اعضا از وقایع و حوادث سال ۱۴۰۱ روز ۱۶ فروردین برگزار شد. در این جلسه که با مدیریت شمس افزای زاده ریاست دفتر سیاسی برگزار می گردید، ابتدا اعضا اطلاعات و اخبار خود از مسائل یک ماه اخیر را برای استحضار سایرین ارائه کردند.

در ادامه شمس افزای زاده در رابطه با دیدار نوروزی خود با خانم فائزه هاشمی مطالبی را بیان نمودند و سپس اعضا تحلیل های خود از مجموعه اتفاقات سال ۱۴۰۱ در حوزه سیاست را بیان نمودند. در کنار این تحلیل هر کدام از اعضا پیش بینی روند فرایندهای سیاسی در سال ۱۴۰۲ را نیز مطرح می نمود.

افشین فرهانیچی قائم مقام دبیر کل تحلیل و پیش بینی مفصل تری را به طور مکتوب به دفتر سیاسی ارائه کرد تا بعد از تجمیع نظرات سایر اعضا دفتر سیاسی و انجام اصلاحات لازم در آن به عنوان مبنای کار در سال جاری قرار گیرد.



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

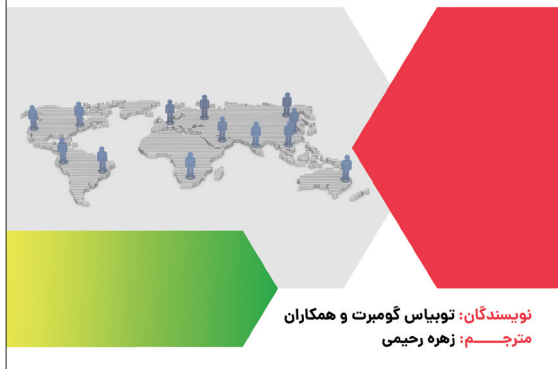
کتاب بنیان های سوسیال دموکراسی چاپ گردید

شماره ۶۰

۲۳ فروردین ماه سال ۱۴۰۲

خوانشی نوین: مردم سالاری اجتماعی

بنیان های مردم سالاری اجتماعی (سوسیال دموکراسی)



پنجمین جلد از مجموعه "خوانشی نوین: مردم سالاری اجتماعی" چاپ شد. این کتاب ۱۷۵ صفحه ای توسط زهره رحیمی از زبان انگلیسی ترجمه شده است و اصول بنیادین سوسیال دموکراسی را به طور مبسوط شرح و بسط می دهد.

کتاب حالت آموزشی دارد و شامل جداول و نمودارهای متعددی برای تفهیم موضوعات مختلف است. با توجه به سال انتشار کتاب اصلی (۲۰۱۷) منبعی بسیار به روز و مطمئن برای شناخت تئوری ها و نظریات مرتبط با سوسیال دموکراسی می باشد.

نسخه آلمانی و ترجمه انگلیسی این کتاب توسط بنیاد فردریش ایبرت آلمان منتشر شده است و تعدادی از برجسته ترین متفکرین حوزه سوسیال دموکراسی در تدوین این کتاب نقش داشته اند.



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۶۰

۲۳ فروردین ماه سال ۱۴۰۲

پیش نویس سند راهبردی حزب در حوزه سمن ها آماده شد



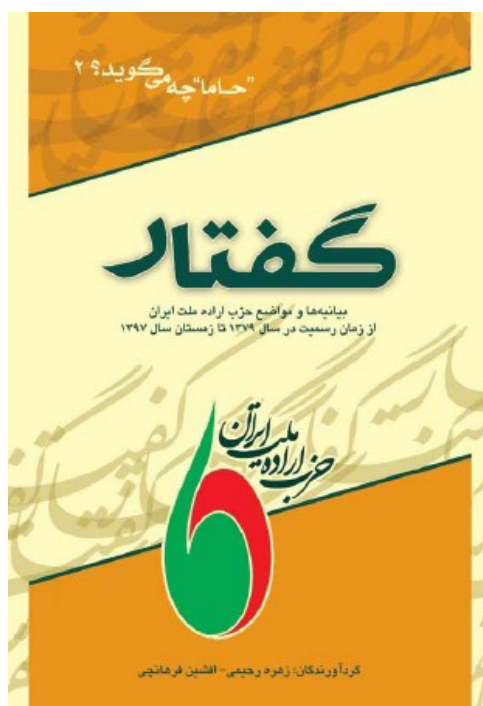
با همت کمیته آموزش و توانمندسازی حزب اراده ملت ایران، پیش نویس سند راهبردی حزب در حوزه سازمان های مردم نهاد (غیردولتی) آماده شد.

این پیش نویس شامل یک مقدمه و هفت بخش شامل ویژگی های سمن ها، موضوع فعالیت سازمان های مردم نهاد در ایران، نقش و کارکرد سمن ها، نگاهی به آمار و وضعیت سازمان های مردم نهاد، آسیب شناسی سازمان های مردم نهاد در ایران، پیشنهادها و توصیه هایی برای بهبود عملکرد سمن ها می باشد.

طبق روال فرایند تدوین اسناد حزبی، این پیش نویس ابتدا به نهادهای مؤثر حزبی ارائه می گردد و بعد از حک و اصلاح های متعدد و مکرر برای تصویب به مجمع عمومی حزب ارائه می گردد.

حاما ۶ سال پیش سند راهبردی خویش در حوزه زنان و یک سال قبل پیش نویس سند راهبردی حزب در حوزه جوانان را ارائه کرده بود.

انتشار کتاب گفتار ۲ متوقف شد



کتاب گفتار ۲ مشتمل بر بیانیه های ارکان مختلف حزب اراده ملت ایران از سال ۱۳۹۸ تاکنون، بهمن سال گذشته (۱۴۰۱) برای کسب مجوز چاپ به وزارت ارشاد تحویل گردید. در ممیزی اعمال شده بر روی این کتاب، درخواست شده است که ۲۱ بیانیه از مجموع ۳۹ بیانیه درج شده در این کتاب مورد حذف یا اصلاح قرار گیرد. علی رغم مکاتبه صورت گرفته با وزارت ارشاد دال بر این که امکان اصلاح بیانیه ها به علت سندیت تاریخی آنها وجود ندارد، وزارت ارشاد کماکان بر نظر خویش پافشاری نموده است و فعلاً انجام فرایند انتشار و چاپ این کتاب متوقف مانده است.

کتاب گفتار ۱ که بیانیه های حزب از ابتدای تأسیس تا سال ۱۳۹۷ را در بر می گیرد، سال ۱۳۹۸ توسط افشین فرمانچی و زهره رحیمی تهیه گردید و منتشر شد.

استعفا، خدمت تحسین برانگیز آقای وزیر

فرجام وزیر آموزش و پرورش، وزیر پر حاشیه‌ی کابینه‌ی دولت اقلیت هم فرارسید. گرچه استعفای وزیر بعد از افتتاحات مدیریتی پی در پی، از اجرای طرح رتبه‌بندی معلمان به طور ناقص گرفته، تا سوء استفاده از شبکه‌ی "شاد" برای سرهم بندی وظایف آموزشی و تا مسمومیت‌های زنجیره‌ای در مدارس دخترانه، نمی‌توانست فرجامی جز این داشته باشد.

از همه نا کارآمدی‌ها و افتتاحات، بسیار گفته و نوشته شده اما آنچه مغفول مانده که در خور تقدیر است، همانا تسلیم استعفای وزیر است. گرچه این استعفا، هم دیر هنگام بود و هم بی فایده، اما گریزی از آن نبود. پشت پرده‌ی این استعفای دیر هنگام که متن آن نیز منتشر نشده، هر چه باشد، نفس این عمل در خور تحسین است و شاید تنها نقطه‌ی روشن کارنامه‌ی دولت مردان بوده باشد.

قبول اشتباه، عذرخواهی و کناره‌گیری از مسئولیتی که توان انجام آن را نداریم شرط سلیبی هر مدیریت و قبول هر قدرتی است. دموکراسی، فقط اعطای قدرت بر گزیدن حاکم و عامل مدیریت به مردم نیست، اعطای قدرت عزل نیز هست.

مردمی‌ترین دولت‌ها و حاکمان هم که به پشتوانه‌ی آرا مردمی قدرت را به دست گیرند، چنانچه همان مردم انتخاب کننده نتوانند با تجربه‌ی مدیریت حاکم، وی را عزل کرده و رای خود را پس بگیرند، دموکراسی محقق نشده، بلکه به صخره گرفته شده است. نیز، گرچه سرپرست منسوب شده نیز بارقه‌ای از امید را فرانیانورده، همین که طلسم استعفا دادن وزرا اثر اعتراض قانونی ملت شکسته شده، امر میمون و مبارکی است.

امر مبارکی است به شرط آنکه مسکن تسکین دهنده موقت آلام نبوده باشد و به یک رویه‌ی اخلاقی تبدیل شود. منتظریم دیگر مقامات نیز این عمل خدا و خلق پس نداده را سرمشق و الگوی خود قرار داده، اگر نوشی نیستند، نیشی نباشند.



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۶۰

۲۳ فروردین ماه سال ۱۴۰۲



سازمان آگهی

برای درج تبلیغات خویش، پوستر طراحی شده را
به آدرس پایین ایمیل

Hgolami1367@gmail.com

و یا

به شماره زیر از طریق واتساپ ارسال نمائید

۰۹۳۰۵۴۲۹۵۱۵

نمایندگی خادمی

مدیر: ۱۱۰۰۶۰۰۰

بیمه‌دانا

با ما به خیر میگذرد

بیمه آتش سوزی / بیمه عمر، پس انداز / بیمه حوادث
بیمه بدنه اتومبیل / بیمه آتیه فرزندان / بیمه ثالث
بیمه خطرات مهندسی / بیمه مسئولیت کارفرما

مشاوره 24 ساعته رایگان

بهران بختیاران (مشاور توجیه) / ابتکار طیاران اسکالتری جنوبی، بن بست شلیس، پلاک 4 واحد 1

۰۹۱۲۲۲۰۵۱۶۲ * ۰۹۱۲۷۳۳۴۷۷۵ * ۰۲۱۶۶۵۶۲۳۰۶

* تخفیف ویژه جهت اعضای حامی و با معرفی توسط اعضا *



سپر بلای زندگی شما
برای همه مردم ایران



نماینده بام زر

کد: ۳۲۷۵



♦ بیمه اتومبیل (ثالث و بدنه) ♦ بیمه عمر و سرمایه گذاری
♦ بیمه آتش سوزی و حوادث ♦ بیمه مسئولیت و کارفرما

مشاوره 24 ساعته رایگان

۰۹۱۸۸۵۰۶۳۰۰

۳۳۲۴۲۶۲۴

نقد و اقساط

استان همدان، نهارند، خیابان آزادهگان، روبه روی گرجه دکتر صالح

فروشگاه و نمایشگاه نوین چوب

معصومی



بخش MDF, ACT های گلاس، پلی گلاس، کینگ گلاس، تنوپان، صفحه و سه میل ...

طراحی و ساخت انواع کابینت و پارتیشن و ...

۰۸۱۳۳۲۶۷۷۰۰۶



۰۹۱۸۱۱۰۰۰۱۲، ۰۹۳۹۶۳۹۸۶۸۰



همدان: میدان امام حسین، بلوار الغدیر، بعد از کوچه خیر خواه

